

« به نام خالق آرامش »

نام کتاب: قرآن به زبان فارسی (بفتر سوم)

نام نویسنده: کلام و صر

تعداد صفحات: ۲۱۹ صفحه

تاریخ انتشار: _____



کافئین بوکلای

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم! (۸۷)

(بنابر این،) هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادی)، که به گروه‌هایی از آنها (کفار) دادیم، میفکن! و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش! و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر! (۸۸)

و بگو: «من انذارکننده آشکارم!» (۸۹)

(ما بر آنها عذابی می‌فرستیم) همان گونه که بر تجزیه‌گران (آیات الهی) فرستادیم! (۹۰)

همانها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند)! (۹۱)

به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد... (۹۲)

از آنچه عمل می‌کردند! (۹۳)

آنچه را ماموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)! (۹۴)

ما شتر استهزاکنندگان را از تو دفع خواهیم کرد: (۹۵)

همانها که معبود دیگری با خدا قرار دادند؛ اما بزودی می‌فهمند! (۹۶)

ما می‌دانیم سینه‌ات از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را سخت ناراحت می‌کنند). (۹۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(برای دفع ناراحتی آنان) پروردگارت را تسبیح و حمد گو! و از سجده‌کنندگان باش! (۹۸)

و پروردگارت را عبادت کن تا یقین (مرگ) تو فرا رسد! (۹۹)

سوره النحل

به نام خداوند بخشنده بਖشایشگر

فرمان خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان)، فرا رسیده است؛ برای آن عجله نکنید! منزه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرار می‌دهند! (۱)

فرشتگان را با روح (الهی) بفرمائش بر هر کس از بندگانش بخواهد نازل می‌کند؛ (و به آنها دستور می‌دهد) که مردم را انذار کنید؛ (و بگویند): معبودی جز من نیست؛ از (مخالفت دستور) من، بپرهیزید! (۲)

آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ او برتر است از اینکه همتایی برای او قرار می‌دهند! (۳)

انسان را از نطفه بی‌ارزشی آفرید؛ و سرانجام (او موجودی فصیح، و) مدافع آشکار از خویشان گردید! (۴)

و چهار پایان را آفرید؛ در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از گوشت آنها می‌خورید! (۵)

و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان باز می‌گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می‌فرستید! (۶)

آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می‌کنند که جز با مشقت زیاد، به آن نمی‌رسیدید؛ پروردگارتان رؤوف و رحیم است (که این وسایل حیات را در اختیار تان قرار داده)! (۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همچنین اسبها و استرها و الاغها را آفرید؛ تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشند، و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید. (۸)

و بر خداست که راه راست را (به بندگان) نشان دهد؛ اما بعضی از راه‌ها بیراهه است! و اگر خدا بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می‌کند؛ (ولی اجبار سودی ندارد). (۹)

او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است؛ و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرای می‌برید، نیز از آن است. (۱۰)

خداوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه‌ها می‌رویانند؛ مسلماً در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است. (۱۱)

او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شماینند؛ در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا،) برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند! (۱۲)

(علاوه بر این،) مخلوقاتی را که در زمین به رنگهای گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می‌شوند! (۱۳)

او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره‌گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید! (۱۴)

و در زمین، کوه‌های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد؛ و نهرها و راههایی ایجاد کرد، تا هدایت شوید. (۱۵)

و (نیز) علاماتی قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند. (۱۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا کسی که (این گونه مخلوقات را) می‌آفریند، همچون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (۱۷)

و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آنها را احصا کنید؛ خداوند بخشنده و مهربان است! (۱۸)

خداوند آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌سازید، می‌داند. (۱۹)

معبودهایی را که غیر از خدا می‌خوانند، چیزی را خلق نمی‌کنند؛ بلکه خودشان هم مخلوقند! (۲۰)

آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند؛ و نمی‌دانند (عبادت‌کنندگانشان) در چه زمانی محشور می‌شوند! (۲۱)

معبود شما خداوند یگانه است؛ اما کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان (حق را) انکار می‌کند و مستکبرند. (۲۲)

قطعا خداوند از آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکار می‌سازند باخبر است؛ او مستکبران را دوست نمی‌دارد! (۲۳)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «پروردگار شما چه نازل کرده است؟» می‌گویند: «اینها (وحی الهی نیست) همان افسانه‌های دروغین پیشینیان است!» (۲۴)

آنها باید روز قیامت، (هم) بار گناهان خود را بطور کامل بر دوش کشند؛ و هم سهمی از گناهان کسانی که بخاطر جهل، گمراهشان می‌سازند! بدانید آنها بار سنگین بدی بر دوش می‌کشند! (۲۵)

کسانی که قبل از ایشان بودند (بیز) از این توطنه‌ها داشتند؛ ولی خداوند به سراغ شالوده (زندگی) آنها رفت؛ و آن را از اساس ویران کرد؛ و سقف از بالا بر سرشان فرو ریخت؛ و عذاب (الهی) از آن جایی که نمی‌دانستند به سراغشان آمد! (۲۶)

سهس روز قیامت خدا آنها را رسوا می‌سازد؛ و می‌گوید: «شریکاتی که شما برای من ساختید، و بخاطر آنها با دیگران دشمنی می‌کردید، کجا هستید؟!» (در این هنگام) کسانی که به آنها علم داده شده می‌گویند: «سواپی و بدبختی، امروز بر کافران است!» (۲۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که به خود ظلم کرده بودند! در این موقع آنها تسلیم می‌شوند (و بدروغ می‌گویند): ما کار بدی انجام نمی‌دادیم! آری، خداوند به آنچه انجام می‌دادید عالم است! (۲۸)

(به آنها گفته می‌شود): اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود! چه جای بدی است جایگاه مستکبران! (۲۹)

(ولی هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می‌شد: «پروندگان شما چه چیز نازل کرده است؟» می‌گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری،) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است؛ و سرای آخرت از آن هم بهتر است؛ و چه خوب است سرای پرهیزگاران! (۳۰)

باغهایی از بهشت جاویدان است که همگی وارد آن می‌شوند؛ نهرها از زیر درختانش می‌گذرد؛ هر چه بخواهند در آنجا هست؛ خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می‌دهد! (۳۱)

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دانید!» (۳۲)

آیا آنها انتظاری جز این دارند که فرشتگان (قبض ارواح) به سراغشان بیایند، یا فرمان پروردگارت (برای مجازاتشان) فرا رسد (آنگاه توبه کنند؟! ولی توبه آنها در آن زمان بی اثر است! آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند! خداوند به آنها ستم نکرد؛ ولی آنان به خویشان ستم می‌نمودند! (۳۳)

و سرانجام بندگان اعمالشان به آنها رسید؛ و آنچه را (از وعده‌های عذاب) استهزا می‌کردند، بر آنان وارد شد. (۳۴)

مشركان گفتند: «اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی‌کردیم؛ و چیزی را بدون اجازه او حرام نمی‌ساختیم!» (آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز همین کارها را انجام دادند؛ ولی آیا پیامبران وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار دارند؟! (۳۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما در هر امّی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود! (۳۶)

هر قدر بر هدایت آنها حریص باشی، (سودی ندارد؛ چرا) که خداوند کسی را که گمراه ساخت، هدایت نمی‌کند؛ و آنها یاورانی نخواهند داشت! (۳۷)

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می‌میرد، بر نمی‌انگیزد! س‌ذنبه آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا بازمی‌گرداند)؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!» (۳۸)

هدف این است که آنچه را در آن اختلاف داشتند، برای آنها روشن سازد؛ و کسانی که منکر شدند، بدانند دروغ می‌گفتند! (۳۹)

(رستخیز مردگان برای ما مشکل نیست؛ زیرا) وقتی چیزی را اراده می‌کنیم، فقط به آن می‌گوییم: «موجود باش!» بلافاصله موجود می‌شود. (۴۰)

آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می‌دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند! (۴۱)

آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (۴۲)

و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم! اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است!) (۴۳)

(از آنها بپرسید که) از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند!) و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند! (۴۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا توطنه‌گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آنها را در زمین فروبرد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟!... (۴۵)

یا به هنگامی (که برای کسب مال و ثروت افزونتر) در رفت و آمدند، دامانشان را بگیرد در حالی که قادر به فرار نیستند؟!... (۴۶)

یا بطور تدریجی، با هشدارهای خوف‌انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، رؤوف و رحیم است. (۴۷)

آیا آنها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه‌هایشان از راست و چپ حرکت دارند، و با خضوع برای خدا سجده می‌کنند؟! (۴۸)

(نه تنها سایه‌ها، بلکه) تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می‌کنند و تکبیر می‌ورزند. (۴۹)

آنها (تنها) از (مخالفت) پروردگارشان، که حاکم بر آنهاست، می‌ترسند؛ و آنچه را مأموریت دارند انجام می‌دهند. (۵۰)

خداوند فرمان داده: «نو معبود (برای خود) انتخاب نکنید؛ معبود (شما) همان خدای یگانه است؛ تنها از (کیفر) من بترسید!» (۵۱)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و دین خالص (نیز) هواره از آن او می‌باشد؛ آیا از غیر او می‌ترسید؟! (۵۲)

آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست! و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می‌خوانید! (۵۳)

(اما) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می‌سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می‌شوند. (۵۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده‌ایم کفران کنند! (اکنون) چند روزی (از متاع دنیا) بهره‌گیرید، اما بزودی خواهید دانست (سرانجام کارتان به کجا خواهد کشید!) (۵۵)

آنان برای پتیهایی که هیچ‌گونه سود و زیبایی از آنها سراغ ندارند، سهمی از آنچه به آنان روزی داده‌ایم قرار می‌دهند؛ به خدا سوگند، (در دادگاه قیامت)، از این افتراها که می‌بندید، بازپرسی خواهید شد! (۵۶)

آنها (در پندار خود)، برای خداوند دختران قرار می‌دهند؛ منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد) - ولی برای خودشان، آنچه را میل دارند قائل می‌شوند... (۵۷)

در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فراب ناراحتی) سیاه می‌شود؛ و به شدت خشمگین می‌گردند... (۵۸)

بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردند؛ (و نمی‌دانند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارند، یا در خاک پنهانش کنند؟! چه بد حکم می‌کنند! (۵۹)

برای آنها که به سرای آخرت ایمان ندارند، صفات زشت است؛ و برای خدا، صفات عالی است؛ و او قدرتمند و حکیم است. (۶۰)

و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می‌کرد، جنبنده‌های را بر پشت زمین باقی نمی‌گذارد؛ ولی آنها را تا زمان معینی به تاخیر می‌اندازد. و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تاخیر می‌کنند، و نه ساعتی پیشی می‌گیرند. (۶۱)

آنها برای خدا چیزهایی قرار می‌دهند که خودشان از آن کراهت دارند (فرزندان دختر)؛ با این حال زیانشان به دروغ می‌گویند سرانجام نیکی دارند! از این رو برای آنان آتش است؛ و آنها از پیشگامان (تورخ) اند. (۶۲)

به خدا سوگند، به سوی امتهای پیش از تو پیامبرانی فرستادیم؛ اما شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست؛ و امروز او ولی و سرپرستشان است؛ و مجازات دردناکی برای آنهاست! (۶۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند! (۶۴)

خداوند از آسمان، آبی فرستاد؛ و زمین را، پس از آنکه مرده بود، حیات بخشید! در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که گوش شنوا دارند! (۶۵)

و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم! (۶۶)

و از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات (نابالک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید؛ در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می‌کنند! (۶۷)

و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: «از کوه‌ها و درختان و داربستهایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین! (۶۸)

سبب از تمام ثمرات (و شیره گلها) بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی بپیم! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند. (۶۹)

خداوند شما را آفرید؛ سپس شما را می‌میراند؛ بعضی از شما به نامطلوب‌ترین سنین بالای عمر می‌رسند، تا بعد از علم و آگاهی، چیزی ندانند (و همه چیز را فراموش کنند)؛ خداوند دانا و تواناست! (۷۰)

خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که استعدادها و تلاشهایتان متفاوت است)؛ اما آنها که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به برندگانشان بدهند و همگی در آن مساوی گردند؛ آیا آنان نعمت خدا را انکار می‌نمایند (که شکر او را ادا نمی‌کنند)؟! (۷۱)

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! (۷۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها غیر از خدا، موجوداتی را می‌پرستند که هیچ رزقی را برای آنان از آسمانها و زمین در اختیار ندارند؛ و توان این کار را نیز ندارند. (۷۳)

پس، برای خدا امثال (و شبیه‌ها) قائل نشوید! خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (۷۴)

خداوند مثالی زده: برده مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست؛ و انسان (با ایمانی) را که از جانب خود، رزقی نیکو به او بخشیده‌ایم، و او پنهان و آشکار از آنچه خدا به او داده، انفاق می‌کند؛ آیا این دو نفر یکسانند؟! شکر مخصوص خداست، ولی اکثر آنها نمی‌دانند! (۷۵)

خداوند مثالی (دیگر) زده است: دو نفر را، که یکی از آن دو، گنگ مادرزاد است؛ و قادر بر هیچ کاری نیست؛ و سربرار صاحبش می‌باشد؛ او را در پی هر کاری بفرستد، خوب انجام نمی‌دهد؛ آیا چنین انسانی، با کسی که امر به عدل و داد می‌کند، و بر راهی راست قرار دارد، برابر است؟! (۷۶)

غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می‌داند)؛ و امر قیامت (بقدری نزدیک و آسان است) درست همانند چشم بر هم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر؛ چرا که خدا بر هر چیزی تواناست! (۷۷)

و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید! (۷۸)

آیا آنها به پرندگانی که بر فراز آسمانها نگاهداشته شده، نظر نمی‌کنند؟ هیچ کس جز خدا آنها را نگاه نمی‌دارد؛ در این امر، نشانه‌هایی (از عظمت و قدرت خدا) است برای کسانی که ایمان می‌آورند! (۷۹)

و خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد؛ و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می‌توانید آنها را جا به جا کنید؛ و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد. (۸۰)

و (نیز) خداوند از آنچه آفریده است سایه‌هایی برای شما قرار داده؛ و از کوه‌ها پناهگاه‌هایی؛ و برای شما پیراهنهایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند؛ و پیراهنهایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست؛ این گونه نعمتهایش را بر شما کمال می‌کند، شاید تسلیم فرمان او شوید! (۸۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(با این همه، اگر روی برتابند، نگران مباش: تو فقط وظیفه ابلاغ آشکار داری. (۸۲)

آنها نعمت خدا را می‌شناسند؛ سپس آن را انکار می‌کنند؛ و اکثرشان کافرند! (۸۳)

(به خاطر بیاورید) روزی را که از هر امتی گواهی بر آنان برمی‌انگیزیم؛ سپس به آنان که کفر ورزیدند، اجازه (سخن گفتن) داده نمی‌شود؛ (بلکه دست و پا و گوش و چشم، حتی پوست تن آنها گواهی می‌دهند!) و (تیز) اجازه عذرخواهی و تقاضای عفو به آنان نمی‌دهند! (۸۴)

و هنگامی که ظالمان عذاب را ببینند، نه به آنها تخفیف داده می‌شود، و نه مهلت! (۸۵)

و هنگامی که مشرکان معبودهایی را که همتای خدا قرار دادند می‌بینند، می‌گویند: «پروندگان! اینها همتایانی هستند که ما به جای تو، آنها را می‌خواندیم!» در این هنگام، معبودان به آنها می‌گویند: «شما دروغ‌گو هستید! (شما هوای نفس خود را پرستش می‌کردید!)» (۸۶)

و در آن روز، همگی (ناگزیر) در پیشگاه خدا تسلیم می‌شوند؛ و تمام آنچه را (نسبت به خدا) دروغ می‌بستند، گم و نابود می‌شود! (۸۷)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، بخاطر فسادی که می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزاییم! (۸۸)

(به یاد آورید) روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی‌انگیزیم؛ و تو را گواه بر آنان قرار می‌دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است! (۸۹)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید! (۹۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده‌اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است! (۹۱)

همانند آن زن (سبک مغز) نباشید که پشمهای تابیده خود را، پس از استحکام، وامی‌تابید! در حالی که (سوگند و پیمان) خود را وسیله خیانت و فساد قرار می‌دهید؛ بخاطر اینکه گروهی، جمعیتشان از گروه دیگر بیشتر است (و کثرت دشمن را بهانه‌ای برای شکستن بیعت با پیامبر می‌شمرید)! خدا فقط شما را با این وسیله آزمایش می‌کند؛ و به یقین روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید، برای شما روشن می‌سازد! (۹۲)

و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ (و همه را به اجبار وادار به ایمان می‌کرد؛ اما ایمان اجباری فایده‌ای ندارد!) ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق بداند) هدایت می‌کند! (به گروهی توفیق هدایت داده، و از گروهی سلب می‌کند!) و یقیناً شما از آنچه انجام می‌دادید، باز پرسی خواهید شد! (۹۳)

سوگندهایتان را وسیله تقلب و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبدا گامی بعد از ثابت‌گشتن (بر ایمان) متزلزل شود؛ و به خاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا، آثار سوء آن را بچشید! و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود! (۹۴)

و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (و هر بهایی در برابر آن ناچیز است!) آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است اگر می‌دانستید. (۹۵)

آنچه نزد شماست فانی می‌شود؛ اما آنچه نزد خداست باقی است؛ و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دانند پاداش خواهیم داد. (۹۶)

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دانند، خواهیم داد. (۹۷)

هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شر شیطان مطرود، به خدا پناه بر! (۹۸)

چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد. (۹۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند، و آنها که نسبت به او (خدا) شریک می‌ورزند (و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می‌نهند) (۱۰۰)

و هنگامی که آیه‌ای را به آیه دیگر مبدل کنیم (حکمی را نسخ نماییم) -و خدا بهتر می‌داند چه حکمی را نازل کند- آنها می‌گویند: «تو افترا می‌بندی!» اما بیشترشان (حقیقت را) نمی‌دانند! (۱۰۱)

بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت‌قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان! (۱۰۲)

ما می‌دانیم که آنها می‌گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می‌دهد!» در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می‌دهند عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است! (۱۰۳)

به یقین، کسانی که به آیات الهی ایمان نمی‌آورند، خدا آنها را هدایت نمی‌کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی است. (۱۰۴)

تنها کسانی دروغ می‌پندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری،) دروغ‌گویان واقعی آنها هستند! (۱۰۵)

کسانی که بعد از ایمان کافر شوند -بجز آنها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است- آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان! (۱۰۶)

این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را) بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی‌ایمان (لجوج) را هدایت نمی‌کند. (۱۰۷)

آنها کسانی هستند که (بر اثر فزونی گناه،) خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده؛ (به همین دلیل نمی‌فهمند،) و غافلان واقعی همانها هستند! (۱۰۸)

و ناچار آنها در آخرت زیاتکارند. (۱۰۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب خوردن، (به ایمان بازگشتند و) هجرت کردند؛ سپس جهاد کردند و در راه خدا استقامت نمودند؛ پروردگارت، بعد از انجام این کارها، بخشنده و مهربان است (و آنها را مشمول رحمت خود می‌سازد). (۱۱۰)

(به یاد آورید) روزی را که هر کس (در فکر خویشتن است؛ و تنها) به دفاع از خود برمی‌خیزد؛ و نتیجه اعمال هر کسی، بی‌کم و کاست، به او داده می‌شود؛ و به آنها ظلم نخواهد شد! (۱۱۱)

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند،) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید! (۱۱۲)

پیامبری از خودشان به سراغ آنها آمد، او را تکذیب کردند؛ از این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت در حالی که ظالم بودند! (۱۱۳)

پس، از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید؛ و شکر نعمت خدا را بجا آورید اگر او را می‌پرسید! (۱۱۴)

خداوند، تنها مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده‌اند، بر شما حرام کرده است؛ اما کسانی که ناچار شوند، در حالی که تجاوز و تعدی از حد نمایند، (خدا آنها را می‌بخشد؛ چرا که) خدا بخشنده و مهربان است. (۱۱۵)

به خاطر دروغی که بر زبانتان جاری می‌شود (و چیزی را مجاز و چیزی را ممنوع می‌کنید،) نگویید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا ببندید به یقین کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، رستگار نخواهند شد! (۱۱۶)

بهره کسی است (که در این دنیا نصیبشان می‌شود)؛ و عذاب دردناکی در انتظار آنان است! (۱۱۷)

چیزهایی را که پیش از این تو شرح دادیم، بر یهود حرام کردیم؛ ما به آنها ستم نکردیم، اما آنها به خودشان ظلم و ستم می‌کردند! (۱۱۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، بدی کرده‌اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران برآمده‌اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است. (۱۱۹)

ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا؛ خالی از هر گونه انحراف؛ و از مشرکان نبود؛ (۱۲۰)

شکرگزار نعمتهای پروردگار بود؛ خدا او را برگزید؛ و به راهی راست هدایت نمود؛ (۱۲۱)

ما در دنیا به او (همت) نیکویی دادیم؛ و در آخرت از نیکان است؛ (۱۲۲)

سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود- پیروی کن؛ (۱۲۳)

(تحریمهای) روز شنبه (برای یهود) فقط بعنوان يك مجازات بود، که در آن هم اختلاف کردند؛ و پروردگارت روز قیامت، در آنچه اختلاف داشتند، میان آنها داوری می‌کند؛ (۱۲۴)

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن؛ پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است. (۱۲۵)

و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها بمقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید؛ و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. (۱۲۶)

صبر کن، و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد؛ و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و دلسرد مشو؛ و از توطئه‌های آنها، در تنگنا قرار مگیر؛ (۱۲۷)

خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند، و کسانی که نیکوکارند. (۱۲۸)

سوره الاسراء



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به نام خداوند بخشنده بختايشگر

پاك و منزّه است خدايى كه بندهاش را در يك شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصى كه گر داگردش را پريركت ساخته‌ايم- برد، تا برخى از آيات خود را به او نشان دهيم؛ چرا كه او شنوا و بيناست. (۱)

ما به موسى كتاب آسمانى داديم؛ و آن را وسيله هدايت بنى اسرائيل ساختيم: (و گفتيم): غير ما را تكيه‌گاه خود قرار ندهيد! (۲)

اى فرزندان كسانى كه با نوح (بر كشتى) سوار كرديم! او بنده شكرگزارى بود. (شما هم مانند او باشيد، تا نجات يابيد!) (۳)

ما به بنى اسرائيل در كتاب (تورات) اعلام كرديم كه دوبار در زمين فساد خواهيد كرد، و برترى جويى بزرگى خواهيد نمود. (۴)

هنگامى كه نخستين وعده فرا رسد، گروهى از بندگان پيكارجوى خود را بر ضد شما ميانگيزيم (تا شما را سخت در هم كویند؛ حتى براى به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو مي‌كنند؛ و اين وعده‌اى است قطعى! (۵)

سپس شما را بر آنها چيره مي‌كنيم؛ و شما را به وسيله دار ابيها و فرزندانى كه خواهيم كرد؛ و نفرت شما را بيشتر (از دشمن) قرار مي‌دهيم. (۶)

اگر نيكي كنيد، به خودتان نيكي مي‌كنيد؛ و اگر بدى كنيد باز هم به خود مي‌كنيد. و هنگامى كه وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت كه) آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر مي‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصى) مي‌شوند همان گونه كه بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زير سلطه خود مي‌گيرند، در هم مي‌كویند. (۷)

اميد است پروردگارتان به شما رحم كند! هرگاه برگرديد، ما هم باز مي‌گرديم؛ و جهنم را براى كافران، زندان سختى قرار داديم. (۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این قرآن، به راهی که استوارترین راه هاست، هدایت می‌کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. (۹)

و اینکه آنها که به قیامت ایمان نمی‌آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته‌ایم. (۱۰)

انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدیها را طلب می‌کند آن گونه که نیکبها را می‌طلبد؛ و انسان، همیشه عجول بوده است! (۱۱)

ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم: سپس نشانه شب را محو کرده، و نشانه روز را روشنی‌بخش ساختیم تا (در پرتو آن) فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید)، و عدد سالها و حساب را بدانید؛ و هر چیزی را بطور مشخص و آشکار، بیان کردیم. (۱۲)

و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (۱۳)

(و به او می‌گوییم: کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی!) (۱۴)

هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته؛ و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند). (۱۵)

و هنگامی که بخوایم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت در هم می‌کوبیم. (۱۶)

چه بسیار مردمی که در قرون بعد از نوح، زندگی می‌کردند؛ (و طبق همین سنت)، آنها را هلاک کردیم! و کافی است که پروردگارت از گناهان بندگان آگاه، و نسبت به آن بیناست. (۱۷)

آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که خواهیم -و به هر کس اراده کنیم- می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که نکو هیده و رانده (درگاه خدا) است. (۱۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند در حالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. (۱۹)

هر يك از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم؛ و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است. (۲۰)

ببین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم؛ درجات آخرت و برتری‌هایش، از این هم بیشتر است! (۲۱)

هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بی‌پار و یاور خواهی نشستی! (۲۲)

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو! (۲۳)

و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» (۲۴)

پروردگار شما از درون دل‌هایتان آگاهتر است؛ (اگر لغزشی در این زمینه داشتید) هر گاه صالح باشید (و جبران کنید) او بازگشت‌کنندگان را می‌بخشد. (۲۵)

و حق نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تیزیر مکن، (۲۶)

چرا که تیزیرکنندگان، برادران شیاطینند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود! (۲۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و هرگاه از آنان (مستمندان) روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو! (۲۸)

هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترك انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی! (۲۹)

به یقین، پروردگارت روزی را برای هر کس بخواهد، گشاده یا تنگ می‌دارد؛ او نسبت به بندگان، آگاه و بیناست. (۳۰)

و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است! (۳۱)

و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است! (۳۲)

و کسی را که خداوند خورش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکنند، چرا که او مورد حمایت است! (۳۳)

و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد! و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود! (۳۴)

و هنگامی که پیمانہ می‌کنید، حق پیمانہ را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است. (۳۵)

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند. (۳۶)

و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد! (۳۷)

همه اینها گناهش نزد پروردگار تو ناپسند است. (۳۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این احکام، از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده: و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می‌شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا) خواهی بود! (۳۹)

آیا پروردگارتان فرزندان پسر را مخصوص شما ساخته، و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگ (و بسیار زشتی) می‌گویید! (۴۰)

مادر این قرآن، انواع بیانات مؤثر را آوردیم تا متذکر شوند! ولی (گروهی از کوردلان،) جز بر نفرتشان نمی‌افزاید. (۴۱)

بگو: «اگر آنچنان که آنها می‌گویند با او خدایانی بود، در این صورت، (خدایان) سعی می‌کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند.» (۴۲)

او پاك و برتر است از آنچه آنها می‌گویند، بسیار برتر و منزه‌تر! (۴۳)

آسمانهای هفتگانه و زمین و کسائی که در آنها هستند، همه تسبیح او می‌گویند: و هر موجودی، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است. (۴۴)

و هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی‌آورند، حجاب ناپیدایی قرار می‌دهیم؛ (۴۵)

و بر دل‌هایشان پوششهایی، تا آن را نفهمند؛ و در گوش‌هایشان سنگینی؛ و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آنها پشت می‌کنند و از تو روی بر می‌گردانند. (۴۶)

هنگامی که به سخنان تو گوش فرامی‌دهند، ما بهتر می‌دانیم برای چه گوش فرا می‌دهند؛ (و همچنین) در آن هنگام که با هم نجوا می‌کنند؛ آنگاه که ستمگران می‌گویند: «شما جز از انسانی که افسون شده، پیروی نمی‌کنید!» (۴۷)

بین چگونه برای تو مثلها زدند! در نتیجه گمراه شدند، و نمی‌توانند راه حق را پیدا کنند. (۴۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و گفتند: «آیا هنگامی که ما، استخوانهای پوسیده و پراکنده‌ای شدیم، دگر بار آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟!» (۴۹)

بگو: «شما سنگ بشنید یا آهن، (۵۰)

یا هر مخلوقی که در نظر شما، از آن هم سخت‌تر است (و از حیات و زندگی دورتر می‌باشد، باز خدا قادر است شما را به زندگی مجدد بازگرداند). آنها بزودی می‌گویند: «چه کسی ما را باز می‌گرداند؟!» بگو: «همان کسی که نخستین بار شما را آفرید.» آنان سر خود را (از روی تعجب و انکار،) به سوی تو خم می‌کنند و می‌گویند: «در چه زمانی خواهد بود؟!» بگو: «شاید نزدیک باشد!» (۵۱)

همان روز که شما را (از قبر هایتان) فرامی‌خواند؛ شما هم اجابت می‌کنید در حالی که حمد او را می‌گویید؛ می‌پندارید تنها مدت کوتاهی (در جهان برزخ) درنگ کرده‌اید!» (۵۲)

به بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد می‌کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است!» (۵۳)

پروردگار شما، از (نیات و اعمال) شما آگاه‌تر است؛ اگر بخواهد (و شایسته بداند)، شما را مشمول رحمت خود می‌سازد؛ و اگر بخواهد، مجازات می‌کند؛ و ما تو را بعنوان مأمور بر آنان نفرستاده‌ایم (که آنان را مجبور به ایمان کنی!) (۵۴)

پروردگار تو، از حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند، آگاه‌تر است؛ و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم، بخاطر شایستگی توست،) ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ و به داوود، زبور بخشیدیم. (۵۵)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید، بخوانید! آنها نه می‌توانند مشکلی را از شما برطرف سازند، و نه تغییری در آن ایجاد کنند.» (۵۶)

کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر؛ و به رحمت او امیدوارند؛ و از عذاب او می‌ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است! (۵۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هیچ شهر و آبادی نیست مگر اینکه آن را پیش از روز قیامت هلاک می‌کنیم؛ یا (اگر گناهکارند،) به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت؛ این، در کتاب الهی (لوح محفوظ) ثبت است. (۵۸)

هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (در خواستی بهانه‌جویان) را بفرستیم جز اینکه پیشینیان (که همین درخواستها را داشتند، و با ایشان هماهنگ بودند)، آن را تکذیب کردند: (از جمله،) ما به (قوم) ثمود، ناقة دادیم؛ (معجزه‌ای) که روشنگر بود؛ اما بر آن ستم کردند (و ناقة را کشتند). ما معجزات را فقط برای بیم دادن (و اتمام حجت) می‌فرستیم. (۵۹)

(به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد: (و از وضعشان کاملا آگاه است.) و ما آن رویایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ همچنین شجره ملعونه (درخت نفرین شده) را که در قرآن ذکر کرده‌ایم. ما آنها را بیم داده (و انذار) می‌کنیم؛ اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی‌افزاید!» (۶۰)

(به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «بر ای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده‌ای؟!» (۶۱)

(سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده‌ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندان را، جز عده کمی، گمراه و ریشه‌کن خواهم ساخت!» (۶۲)

فرمود: «برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شمامست، کیفری است فراوان! (۶۳)

هر کدام از آنها را می‌توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن! -ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آنها نمی‌دهد. (۶۴)

(اما بدان) تو هرگز سلطه‌ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچ‌گاه به دام تو گرفتار نمی‌شوند)! همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ آنها باشد.» (۶۵)

پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی‌آورد، تا از نعمت او بهره‌مند شوید؛ او نسبت به شما مهربان است. (۶۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کساتی را که (برای حل مشکلات خود) می‌خوانید، فراموش می‌کنید؛ اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می‌گردانید؛ و انسان، بسیار ناسپاس است! (۶۷)

آیا از این ایمن هستید که در خشکی (با يك زلزله شدید) شما را در زمین فرو ببرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و در آن مدفونتان کند)، سپس حافظ (و یابوری) برای خود نیابید؟! (۶۸)

یا اینکه ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و تندباد کوبنده‌ای بر شما بفرستد، و شما را بخاطر کفرتان غرق کند، سپس دادخواه و خونخواهی در برابر ما پیدا نکنید؟! (۶۹)

ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم. (۷۰)

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کساتی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند؛ و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود! (۷۱)

اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است! (۷۲)

نزدیک بود آنها تو را (با وسوسه‌های خود) از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی؛ و در آن صورت، تو را به دوستی خود برمیگزینند! (۷۳)

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف نبودی)، نزدیک بود به آنان تمایل کنی. (۷۴)

اگر چنین می‌کردی، ما دو برابر مجازات (مشرکان) در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات) آنها را بعد از مرگ، به تو می‌چساندیم؛ سپس در برابر ما، یابوری برای خود نمی‌یافتی! (۷۵)

و نزدیک بود (با نیرنگ و توطئه) تو را از این سرزمین بلغزانند، تا از آن بیرون‌ت کنند! و هرگاه چنین می‌کردند، (گرفتار مجازات سخت الهی شده)، و پس از تو، جز منت کمی باقی نمی‌ماندند! (۷۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت!
(۷۷)

نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را؛
چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است! (۷۸)

و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این يك وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت
تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد! (۷۹)

و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حجتی یاری کننده
برایم قرار ده!» (۸۰)

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است!» (۸۱)

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید. (۸۲)

هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم، (از حق) روی می‌گرداند و متکبرانه نور می‌شود؛ و هنگامی که (کمترین) بدی به او
می‌رسد، (از همه چیز) مایوس می‌گردد! (۸۳)

بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند؛ و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر
می‌شناسد.» (۸۴)

و از تو درباره «روح» سؤال می‌کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده
است!» (۸۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و اگر بخواهیم، آنچه را بر تو وحی فرستاده‌ایم، از تو می‌گیریم؛ سپس کسی را نمی‌یابی که در برابر ما، از تو دفاع کند... (۸۶)

مگر رحمت پروردگارت (شامل حالت گردد)، که فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است! (۸۷)

بگو: «اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند. (۸۸)

مادر این قرآن، برای مردم از هر چیز نمونه‌ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است)؛ اما بیشتر مردم (در برابر آن، از هر کاری) جز انکار، ابا داشتند! (۸۹)

و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا اینکه چشمه‌جوشانی از این سرزمین (خشک و سوزان) برای ما خارج سازی... (۹۰)

یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد؛ و نهرها در لابه‌لای آن جاری کنی... (۹۱)

یا قطعات (سنگهای) آسمان را -آنچنان که می‌پنداری- بر سر ما فرود آری؛ یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری... (۹۲)

یا برای تو خانه‌ای پر نقش و نگار از طلا باشد؛ یا به آسمان بالا روی؛ حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه نامه‌ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم! «بگو:» منزّه است پروردگارم (از این سخنان بی‌معنی)! مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم؟! (۹۳)

تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود (که از روی نادانی و بی‌خبری) گفتند: «ایا خداوند بشری را بعنوان رسول فرستاده است؟!» (۹۴)

بگو: «(حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زنگی می‌کردند، و) با آرش گام برمی‌داشتند، ما فرشته‌ای را به عنوان رسول، بر آنها می‌فرستادیم!» (چرا که زهنمای هر گروهی باید از جنس خودشان باشد). (۹۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بگو: «همین کافی است که خداوند، میان من و شما گواه باشد؛ چرا که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست!» (۹۶)

هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هادیان و سرپرستانی غیر خدا برای او نخواهی یافت؛ و روز قیامت، آنها را بر صورتهایشان محسور می‌کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کورند؛ جایگاهشان دوزخ است؛ هر زمان آتش آن فرونشیند، شعله تازه‌ای بر آنان می‌افزاییم! (۹۷)

این کینر آنهاست، بخاطر اینکه نسبت به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آیا هنگامی که ما استخوانهای پوسیده و خاکهای پراکنده‌ای شدیم، بار دیگر آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟! س‌ذنبه (۹۸)

آیا نمی‌دانند خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند)؟! و برای آنان سرآمدی قطعی - که شکی در آن نیست - قرار داده؛ اما ظالمان، جز کفر و انکار را پذیرا نیستند! (۹۹)

بگو: «اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) اسماک می‌کردید، مبادا انفاق، مایه تنگستی شما شود» و انسان تنگ نظر است! (۱۰۰)

ما به موسی نه معجزه روشن دادیم؛ پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که این (معجزات نه گانه) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟! فرعون به او گفت: «ای موسی! گمان می‌کنم تو دیوانه (یا ساحری)!» (۱۰۱)

(موسی) گفت: «تو می‌دانی این آیات را جز پروردگار آسمانها و زمین جبرای روشنی دلها - نفرستاده؛ و من گمان می‌کنم ای فرعون، تو (بزودی) هلاک خواهی شد!» (۱۰۲)

پس (فرعون) تصمیم گرفت آنان را از آن سرزمین ریشه کن سازد؛ ولی ماء او و تمام کسانی را که با او بودند، غرق کردیم. (۱۰۳)

و بعد از آن به بنی اسرائیل گفتیم: «در این سرزمین (مصر و شام) ساکن شوید! اما هنگامی که وعده آخرت فرا رسد، همه شما را دسته جمعی (به آن دادگاه عدل) می‌آوریم.» (۱۰۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و ما قرآن را بحق نازل کردیم؛ و بحق نازل شد؛ و تو را، جز بعنوان بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نفرستادیم! (۱۰۵)

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم. (۱۰۶)

بگو: «خواه به آن ایمان بیآورید، و خواه ایمان نیاورید، کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده می‌شود، سجدکنان به خاک می‌افتند... (۱۰۷)

و می‌گویند: «منزه است پروردگار ما، که وعده‌هایش به یقین انجام‌شدنی است!» (۱۰۸)

آنها (بی‌اختیار) به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند؛ و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می‌افزاید. (۱۰۹)

بگو: «(الله) را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است؛ و) برای او بهترین نامهاست!» و نمازت را زیاد بلند، یا خیلی آهسته بخوان؛ و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن! (۱۱۰)

و بگو: «ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه بخاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست!» و او را بسیار بزرگ بشمار! (۱۱۱)

سوره الکهف

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد، و هیچ‌گونه کثری در آن قرار نداد... (۱)

در حالی که ثابت و مستقیم و نگاهبان کتابهای (آسمانی) دیگر است؛ تا (بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند؛ و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آنهاست... (۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(همان بهشت برین) که جاودانه در آن خواهند ماند! (۳)

و (نیز) آنها را که گفتند: «خداوند، فرزندی (برای خود) انتخاب کرده است»، انذار کند. (۴)

نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند، و نه پدرانشان! سخن بزرگی از دهانشان خارج می‌شود! آنها فقط دروغ می‌گویند!
(۵)

ج ۸۳۲) گویی می‌خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند! (۶)

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را ببازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند! (۷)

(ولی) این زرق و برقه پایدار نیست، و ما (سرانجام) قشر روی زمین را خاك بی گیاهی قرار می‌دهیم! (۸)

آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟! (۹)

« زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: «پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!» (۱۰)

ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم، و سالها در خواب فرو رفتند. (۱۱)

سیس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار گردد که) کدام يك از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده‌اند. (۱۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می‌کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم. (۱۳)

و دلپایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سختی بگزارد گفته‌ایم. (۱۴)

این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده‌اند؛ چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی‌آورند؟! و چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببیند؟!» (۱۵)

و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند کنار مگیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگار تان (سایه) رحمتش را بر شما می‌گستراند؛ و در این امر، آرامشی ب شما فراهم می‌سازد! (۱۶)

و (اگر در آنجا بودی) خورشید را می‌دیدى که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می‌گردد؛ و به هنگام غروب، به سمت چپ؛ و آنها در محل وسیعی از آن (غار) قرار داشتند؛ این از آیات خداست! هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را گمراه نماید، هرگز ولی و راهنمایی برای او نخواهی یافت! (۱۷)

و (اگر به آنها نگاه می‌کردی) می‌پنداشتی بیدارند؛ در حالی که در خواب فرو رفته بودند! و ما آنها را به سمت راست و چپ میگردانیم (تا بدنشان سالم بماند). و سنگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود (و نگرهبانی می‌کرد). اگر نگاهشان می‌کردی، از آنان می‌گریختی؛ و سر تا پای تو از ترس و وحشت پر می‌شد! (۱۸)

این‌گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند؛ یکی از آنها گفت: «چه مدت خوابیدید؟!» گفتند: «یک روز، یا بخشی از یک روز!» (و چون نتوانستند مدت خوابشان را دقیقاً بدانند) گفتند: «پروردگار تان از مدت خوابتان آگاهتر است! اکنون یک نفر از خوندان را با این سکهای که دارید به شهر بفرستید، تا بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه‌تری دارند، و مقداری از آن برای روزی شما بیاورد. اما باید دقت کند، و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد... (۱۹)

چرا که اگر آنان از وضع شما آگاه شوند، سنگسار تان می‌کنند؛ یا شما را به آیین خویش باز می‌گردانند؛ و در آن صورت، هرگز روی رستگاری را نخواهید دید!» (۲۰)

و اینچنین مردم را متوجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است؛ و در پایان جهان و قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگویند که) پروردگاران از وضع آنها آگاهتر است!»، ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).» (۲۱)

گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!» و گروهی می‌گویند: سخلهینج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» - همه اینها سخنانی بی‌دلیل است- و گروهی می‌گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی‌دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن! (۲۲)

و هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن را انجام می‌دهم...» (۲۳)

مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!» (۲۴)

آنها در غارشان سیصد سال درنگ کردند، و نه سال (نیز) بر آن افزودند. (۲۵)

بگو: «خداوند از مدت توقفشان آگاهتر است؛ غیب آسمانها و زمین از آن اوست! راستی چه بینا و شنواست! آنها هیچ ولی و سرپرستی جز او ندارند! و او هیچ کس را در حکم خود شرکت نمی‌دهد!» (۲۶)

آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن! هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی‌سازد؛ و هرگز پناهگاهی جز او نمی‌یابی! (۲۷)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند! و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها بر مگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است. (۲۸)

بگو: «این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می‌خواهد کافر گردد!» ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سراپرده‌اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می‌آورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می‌کند! چه بد توشیحی، و چه بد محل اجتماعی است! (۲۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مسلمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد! (۳۰)

آنها کسانی هستند که بهشت جاودان برای آنان است؛ باغهایی از بهشت که نهراها از زیر درختان و قصرهای جاری است؛ در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته میشوند؛ و لباسهایی (فاخر) به رنگ سبز، از حریر نازک و ضخیم، دربر می‌کنند؛ در حالی که بر تختها تکیه کرده‌اند. چه پاداش خوبی، و چه جمع نیکویی! (۳۱)

(ای پیامبر!) برای آنان مثالی بزن: آن دو مرد، که برای یکی از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم؛ و گرداگرد آن دو (باغ) را با درختان نخل پوشاندیم؛ و در میانشان زراعت پر برکتی قرار دادیم. (۳۲)

هر دو باغ، سیوه آورده بود، (سیوه‌های فراوان)، و چیزی فروگذار نکرده بود؛ و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم. (۳۳)

صاحب این باغ، درآمد فراوانی داشت؛ به همین جهت، به دوستش در حالی که با او گفتگو می‌کرد- چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرت نیرومندترم!» (۳۴)

و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، و گفت: «من گمان نمی‌کنم هرگز این باغ نابود شود!» (۳۵)

و باور نمی‌کنم قیامت برپا گردد! و اگر به سوی پروردگارم بازگردانده شوم (و قیامتی در کار باشد)، جایگاهی بهتر از این جا خواهم یافت!» (۳۶)

دوست (با ایمان) وی در حالی که با او گفتگو می‌کرد- گفت: «آیا به خدایی که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟! (۳۷)

ولی من کسی هستم که «الله» پروردگار من است؛ و هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نمی‌دهم! (۳۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چرا هنگامی که وارد باغ شدی، نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟! قوت (و نیرویی) جز از ناحیه خدا نیست! و اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب مهمی نیست!) (۳۹)

شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد؛ و مجازات حساب شده‌ای از آسمان بر باغ تو فرفرستد، بگونه‌ای که آن را به زمین بی‌گیاه نغزنده‌ای میند کند! (۴۰)

و یا آب آن در اعمال زمین فرو رود، آن گونه که هرگز نتوانی آن را به دست آوری! (۴۱)

(به هر حال عذاب الهی فرا رسیده، و تمام میوه‌های آن نابود شد؛ و او بخاطر هزینه‌هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دستهای خود را به هم می‌مالید - در حالی که تمام باغ بر داربستهایش فرو ریخته بود - و می‌گفت: «ای کاش کسی را هستای پروردگارم قرار نداده بودم! س‌ذَّه (۴۲)

و گروهی ندانست که او را در برابر (عذاب) خداوند یاری دهند؛ و از خودش (نیز) نمی‌توانست یاری گیرد. (۴۳)

در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است! اوست که برترین ثواب، و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد! (۴۴)

(ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم؛ و بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می‌شود و) در هم فرو میرود. اما بعد از منتهی می‌خشکد؛ و بادهای آن را به هر سو پراکنده می‌کند؛ و خداوند بر همه چیز توانست! (۴۵)

مال و فرزند، زینت زندگی دنیا است؛ و باقیات صالحات (ارزشهای پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است! (۴۶)

و روزی را به خاطر بیاور که کوه‌ها را به حرکت درآوریم؛ و زمین را آشکار (و مسطح) می‌بینی؛ و همه آنان (انسانها) را برمی‌انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد! (۴۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها همه در يك صف به (پيشگاه) پروردگارت عرضه می‌شوند؛ (و به آنان گفته می‌شود:) همگی نزد ما آمدید، همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم! اما شما گمان می‌کردید ما هرگز مرعدی برایتان قرار نخواهیم داد! (۴۸)

و کتاب (کتابی که نامه اعمال همه انسانهاست) در آن جا گذارده می‌شود، پس گنجهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند؛ و می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و (این در حالی است که) همه اعمال خود را حاضر می‌بینند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند. (۴۹)

به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس -که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال) او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندانش به جای اطاعت خدا)، چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران! (۵۰)

من هرگز آنها (ابلیس و فرزندانش) را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین، و نه به هنگام آفرینش خودشان، حاضر نساختم! و من هیچ‌گاه گمراه‌کنندگان را دستیار خود قرار نمی‌دهم! (۵۱)

به خاطر بیاورید روزی را که (خداوند) می‌گوید: «هستایانی را که برای من می‌پنداشتید، بخوانید (تا به کمک شما بستانند!)» ولی هر چه آنها را می‌خوانند، جوازشان نمی‌دهند؛ و در میان این دو گروه، کانون هلاکتی قرار داده‌ایم! (۵۲)

و گنجهکاران، آتش (دوزخ) را می‌بینند؛ و یقین می‌کنند که با آن درمی‌آمیزند، و هیچ‌گونه راه‌گریزی از آن نخواهند یافت. (۵۳)

و در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده‌ایم؛ ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد! (۵۴)

و چیزی مردم را باز نداشت از اینکه -وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند و از پروردگارش طلب آموزش کنند، جز اینکه (خیرسری کردند؛ گویی می‌خواستند) سرنوشت پیشینیان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد! (۵۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می کنند، تا (به گمان خود)، حق را بوسيله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند! (۵۶)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او تذکر داده شده، و از آن روی گرداند، و آنچه را با دستهای خود پیش فرستاد فراموش کرد؟! ما بر دلهای اینها پردههایی افکنده ایم تا نفهمند؛ و در گوشه‌هایشان سنگینی قرار داده ایم (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند! (۵۷)

و پروردگارت، آموزنده و صاحب رحمت است؛ اگر می‌خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آنها می‌فرستاد؛ ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت! (۵۸)

این شهرها و آبادیهایی است که ما آنها را هنگامی که ستم کردند هلاک نمودیم؛ و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم! (آنها ویرانه‌هایش را با چشم می‌بینند، و عبرت نمی‌گیرند!) (۵۹)

به خاطر بی‌لوری هنگامی را که موسی به دوست خود گفت: دست از جستجو بر نمی‌دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم؛ هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم! (۶۰)

(ولی) هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند؛ و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و روان شد). (۶۱)

هنگامی که از آن جا گذشتند، (موسی) به یار همسفرش گفت: «غذای ما را بیاور، که سخت از این سفر خسته شده ایم!» (۶۲)

گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم - و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد- و ماهی بطرز شگفت‌آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!» (۶۳)

(موسی) گفت: «آن همان بود که ما می‌خواستیم!» سپس از همان راه بازگشتند، در حالی که پی‌جویی می‌کردند. (۶۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در آن جا) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. (۶۵)

موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (۶۶)

گفت: «تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی! (۶۷)

و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی شکیبایی باشی؟! (۶۸)

(موسی) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبایی خواهی یافت؛ و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد!» (۶۹)

(خضر) گفت: «پس اگر می‌خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز می‌رس تا خورم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.» (۷۰)

آن دو به راه افتادند؛ تا آن که سوار کشتی شدند، (خضر) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: «س‌خ‌لله‌ایا آن را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟! راستی که چه کار بدی انجام دادی!» (۷۱)

گفت: «آیا نگفتم تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟!» (۷۲)

(موسی) گفت: «مرا بخاطر این فراموش‌کاریم مواخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر! س‌ذله (۷۳)

باز به راه خود ادامه دادند، تا اینکه نوجوانی را دیدند؛ و او آن نوجوان را کشت. (موسی) گفت: «س‌خ‌لله‌ایا انسان پاک را، بی آنکه قتلی کرده باشی، کشتی؟! بر راستی کار زشتی انجام دادی! س‌ذله (۷۴)

(باز آن مرد عالم) گفت: «آیا به تو نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی با من صبر کنی؟!» (۷۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(موسی) گفت: «بعد از این اگر درباره چیزی از تو سؤال کردم، دیگر با من همراهی نکن؛ (زیرا) از سوی من معذور خواهی بود!» (۷۶)

باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه‌ای رسیدند؛ از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛ (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می‌خواست فروریزد؛ و (آن مرد عالم) آن را برپا داشت. (موسی) گفت: «(لااقل) می‌خواستی در مقابل این کار مزدی بگیری!» (۷۷)

او گفت: «اینک زمان جدایی من و تو فرا رسیده؛ اما بزودی راز آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبر می‌دهم.» (۷۸)

اما آن کشتی مال گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می‌کردند؛ و من خواستم آن را معیوب کنم؛ (چرا که) پشت سرشان پادشاهی (ستمگر) بود که هر کشتی (سالسی) را بزور میگرفت! (۷۹)

و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند؛ و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد! (۸۰)

از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر و با محبت‌تر به آن دو بدهد! (۸۱)

و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می‌خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند؛ این رحمتی از پروردگارت بود؛ و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی! (۸۲)

و از تو درباره «ذو القرنین» می‌پرسند؛ بگو: «بزودی بخشی از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.» (۸۳)

ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم؛ و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم. (۸۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

او از این اسباب، (پیروی و استفاده) کرد... (۸۵)

تا به غروبگاه آفتاب رسید: (در آن جا) احساس کرد (و در نظرش مجسم شد) که خورشید در چشمه تیره و گل‌آلودی فرو می‌رود؛ و در آن جا قومی را یافت: گفتیم: «ای ذو القرنین! آیا می‌خواهی (آنان) را مجازات کنی، و یا روش نیکویی در مورد آنها انتخاب نمایی؟» (۸۶)

گفت: «اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد؛ سپس به سوی پروردگارش باز می‌گردد، و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد!» (۸۷)

و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت؛ و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.» (۸۸)

سپس (بار دیگر) از اسبابی (که در اختیار داشت) بهره گرفت... (۸۹)

تا به خاستگاه خورشید رسید: (در آن جا) دید خورشید بر جمعیتی طلوع می‌کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم (و هیچ گونه سایه‌ای نداشتند). (۹۰)

(آری) اینچنین بود (کار ذو القرنین)! و ما بخوبی از امکاناتی که نزد او بود آگاه بودیم! (۹۱)

(باز) از اسباب مهمی (که در اختیار داشت) استفاده کرد... (۹۲)

(و همچنان به راه خود ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید؛ و در کنار آن دو (کوه) قومی را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند (و زبانشان مخصوص خودشان بود)! (۹۳)

(آن گروه به او) گفتند: «ای ذو القرنین یا جوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند؛ آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آنها سدی ایجاد کنی؟!» (۹۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(ذو القرنین) گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید)! مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آنها سد محکمی قرار دهم!» (۹۵)

قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید)! تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: «(در اطراف آن آتش بیفروزید، و در آن بسمید!» آنها دمینند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: «(اکنون) مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم!» (۹۶)

(سرانجام چنان سد نیرومندی ساخت) که آنها (طایفه یاجوج و ماجوج) قادر نبودند از آن بالا روند؛ و نمی‌توانستند نقبی در آن ایجاد کنند. (۹۷)

(آنگاه) گفت: «این از رحمت پروردگار من است! اما هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را در هم می‌کوبد؛ و وعده پروردگارم حق است!» (۹۸)

و در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد)، ما آنان را چنان رها می‌کنیم که درهم موج می‌زنند؛ و در صورت (شیپور) دمیده می‌شود؛ و ما همه را جمع می‌کنیم! (۹۹)

در آن روز، جهنم را بر کفران عرضه می‌داریم! (۱۰۰)

همانها که پرده‌ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود، و قدرت شنوایی نداشتند! (۱۰۱)

آیا کفران پنداشتند می‌توانند بندگانم را به جای من اولیای خود انتخاب کنند؟! ما جهنم را برای پندیرایی کفران آماده کرده‌ایم! (۱۰۲)

بگو: «آیا به شما خیر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ (۱۰۳)

آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با این حال، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند!» (۱۰۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد! از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد! (۱۰۵)

(آری،) این گونه است! کیفرشان نوزخ است، بخاطر آنکه کافر شدند، و آیات من و پیامبرانم را به سخریه گرفتند! (۱۰۶)

اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت برین محل پذیرایی آنان خواهد بود. (۱۰۷)

آنها جاودانه در آن خواهند ماند؛ و هرگز تقاضای نقل مکان از آن جا نمی‌کنند! (۱۰۸)

بگو: «اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می‌گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم!» (۱۰۹)

بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند! (۱۱۰)

سوره مریم

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

کهیصص (۱)

(این) بادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بندهاش زکریا... (۲)

در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) پنهان خواند... (۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گفت: «پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعله پیری تمام سرم را فراگرفته؛ و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نیوده‌ام!» (۴)

و من از بستگانم بعد از خودم بی‌نامکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند)؛ و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانشینی به من ببخش... (۵)

که وارث من و نودمان یعقوب باشد؛ و او را مورد رضایتت قرار ده!» (۶)

او زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش «یحیی» است؛ و پیش از این، هم‌نامی برای او قرار نداده‌ایم! (۷)

گفت: «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازا و عقیم است، و من نیز از شدت پیری افتاده شده‌ام!» (۸)

فرمود: «پروردگارت این گونه گفته (و اراده کرده)؛ این بر من آسان است؛ و قبلا تو را آفریدم در حالی که چیزی نبودی!» (۹)

عرض کرد: «پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده!» فرمود: «نشانه تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلم (با مردم) نخواهی داشت؛ در حالی که زیانت سالم است!» (۱۰)

او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد؛ و با اشاره به آنها گفت: «(بشکرانه این موهبت،) صبح و شام خدا را تسبیح گویند!» (۱۱)

ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم! (۱۲)

و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم، و پاکی (دل و جان)؛ و او پرهیزگار بود! (۱۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و جبار (و متکبر) و عصیانگر نبود! (۱۴)

سلام بر او، آن روز که تولد یافت، و آن روز که می‌میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود! (۱۵)

و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت: (۱۶)

و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد! (۱۷)

او (سخت ترسید و) گفت: «من از شر تو، به خدای رحمان پناه می‌برم اگر پرهیزگاری! (۱۸)

گفت: «من فرستاده پروردگار توام؛ (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم!» (۱۹)

گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام!» (۲۰)

گفت: «مطلب همین است! پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است! (ما او را می‌آفرینیم، تا قدرت خویش را آشکار سازیم؛) و او را برای مردم نشانه‌ای قرار دهیم؛ و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد!)» (۲۱)

سرانجام (مریم) به او باردار شد؛ و او را به نقطه دور دستی برد (و خلوت گزید) (۲۲)

درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند؛ (آنقدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم، و بکلی فراموش می‌شدم!» (۲۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین میباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است!» (۲۴)

و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه‌ای بر تو فرو می‌ریزد! (۲۵)

(از این غذای لذیذ بخور؛ و از آن آب گوارا) بنوش؛ و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار! و هرگاه کسی از انسانها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام؛ بنابراین امروز با هیچ انسانی هیچ سخن نمی‌گویم! (و بدان که این نوزاد، خودش از تو دفاع خواهد کرد!)» (۲۶)

(مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی!» (۲۷)

ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بد کاره‌ای!!» (۲۸)

(مریم) به او اشاره کرد؛ گفتند: «چگونه با کونکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!» (۲۹)

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: «من بنده خدایم؛ او کتاب (آسمانی) به من داده؛ و مرا پیامبر قرار داده است!» (۳۰)

و مرا -هر جا که باشم- وجودی پربرکت قرار داده؛ و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است!» (۳۱)

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده؛ و جبار و شقی قرار نداده است!» (۳۲)

و سلام (خدا) بر من، در آن روز که متولد شدم، و در آن روز که می‌میرم، و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد!» (۳۳)

این است عیسی پسر مریم؛ گفتار حقی که در آن تردید می‌کنند! (۳۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هرگز برای خدا شایسته نبود که فرزندی اختیار کند! منزه است او! هرگاه چیزی را فرمان دهد، می‌گوید: «موجود باش!» همان دم موجود می‌شود! (۳۵)

و خداوند، پروردگار من و شماست! او را پرستش کنید؛ این است راه راست! (۳۶)

ولی (بعد از او) گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند؛ وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز)! (۳۷)

در آن روز که نزد ما می‌آیند، چه گوشه‌های شنوا و چه چشمه‌های بینایی پیدا می‌کنند! ولی این ستمگران امروز در گمراهی آشکارند! (۳۸)

آنان را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است) بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد! و آنها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند! (۳۹)

ما، زمین و تمام کسانی را که بر آن هستند، به ارث می‌بریم؛ و همگی بسوی ما بازگردانده می‌شوند! (۴۰)

در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو، و پیامبر (خدا) بود! (۴۱)

هنگامی که به پدرش گفت: «ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود، و نه می‌بیند، و نه هیچ مشکلی را از تو حل می‌کند؟! (۴۲)

ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابراین این از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم! (۴۳)

ای پدر! شیطان را پرستش مکن، که شیطان نسبت به خداوند رحمان، عصبیاتگر بود! (۴۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ای پدر! من از این می‌ترسم که از سوی خداوند رحمان عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی!» (۴۵)

گفت: «ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی گردانی؟! اگر (از این کار) دست برداری، تو را سنگسار می‌کنم! و برای مدتی طولانی از من دور شو!» (۴۶)

(ابراهیم) گفت: «سلام بر تو! من بزودی از پروردگامم برایت تقاضای عفو می‌کنم؛ چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است!» (۴۷)

و از شما، و آنچه غیر خدا می‌خوانید، کنارگیری می‌کنم؛ و پروردگامم را می‌خوانم؛ و امیدوارم در خواندن پروردگامم بی‌پاسخ نمانم!» (۴۸)

هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می‌پرستیدند کنارگیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم! (۴۹)

و از رحمت خود به آنان عطا کردیم؛ و برای آنها نام نیک و مقام برجسته‌ای (در میان همه امتها) قرار دادیم! (۵۰)

و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن، که او مخلص بود، و رسول و پیامبری والا مقام! (۵۱)

ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم؛ و نجواکنان او را (به خود) نزدیک ساختیم؛ (۵۲)

و ما از رحمت خود، برادرش هارون را -که پیامبر بود- به او بخشیدیم. (۵۳)

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده‌های صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود! (۵۴)

او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد؛ و همواره مورد رضایت پروردگارش بود. (۵۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و در این کتاب، از اندیس (نیز) یاد کن، او بسیار راستگو و پیامبر (بزرگی) بود. (۵۶)

و ما او را به مقام والایی رساندیم. (۵۷)

آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد به خاک می‌افتادند، در حالی که سجده می‌کردند و گریان بودند. (۵۸)

اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید! (۵۹)

مگر آنان که توبه کنند، و ایمان بیاورند، و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند، و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد. (۶۰)

وارد باغهایی جاودانی می‌شوند که خداوند رحمان بندگان را به آن وعده داده است؛ هر چند آن را ندیده‌اند؛ مسلماً وعده خدا تحقق یافتنی است! (۶۱)

در آن جا هرگز گفتار لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند؛ و جز سلام در آن جا سخنی نیست؛ و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرر است. (۶۲)

این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می‌دهیم. (۶۳)

(پس از تأخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز بفرمان پروردگار تو، نازل نمی‌شویم؛ آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می‌باشد، همه از آن اوست؛ و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده (و نیست)! (۶۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکینیا باش! آیا مثل و مانندای برای او می‌یابی؟! (۶۵)

انسان می‌گوید: «آیا پس از مردن، زنده (از قبر) بیرون خواهیم آمد؟!» (۶۶)

آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟! (۶۷)

سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین در قیامت جمع می‌کنیم؛ سپس همه را -در حالی که به زانو درآمده‌اند- گرداگرد جهنم حاضر می‌سازیم. (۶۸)

سپس از هر گروه و جمعیتی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش‌تر بوده‌اند، جدا می‌کنیم. (۶۹)

بعد از آن، ما بخوبی از کسانی که برای سوختن در آتش سزاوارترند، آگاه‌تریم! (۷۰)

و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می‌شوید؛ این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! (۷۱)

سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم؛ و ظالمان را -در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده‌اند- در آن رها می‌سازیم. (۷۲)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کافران به مؤمنان می‌گویند: «کدام يك از دو گروه (ما و شما) جایگاهش بهتر، و جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بخشش او بیشتر است؟!» (۷۳)

چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که هم ملل و ثروتشان از آنها بهتر بود، و هم ظاهرشان آراسته‌تر! (۷۴)

بگو: «کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببیند؛ یا عذاب (این دنیا)، یا (عذاب) قیامت! (ان روز) خواهند دانست چه کسی جایش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!» (۷۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(اما) کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید؛ و آثار شایسته‌ای که (از انسان) باقی می‌ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است! (۷۶)

آیا دیدی کسی را که به آیات ما کافر شد، و گفت: «اموال و فرزندان فراوانی به من داده خواهد شد»؟! (۷۷)

آیا او از غیب آگاه گشته، یا نزد خدا عهد و پیمانی گرفته است؟! (۷۸)

هرگز چنین نیست! ما بزودی آنچه را می‌گویند می‌نویسیم و عذاب را بر او مستمر خواهیم داشت! (۷۹)

آنچه را او می‌گوید (از اموال و فرزندان)، از او به ارث می‌بریم، و به صورت تنها نزد ما خواهد آمد! (۸۰)

و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد! (چه پندار خامی!) (۸۱)

هرگز چنین نیست! به زودی (معبودها) منکر عبادت آنان خواهند شد؛ (بلکه) بر ضنشان قیام می‌کنند! (۸۲)

آیا ندیدی که ما شیاطین را بسوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟! (۸۳)

پس درباره آنان شتاب مکن: ما آنها (و اعمالشان) را به دقت شماره می‌کنیم! (۸۴)

در آن روز که پر هیزگاران را بسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پادشاهای او) محشور می‌کنیم... (۸۵)

و مجرمان را (همچون شتران تشنه‌کامی که به سوی آبگاه می‌روند) به جهنم می‌رانیم... (۸۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنان هرگز مالك شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد. (۸۷)

و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده است». (۸۸)

راستی مطلب زشت و زنده‌ای گفتید! (۸۹)

نزدیک است به خاطر این سخن آسمانها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوه‌ها بشدت فرو ریزد... (۹۰)

از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند! (۹۱)

در حالی که هرگز برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزیند! (۹۲)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند! (۹۳)

خداوند همه آنها را احصا کرده، و به دقت شمرده است! (۹۴)

و همگی روز رستاخیز، تک و تنها نزد او حاضر می‌شوند! (۹۵)

مسلمانانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می‌دهد! (۹۶)

و ما فقط آن (قرآن) را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آن انذار کنی. (۹۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چه بسیار اقوام (بی‌ایمان و گنہکاری) را که پیش از آنان هلاک کردیم؛ آیا احدی از آنها را احسان می‌کنی؟! یا کمترین صدایی از آنان می‌شنوی؟! (۹۸)

سوره طه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طه (۱)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی! (۲)

آن را فقط برای یادآوری کسانی که (از خدا) می‌ترسند نازل ساختیم. (۳)

(این قرآن) از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. (۴)

همان بخشنده‌ای که بر عرش مسلط است. (۵)

از آن اوست آنچه در آسمانها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاک (پنهان) است! (۶)

اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی)، او اسرار -و حتی پنهان‌تر از آن- را نیز می‌داند! (۷)

او خداوندی است که معبودی جز او نیست؛ و نامهای نیکوتر از آن اوست! (۸)

و آیا خیر موسی به تو رسیده است؟ (۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هنگامی که (از دور) آتشی مشاهده کرد، و به خانواده خود گفت: «(اندکی) درنگ کنید که من آتشی دیدم! شاید شعله‌ای از آن برای شما بیاورم؛ یا بوسیله این آتش راه را پیدا کنم!» (۱۰)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: «ای موسی! (۱۱)

من پروردگار توام! کفشه‌ایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی!» (۱۲)

و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم؛ اکنون به آنچه بر تو وحی می‌شود، گوش فراده!» (۱۳)

من «الله» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا بپرست، و نماز را برای یاد من بپا دار!» (۱۴)

بطور قطع رستاخیز خواهد آمد! می‌خواهم آن را پنهان کنم، تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود!» (۱۵)

پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می‌کند، تو را از آن بازدارد؛ که هلاک خواهی شد!» (۱۶)

و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟! (۱۷)

گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرو می‌ریزم؛ و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است.» (۱۸)

گفت: «ای موسی! آن را بیفکن.» (۱۹)

پس موسی آن (عصا) را افکند، که ناگهان از دهایی شد که به هر سو می‌شتافت. (۲۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گفت: «آن را بگیر و نترس، ما آن را به صورت اولش بازمی‌گردانیم. (۲۱)

و دستت را به گریبانت ببر، تا سفید و بی‌عیب بیرون آید؛ این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است. (۲۲)

تا از نشانه‌های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. (۲۳)

اینک به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است.» (۲۴)

(موسی) گفت: «پروردگارا! سینمام را گشاده کن؛ (۲۵)

و کارم را برابر آسان گردان! (۲۶)

و گره از زبانم بگشای؛ (۲۷)

تا سخنان مرا بفهمند! (۲۸)

و وزیری از خاندانم برای من قرار ده... (۲۹)

براندرم هارون را!! (۳۰)

با او پشتم را محکم کن؛ (۳۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و او را در کارم شریک ساز؛ (۳۲)

تا تو را بسیار تسبیح گوئیم؛ (۳۳)

و تو را بسیار یاد کنیم؛ (۳۴)

چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای!»؛ (۳۵)

فرمود: «ای موسی! آنچه را خواستی به تو داده شد!» (۳۶)

و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم... (۳۷)

آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم... (۳۸)

که: «او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند؛ و دشمن من و دشمن او، آن را بگیرد!» و من محبتی از خودم بر تو افکندم، تا در برابر دیدگان (علم) من، ساخته شوی (و پرورش یابی)؛ (۳۹)

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!» پس تو را به مادرت بازگردانیدیم، تا چشمش به تو روشن شود؛ و غمگین نگردد! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی: اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «متین» سرزده توقف نمودی؛ سپس در زمان مقرر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی! (۴۰)

و من تو را برای خودم ساختم (و پرورش دادم)؛ (۴۱)

(اکنون) تو و برادرت با آیات من بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید! (۴۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بسوی فرعون بروید؛ که طغیان کرده است! (۴۳)

اما بنر می با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد! (۴۴)

(موسی و هارون) گفتند: «پروردگار! از این می‌ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد): یا طغیان کند (و نپذیرد)!» (۴۵)

فرمود: «بترسید! من با شما هستم: (همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم! (۴۶)

به سراغ او بروید و بگویید: «ما فرستادگان پروردگار توئیم! بنی اسرائیل را با ما بفرست: و آنان را شکنجه و آزار مکن! ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده‌ایم! و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند! (۴۷)

به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند و سرپیچی نماید!» (۴۸)

(فرعون) گفت: «پروردگار شما کیست، ای موسی؟!» (۴۹)

گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده: سپس هدایت کرده است!» (۵۰)

گفت: «پس تکلیف نسلهای گذشته (که به اینها ایمان نداشتند) چه خواهد شد؟!» (۵۱)

گفت: «آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است: پروردگارم هرگز گمراه نمی‌شود، و فراموش نمی‌کند (و آنچه شایسته آنهاست به ایشان می‌دهد)! (۵۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد؛ و راه‌هایی در آن ایجاد کرد؛ و از آسمان، آبی فرستاد؛ که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاك تیره) برآوردیم. (۵۳)

هم خودتان بخورید؛ و هم چهار پایانتان را در آن به چرا برید! مسلماً در اینها نشانه‌های روشنی برای خردمندان است! (۵۴)

ما شما را از آن (زمین) آفریدیم؛ و در آن بازمی‌گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم! (۵۵)

ما همه آیات خود را به او نشان دادیم؛ اما او تکذیب کرد و سرباز زد! (۵۶)

گفت: «ای موسی! آیا آمده‌ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟! (۵۷)

قطعاً ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! هم اکنون (تاریخش را تعیین کن، و) موعدی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو، از آن تخلف نکنیم؛ آن هم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد! (۵۸)

گفت: «میعاد ما و شما روز زینت (روز عید) است؛ به شرط اینکه همه مردم، هنگامی که روز، بالا می‌آید، جمع شوند!» (۵۹)

فرعون آن مجلس را ترك گفت؛ و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد؛ و سپس همه را (در روز موعود) آورد. (۶۰)

موسی به آنان گفت: «وای بر شما! دروغ بر خدا نیندید، که شما را با عذابی نابود می‌سازد! و هر کس که (بر خدا) دروغ ببندد، نومید (و شکست خورده) می‌شود!» (۶۱)

آنها در میان خود، در مورد ادامه راهشان به نزاع برخاستند؛ و مخفیانه و درگوشی با هم سخن گفتند. (۶۲)

گفتند: «این دو (نفر) مسلماً ساحرند! می‌خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم نمونه شما را از بین ببرند!» (۶۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اکنون که چنین است، تمام نیرو و نقشه خود را جمع کنید، و در يك صف (به میدان مبارزه) بیايید؛ امروز رستگاری از آن کسی است که برتری خود را اثبات کند! (۶۴)

ساحران گفتند: «ای موسی! آیا تو اول (عصای خود را) می‌افکنی، یا ما کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟!» (۶۵)

گفت: «شما اول بیفکنید!» در این هنگام طنابها و عصاهای آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر می‌رسید که حرکت می‌کند! (۶۶)

موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد (مبادا مردم گمراه شوند)! (۶۷)

گفتیم: «نترس! تو مسلماً (پیروز و) برتری! (۶۸)

و آنچه را در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته‌اند می‌بلعد! آنچه ساخته‌اند تنها مگر ساحر است؛ و ساحر هر جا رود رستگار خواهد شد!» (۶۹)

(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعد.) ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!» (۷۰)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! مسلماً او بزرگ شمایست که به شما سحر آموخته است! به یقین دستها و پاهایتان را بطور مخالف قطع می‌کنم؛ و شما را از تنه‌های نخل به دار می‌آویزم؛ و خواهید دانست مجازات کدام يك از ما دردناکتر و پایدارتر است!» (۷۱)

گفتند: «سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدم نخواهیم داشت! هر حکمی می‌خواهی بکن؛ تو تنها در این زندگی دنیا می‌توانی حکم کنی!» (۷۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما به پروردگارانمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی ببخشاید؛ و خدا بهتر و پایدارتر است!» (۷۳)

هر کس در محضر پروردگارش خطاکار حاضر شود، آتش دوزخ برای اوست؛ در آن جا، نه می‌میرد و نه زندگی می‌کند! (۷۴)

و هر کس با ایمان نزد او آید، و اعمال صالح انجام داده باشد، چنین کسانی درجات عالی دارند... (۷۵)

باغهای جاویدان بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که همیشه در آن خواهند بود؛ این است پاداش کسی که خود را پاک نماید! (۷۶)

ما به موسی وحی فرستادیم که: «شبانه بندگانم را (از مصر) با خود ببر؛ و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا؛ که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه از غرق شدن در دریا! س‌ذله (۷۷)

(به این ترتیب) فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کردند؛ و دریا آنان را (در میان امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانید! (۷۸)

فرعون قوم خود را گمراه ساخت؛ و هرگز هدایت نکرد! (۷۹)

ای بنی اسرائیل! ما شما را از جنگال دشمنان نجات دادیم؛ و در طرف راست کوه طور، با شما وعده گذاریم؛ و «من» و «سلوی» بر شما نازل کردیم! (۸۰)

بخوریداز روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوب می‌کند! (۸۱)

و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آمزم! (۸۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟! (۸۳)

عرض کرد: «پروردگارا! آنان در پی منند؛ و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی! سزّنه (۸۴)

فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!» (۸۵)

موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!» (۸۶)

گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم!» و سامری اینچنین القا کرد... (۸۷)

و برای آنان مجسمه گوساله‌ای که صدایی همچون صدای گوساله (واقعی) داشت پدید آورد؛ و (به یکنیگر) گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است!» و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود)! (۸۸)

آیا نمی‌بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی‌دهد، و مالک هیچ گونه سود و زبانی برای آنها نیست؟! (۸۹)

و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما به این وسیله سورد آزمایش قرار گرفته‌اید! پروردگارتان شما خداوند رحمان است! پس، از من پیروی کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید!» (۹۰)

ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می‌گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می‌دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!» (۹۱)

(موسی) گفت: «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند... (۹۲)

از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!» (۹۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! (ای برادر!) ریش و سر مرا بگیر! من ترسیدم بگوئی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نیستی!» (۹۴)

(موسی رو به سامری کرد و) گفت: «تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟!» (۹۵)

گفت: «من چیزی ندیدم که آنها ندیدند: من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آن را افکندم، و اینچنین (هوای) نفس من این کار را در نظرم جلوه داد!» (۹۶)

(موسی) گفت: «برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگونی سَخْلَهبا من تماس نگیرد!» و تو میعادى (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی! و ببین ما آن را نخست می‌سوزانیم؛ سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم! (۹۷)

معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست؛ و علم او همه چیز را فرا گرفته است! من ذلله (۹۸)

این گونه بخشی از اخبار پیشین را برای تو بازگو می‌کنیم؛ و ما از نزد خود، ذکر (و قرآنی) به تو دادیم! (۹۹)

هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه و مسؤولیت) بر نوش خواهد داشت! (۱۰۰)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و بد باری است برای آنها در روز قیامت! (۱۰۱)

هسان روزی که در «صور» دمیده می‌شود؛ و مجرمان را با بدنهای کبود، در آن روز جمع می‌کنیم! (۱۰۲)

آنها آهسته با هم گفتگو می‌کنند؛ (بعضی می‌گویند:) شما فقط ده (شبانۀ روز در عالم برزخ) توقف کردید! (و نمی‌دانند چقدر طولانی بوده است!) (۱۰۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما به آنچه آنها می‌گویند آگاه‌تریم، هنگامی که نیکوروش‌ترین آنها می‌گوید: «شما تنها يك روز درنگ كرديد!» (۱۰۴)

و از تو درباره كوه‌ها سؤال می‌کنند؛ بگو: «پروردگارم آنها را (متلاشی کرده) بر باد می‌دهد!» (۱۰۵)

سپس زمین را صاف و هموار و بی‌آب و گیاه‌ها می‌سازد... (۱۰۶)

به گونه‌ای که در آن، هیچ پستی و بلندی نمی‌بینی!» (۱۰۷)

در آن روز، همه از دعوت‌کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی‌خیزند)؛
و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان، خاضع می‌شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی‌شنوی! (۱۰۸)

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است.
(۱۰۹)

آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشته‌اند می‌دانند؛ ولی آنها به (علم) او احاطه ندارند! (۱۱۰)

و (در آن روز) همه چهره‌ها در برابر خداوند حی قیوم، خاضع می‌شود؛ و مایوس (و زیانکار) است آن که بار ستمی بر
دوش دارد! (۱۱۱)

(اما) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می‌ترسد، و نه از نقصان حقیقش. (۱۱۲)

و این گونه آن را قرآنی عربی (فصیح و گویا) نازل کردیم، و انواع وعیدها (و انذارها) را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا
پیشه کنند؛ یا برای آنان تذکری پدید آورد! (۱۱۳)

پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حق است! پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام
شود؛ و بگو: «پروردگار! علم مرا افزون کن!» (۱۱۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم؛ اما او فراموش کرد؛ و عزم استواری برای او نیافتیم! (۱۱۵)

و به یاد آور. هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» هگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد (و سجده نکرد)! (۱۱۶)

پس گفتیم: «ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و (دشمن) همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند؛ که به زحمت و رنج خواهی افتاد! (۱۱۷)

(اما تو در بهشت راحت هستی! و مزیتش) برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد؛ (۱۱۸)

و در آن تشنه نمی‌شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی‌دهد!» (۱۱۹)

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و سلکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟!» (۱۲۰)

سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت)، و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد! (۱۲۱)

سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه‌اش را پذیرفت، و هدایتش نمود. (۱۲۲)

(خداوند) فرمود: «هر دو از آن (بهشت) فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود، و نه در رنج خواهد بود! (۱۲۳)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم!» (۱۲۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌گوید: «پروردگارا! چرا نابینا محسورم کردی؟! من که بینا بودم!» (۱۲۵)

می‌فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی: امروز نیز تو فراموش خواهی شد!» (۱۲۶)

و این گونه جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد! و عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است! (۱۲۷)

آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسلهای پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاک نمودیم، و اینها در مسکنهای (ویران شده) آنان راه می‌روند! مسلماً در این امر، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است. (۱۲۸)

و اگر سنت و تقبیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرر نبود، عذاب الهی بزودی دامن آنان را می‌گرفت! (۱۲۹)

پس در برابر آنچه می‌گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن: تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور: و همچنین (برخی) از ساعات شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی: باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی! (۱۳۰)

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست: تا آنان را در آن بیازماییم: و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است! (۱۳۱)

خانواده خود را به نماز فرمان ده: و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی‌خواهیم: (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم: و عاقبت نیک برای تو است! (۱۳۲)

گفتند: «چرا (پیامبر) معجزه و نشانه‌ای از سوی پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟! (بگو): آیا خبرهای روشنی که در کتابهای (آسمانی) نخستین بوده، برای آنها نیامد؟! (۱۳۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می‌کردیم، (در قیامت) می‌گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم!» (۱۳۴)

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما بزودی می‌دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است! (۱۳۵)

سوره الانبیاء

به نام خداوند بخشنده بخشایگر

حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و روی گردانند! (۱)

هیچ یادآوری تازه‌ای از طرف پروردگارشان برای آنها نمی‌آید، مگر آنکه با بازی (و شوخی) به آن گوش می‌دهند! (۲)

این در حالی است که دل‌هایشان در لُهو و بی‌خبری فرو رفته است! و ستمگران پنهانی نجوا کردند (و گفتند): «آیا جز این است که او بشری همانند شماست؟! آیا به سراغ سحر می‌روید، با اینکه (چشم دارید و) می‌بینید؟! (۳)

(پیامبر) گفت: «پروردگارم همه سخنان را، چه در آسمان باشد و چه در زمین، می‌داند؛ و او شنوا و داناست!» (۴)

آنها گفتند: «(آنچه محمد (ص) آورده وحی نیست؛ بلکه خوابهایی آشفته است! اصلاً آن را بدروغ به خدا بسته‌ی نه، بلکه او یک شاعر است! (اگر راست می‌گوید) باید معجزه‌ای برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیامبران پیشین (با معجزات) فرستاده شدند!» (۵)

تمام آبدیهایی که پیش از اینها هلاک کردیم (تقاضای معجزات گوناگون کردند، و خواسته آنان عملی شد، ولی) هرگز ایمان نیاوردند؛ آیا اینها ایمان می‌آورند؟! (۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم! (همه انسان بودند، و از جنس بشر!) اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. (۷)

آنان را بپیکر هایی که غذا نخورند قرار ندادیم! عسر جاویدان هم نداشتند! (۸)

سپس وعده‌ای را که به آنان داده بودیم، وفا کردیم! آنها و هر کس را که می‌خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم: و مسرفان را هلاک نمودیم! (۹)

ما بر شما کتابی نازل کردیم که وسیله تذکر (و بیداری) شما در آن است! آیا نمی‌فهمید؟! (۱۰)

چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم: و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم! (۱۱)

هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند! (۱۲)

گفتیم: فرار نکنید: و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای پر زرق و برقتان بازگردید! شاید (سانلان بیابند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید)! (۱۳)

گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمگر بودیم!» (۱۴)

و همچنان این سخن را تکرار می‌کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم! (۱۵)

ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم! (۱۶)

(بفرض محال) اگر می‌خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی متناسب خود انتخاب می‌کردیم! (۱۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بلکه ما حق را بر سر باطل می‌گوییم تا آن را هلاک سازد؛ و این گونه، باطل محو و نابود می‌شود! اما وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش) می‌کنید! (۱۸)

از آن اوست آنان که در آسمانها و زمینها و آنها که نزد اویند (فرشتگان) هیچ‌گاه از عبادتش استکبار نمی‌ورزند، و هرگز خسته نمی‌شوند. (۱۹)

(تمام) شب و روز را تسبیح می‌گویند؛ و سست نمی‌گردند. (۲۰)

آیا آنها خدایانی از زمین برگزیدند که (خلق می‌کنند و) منتشر می‌سازند؟! (۲۱)

اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد)! منزّه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می‌کنند! (۲۲)

هیچ کس نمی‌تواند بر کار او خرده بگیرد؛ ولی در کارهای آنها، جای سؤال و ایراد است! (۲۳)

آیا آنها معبودانی جز خدا برگزیدند؟! بگو: «دلایلتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستند، و سخن کسانی (پیامبرانی) است که پیش از من بودند!» اما بیشتر آنها حق را نمی‌دانند؛ و به همین دلیل (از آن) روی گردانند. (۲۴)

ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید.» (۲۵)

آنها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است!» او منزّه است (از این عیب و نقص): آنها (فرشتگان) بندگان شایسته اویند. (۲۶)

هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می‌کنند. (۲۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

او اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آنها را می‌داند؛ و آنها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی‌کنند؛ و از ترس او بیسناکند. (۲۸)

و هر کس از آنها بگوید: «من جز خدا، معبودی دیگرم»، کیفر او را جهنم می‌دهیم! و ستمگران را این گونه کیفر خواهیم داد. (۲۹)

آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟! (۳۰)

و در زمین، کوه‌های ثابت و پابرجایی قرار دادیم، مبادا آنها را بلرزاند! و در آن، دره‌ها و راه‌هایی قرار دادیم تا هدایت شوند! (۳۱)

و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم؛ ولی آنها از آیات آن روی‌گردانند. (۳۲)

و اوست خدائیکه شب و روز و خورشید و ماه را به قدرت کامل آفرید که هر یک در مدار معینی سیر می‌کنند (۳۳)

پیش از تو (نیز) برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم؛ (وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می‌کشند،) آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهند بود؟! (۳۴)

هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد! و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می‌کنیم؛ و سرانجام بسوی ما بازگردانده می‌شوید! (۳۵)

هنگامی که کافران تو را می‌بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند؛ (و می‌گویند:) آیا این همان کسی است که سخن از خدايان شما می‌گوید؟! در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می‌کنند. (۳۶)

(آری،) انسان از عجله آفریده شده؛ ولی عجله نکنید؛ بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد! (۳۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی فرا می‌رسد؟!» (۳۸)

ولی اگر کافران می‌دانستند زمانی که (فرا می‌رسد) نمی‌توانند شعله‌های آتش را از صورت و از پشت‌های خود دور کنند، و هیچ کس آنان را یاری نمی‌کند (این قدر درباره قیامت شتاب نمی‌کردند)! (۳۹)

(آری، این مجازات الهی) بطور ناگهانی به سراغشان می‌آید و می‌هوششان می‌کند؛ آنچنان که توانایی دفع آن را ندارند، و به آنها مهلت داده نمی‌شود! (۴۰)

(اگر تو را استهزا کنند نگران نباش،) پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزا کردند؛ اما سرانجام، آنچه را استهزا می‌کردند دامان مسخره‌کنندگان را گرفت (و مجازات الهی آنها را در هم کوبید)! (۴۱)

بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات) خداوند بخشنده نگاه می‌دارد؟!» ولی آنان از یاد پروردگارشان روی‌گردانند! (۴۲)

آیا آنها خدایانی دارند که می‌توانند در برابر ما از آنان دفاع کنند؟! (این خدایان ساختگی، حتی) نمی‌توانند خودشان را یاری دهند (تا چه رسد به دیگران): و نه از ناحیه ما با نیرویی یاری می‌شوند! (۴۳)

ما آنها و پدرانشان را (از نعمتها) بهره‌مند ساختیم، تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد): آیا نمی‌بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (و اهلیش) می‌کاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟! (۴۴)

بگو: «من تنها بوسیله وحی شما را انذار می‌کنم.» ولی آنها که گوشه‌ایشان کر است، هنگامی که انذار می‌شوند، سخنان را نمی‌شنوند! (۴۵)

اگر کمترین عذاب پروردگارت به آنان برسد، فریادشان بلند می‌شود که: «ای وای بر ما! ما همگی ستمگر بودیم!» (۴۶)

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم: پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود؛ و اگر بمقدار سنگینی يك دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم؛ و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم! (۴۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما به موسی و هارون، «فرقان» (وسیله جدا کردن حق از باطل) و نور، و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم. (۴۸)

همانان که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، و از قیامت بیم دارند! (۴۹)

و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم: آیا شما آن را انکار می‌کنید؟! (۵۰)

ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم؛ و از (شایستگی) او آگاه بودیم... (۵۱)

آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت: «این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می‌کنید؟!» (۵۲)

گفتند: «ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت می‌کنند.» (۵۳)

گفت: «مسلمانان هم شما و هم پدرانتان، در گمراهی آشکاری بوده‌اید!» (۵۴)

گفتند: «آیا سطلب حقی برای ما آورده‌ای، یا شوخی می‌کنی؟!» (۵۵)

گفت: «(کاملاً حق آورده‌ام) پروردگارشما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را ایجاد کرده؛ و من بر این امر، از گواهانم! (۵۶)

و به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان می‌کشم!» (۵۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سر انجام (با استفاده از يك فرصت مناسب)، همه آنها -جز بت بزرگشان- را قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند)!(۵۸)

(هنگامی که منظره بتها را دیدند، گفتند: «هر کس با خدایان ما چنین کرده، قطعاً از ستمگران است (و باید کیفر سخت ببیند)!»(۵۹)

(گروهی) گفتند: «شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بتها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گویند.»(۶۰)

(جمعیت) گفتند: «او را در برابر دیدگان مردم بیورید، تا گواهی دهند!»(۶۱)

(هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند، گفتند: «تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای، ای ابراهیم! س‌ن‌لله(۶۲)

گفت: «بلکه این کار را بزرگشان کرده است! از آنها بپرسید اگر سخن می‌گویند!»(۶۳)

آنها به وجدان خویش بازگشتند؛ و (به خود) گفتند: «حقاً که شما ستمگرید!»(۶۴)

سپس بر سر هایشان واژگونه شدند؛ (و حکم وجدان را بکلی فراموش کردند و گفتند: تو می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند! (۶۵)

(ابراهیم) گفت: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زبانی به شما می‌رساند! (نه امیدی به سودشان دارید، و نه ترسی از زیاتشان!)»(۶۶)

اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟! (۶۷)

گفتند: «او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است!»(۶۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش!» (۶۹)

آنها می‌خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم! (۷۰)

و او و لوط را به سرزمین (شام) که آن را برای همه جهانیان پربرکت ساختیم- نجات دادیم! (۷۱)

و اسحاق، و علاوه بر او، یعقوب را به وی بخشیدیم؛ و همه آنان را مردانی صالح قرار دادیم! (۷۲)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می‌کردند. (۷۳)

و لوط را (به یاد آور) که به او حکومت و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت و کثیف انجام می‌دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند! (۷۴)

و او را در رحمت خود داخل کردیم؛ و او از صالحان بود. (۷۵)

و نوح را (به یاد آور) هنگامی که پیش از آن (زنان، پروردگار خود را) خواند! سادعی او را مستجاب کردیم؛ و او و خاندانش را از انبوه بزرگ نجات دادیم؛ (۷۶)

و او را در برابر جمعیتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم؛ چرا که قوم بدی بودند؛ از این رو همه آنها را غرق کردیم! (۷۷)

و داوود و سلیمان را (به خاطر بیابور) هنگامی که درباره کشتن آری که گوسفندان بی شبان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تپاه کرده) بودند، داوری می‌کردند؛ و ما بر حکم آنان شاهد بودیم. (۷۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم؛ و به هر يك از آنان (شایستگی) داوری، و علم فراوانی دادیم؛ و کوه‌ها و پرندگان را با داوود مسخر ساختیم، که (همراه او) تسبیح (خدا) می‌گفتند؛ و ما این کار را انجام دادیم! (۷۹)

و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند؛ آیا شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟ (۸۰)

و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم، که بفرمان او بسوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم جریان می‌یافت؛ و ما از همه چیز آگاه بوده‌ایم. (۸۱)

و گروهی از شیاطین (را نیز مسخر او قرار دادیم، که در دریا) برایش غواصی می‌کردند؛ و کارهایی غیر از این (نیز) برای او انجام می‌دادند؛ و ما آنها را (از سرکشی) حفظ می‌کردیم! (۸۲)

و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «بندحالی و مشکلات به من روی آورده؛ و تو مهربانترین مهربانانی!» (۸۳)

ما دعای او را مستجاب کردیم؛ و ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساختیم؛ و خاندانش را به او بازگرداندیم؛ و همانندشان را بر آنها افزودیم؛ تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای عبادت‌کنندگان باشد. (۸۴)

و اسماعیل و اندریس و ذالکفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند. (۸۵)

و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم؛ چرا که آنها از صالحان بودند. (۸۶)

و ذالنون (یونس) را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمتهای (مترکم) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودی نیست! منزه‌ای تو! من از ستمکاران بودم!» (۸۷)

ما دعای او را به اجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم! (۸۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن): و تو بهترین وارثی!» (۸۹)

ما هم دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم؛ و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم؛ چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر بسرعت اقدام می‌کردند؛ و در حل بیم و امید ما را می‌خواندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند. (۹۰)

و به یاد آوری را که دامن خود را پاك نگه داشت؛ و ما از روح خود در او دمیدیم؛ و او و فرزندش (مسیح) را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم! (۹۱)

این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو يك هدف): و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید! (۹۲)

(گروهی از پیروان ناآگاه آنها) کار خود را به تفرقه در میان خود کشاندند؛ (ولی سرانجام) همگی بسوی ما باز می‌گردند! (۹۳)

و هر کس چیزی از اعمال شایسته بجا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او ناسپاسی نخواهد شد؛ و ما تمام اعمال او را (برای پاداش) می‌نویسیم. (۹۴)

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند): آنها هرگز باز نخواهند گشت! (۹۵)

تا آن زمان که «یاجوج» و «ماجوج» گشوده شوند؛ و آنها از هر محل مرتفعی بسرعت عبور می‌کنند. (۹۶)

و وعده حق (قیامت) نزدیک می‌شود؛ در آن هنگام چشمهای کافران از وحشت از حرکت باز می‌ماند؛ (می‌گویند): ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم! (۹۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شما و آنچه غیر خدا می‌پرسنید، هیزم جهنم خواهید بود؛ و همگی در آن وارد می‌شوید. (۹۸)

اگر اینها خدایانی بودند، هرگز وارد آن نمی‌شدند! در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود. (۹۹)

برای آنان در آن (دوزخ) ناله‌های دردناکی است و چیزی نمی‌شنوند. (۱۰۰)

(اما) کسانی که از قبل، وعده نیک از سوی ما به آنها داده شده (مؤمنان صالح) از آن دور نگاهداشته می‌شوند. (۱۰۱)

آنها صدای آتش دوزخ را نمی‌شنوند؛ و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعم هستند. (۱۰۲)

وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی‌کند؛ و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند، (و می‌گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد! (۱۰۳)

در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم، (بپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم؛ این وعده‌ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد. (۱۰۴)

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد! بر ذلله (۱۰۵)

در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان! (۱۰۶)

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. (۱۰۷)

بگو: «تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبود شما خدای بی‌گانه است: آیا (با این حال) تسلیم (حق) می‌شوید؟ (و تنها را کنار می‌گذارید؟)» (۱۰۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر باز (روی گردان شوند، بگو: «من به همه شما یکسان اعلام خطر می‌کنم؛ و نمی‌دانم آیا وعده (عذاب خدا) که به شما داده می‌شود نزدیک است یا دور!» (۱۰۹)

او سخنان آشکار را می‌داند، و آنچه را کتمان می‌کنید (نیز) می‌داند (و چیزی بر او پوشیده نیست)! (۱۱۰)

و من نمی‌دانم شاید این آز مابینی برای شماست؛ و مایه بهره‌گیری تا مدتی (معین)! (۱۱۱)

(و پیامبر) گفت: «پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده)! و پروردگارا ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبت‌های ناروای شما، از او استمداد می‌طلبیم!» (۱۱۲)

سوره الحج

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! (۱)

روزی که آن را می‌بینید، (انچنان وحشت سراپای همه را فرامی‌گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می‌کند؛ و هر بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد؛ و مردم را مست می‌بینی، در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است! (۲)

گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله درباره خدا برمی‌خیزند؛ و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند. (۳)

بر او نوشته شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلم گمراهش می‌سازد، و به آتش سوزان راهنمایش می‌کند! (۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ای مردم! اگر در رستاخیز شك دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضعه» (چیزی شبیه گوشت جریده شده)، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم!) و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرار می‌دهیم؛ (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم): بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس هدف این است که به حد رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بهترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند! (از سوی دیگر، زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و می‌روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می‌رویانند! (۵)

این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است؛ و اوست که مردگان را زنده می‌کند؛ و بر هر چیزی تواناست. (۶)

و اینکه رستاخیز آمدنی است، و شکی در آن نیست؛ و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می‌کند. (۷)

و گروهی از مردم، بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی بخشی، درباره خدا مجادله می‌کنند! (۸)

آنها با تکبر و بی‌اعتنایی (نسبت به سخنان الهی)، می‌خواهند مردم را از راه خدا گمراه سازند! برای آنان در دنیا رسوایی است؛ و در قیامت، عذاب سوزان به آنها می‌چشانیم! (۹)

(و به آنان می‌گوییم:) این در برابر چیزی است که دست‌هایتان از پیش برای شما فرستاده؛ و خداوند هرگز به بندگان ظلم نمی‌کند! (۱۰)

بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند (و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است)؛ همین که (دنیا به آنها رو کند و نفع و خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند؛ اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می‌شوند (و به کفر رومی‌آورند!) (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده‌اند، و هم آخرت را؛ و این همان خسران و زیان آشکار است! (۱۱)

او جز خدا کسی را می‌خواند که نه زبانی به او می‌رساند، و نه سودی؛ این همان گمراهی بسیار عمیق است. (۱۲)

او کسی را می‌خواند که زبانش از نفعش نزدیکتر است؛ چه بد مولا و یوری، و چه بد مونس و معاشری! (۱۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها زیر درختانش جاری است؛ (آری،) خدا هر چه را اراده کند انجام می‌دهد! (۱۴)

هر کس گمان می‌کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر عصبانی است، هر کاری از دستش ساخته است بکند)، ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد، و خود را حلق آویز و نفس خود را قطع کند (و تالیه پرتگاه مرگ پیش رود)؛ ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند؟! (۱۵)

این گونه ما آن (قرآن) را بصورت آیات روشنی نازل کردیم؛ و خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند. (۱۶)

مسلمان کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهود و صابئان (ستاره‌پرستان) و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنان روز قیامت داوری می‌کند؛ (و حق را از باطل جدا می‌سازد)؛ خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است. (۱۷)

آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می‌کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم! اما بسیاری (ابا دارند، و) فرمان عذاب درباره آنان حتمی است؛ و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرامی نخواهد داشت! خداوند هر کار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می‌دهد! (۱۸)

اینان دو گروهند که درباره پروردگارشان به خصامه و جدال پرداختند؛ کسانی که کافر شدند، لباسهایی از آتش برای آنها بریده شده، و سایع سوزان و جوشان بر سرشان ریخته می‌شود؛ (۱۹)

آنچنان که هم درونشان با آن آب می‌شود، و هم پوستهایشان. (۲۰)

و برای آنان گرزهایی از آهن (سوزان) است. (۲۱)

هر گاه بخواهند از غم و اندوه‌های نوزخ خارج شوند، آنها را به آن بازمی‌گردانند؛ و (به آنان گفته می‌شود): بچشید عذاب سوزان را! (۲۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که از زیر درختانش نهرها جاری است؛ آنان با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می‌شوند؛ و در آنجا لباسهایشان از حریر است. (۲۳)

و بسوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند، و به راه خداوند شایسته ستایش، راهنمایی می‌گردند. (۲۴)

کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند (مستحق عذابی درنناکند)؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی درنناک به او می‌چشانیم! (۲۵)

(به خاطر بی‌اوری) زمانی را که جای خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند. و به او گفتیم): چیزی را هستای من قرار مده! و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجودکنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز! (۲۶)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند... (۲۷)

تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشنند؛ و در ایام معینی نام خدا را، بر چهار پایانی که به آنان داده است، (به هنگام قربانی‌کردن) ببرند؛ پس از گوشت آنها بخورید؛ و بی‌نواهی فقیر را نیز اطعام نمایید! (۲۸)

سپس، باید آلودگیهایشان را برطرف سازند؛ و به نذرهای خود وفا کنند؛ و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند. (۲۹)

(مناسک حج) این است! و هر کس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! و چهار پایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می‌شود. از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید! (۳۰)

(برنامه و مناسک حج را انجام دهید) در حالی که هسگی خالص برای خدا باشد! هیچ گونه هستایی برای او قائل نشوید! و هر کس هستایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سفوب کرده، و پرتنگان (در وسط هوا) او را می‌ربایند؛ و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می‌کند! (۳۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این است (مناسك حج) و هر كس شعائر الهی را بزرگ دارد، این كار نشانه تقوی دلهاست. (۳۲)

در آن (حیوانات قربانی)، منافی برای شماس است تا زمان معینی (روز ذبح آنها) سپس محل آن، خانه قدیمی و گرامی (کعبه) است. (۳۳)

برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهار پایانی که به آنان روزی داده‌ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است؛ در برابر (فرمان) او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم‌شوندگان را. (۳۴)

همانها که چون نام خدا برده می‌شود، دلهایشان پر از خوف (پروردگار) می‌گردد؛ و شکیبایان در برابر مصیبت‌هایی که به آنان می‌رسد؛ و آنها که نماز را برپا می‌دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (۳۵)

و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر و برکت است؛ نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده‌اند بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آنها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید! این گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید. (۳۶)

نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزگاری شماس است. این گونه خداوند آنها را مسخر شما ساخته، تا او را بخاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید؛ و بشارت ده نیکوکاران را! (۳۷)

خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند نفاع می‌کند؛ خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد! (۳۸)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. (۳۹)

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردند! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است. (۴۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست! (۴۱)

اگر تو را تکذیب کنند، (امر تازه‌ای نیست) پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند. (۴۲)

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط: (۴۳)

و اصحاب مدین (قوم شعبی); و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد; اما من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟! (۴۴)

چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه‌ای که بر سقفهای خود فروریخت! (نخست سقفها ویران گشت; و بعد دیوارها بر روی سقفها!) و چه بسیار چاه پر آب که بی‌صاحب ماند; و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع! (۴۵)

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دلهایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند; یا گوشه‌های شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشمهای ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دلهایی که در سینه‌هاست کور می‌شود. (۴۶)

آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند; در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد! و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید! (۴۷)

و چه بسیار شهرها و آبادیهایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند; (اما از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند). سپس آنها را مجازات کردم; و بازگشت، تنها بسوی من است! (۴۸)

بگو: «ای مردم! من برای شما بیم‌دهنده آشکاری هستم! (۴۹)

آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آموزش و روزی پر ارزشی برای آنهاست! (۵۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می‌پنداشتند که می‌توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب نوز خندا!»
(۵۱)

هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هر گاه آرزو می‌کرد (و طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود می‌ریخت)، شیطان القاناتی در آن می‌کرد؛ اما خداوند القانات شیطان را از میان می‌برد، سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید؛ و خداوند علیم و حکیم است. (۵۲)

هدف این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که در دل‌هایشان بیماری است، و آنها که سنگدلند؛ و ظالمان در عداوت شدید دور از حق قرار گرفته‌اند! (۵۳)

و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد؛ و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، بسوی صراط مستقیم هدایت می‌کند. (۵۴)

کافران همواره در باره قرآن در شك هستند، تا آنکه روز قیامت بطور ناگهانی فرارسد، یا عذاب روز عظیم (روزی که قادر بر جبران گذشته نیستند) به سراغشان آید! (۵۵)

حکومت و فرماتروایی در آن روز از آن خداست؛ و میان آنها داوری می‌کند: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در باغ‌های پر نعمت بهشتند؛ (۵۶)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده‌ای برای آنهاست! (۵۷)

و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می‌دهد؛ که او بهترین روزی‌دهندگان است! (۵۸)

خداوند آنان را در محلی وارد می‌کند که از آن خوشنود خواهند بود؛ و خداوند دانا و بردبار است. (۵۹)

(آری،) مطلب چنین است! و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، سپس مورد تعدی قرار گیرد، خدا او را یاری خواهد کرد؛ یقیناً خداوند بخشنده و آمرزنده است! (۶۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این (و عده نصرت الهی) بخاطر آن است (که او بر هر چیز قادر است؛ خداوندی) که شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند؛ و خداوند شنوا و بیناست! (۶۱)

این بخاطر آن است که خداوند حق است؛ و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل است؛ و خداوند بلندقام و بزرگ است! (۶۲)

آیا ندیدی خداوند از آسمان، آبی فرستاد، و زمین (بر اثر آن) سرسبز و خرم می‌گردد؟! و خداوند لطیف و آگاه است. (۶۳)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ و خداوند بی‌نیاز، و شایسته هر گونه ستایش است! (۶۴)

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخر شما کرد؛ و (نیز) کشتیهایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوسها حرکت می‌کنند؛ و آسمان (کرات و سنگهای آسمانی) را نگه می‌دارد، تا جز بفرمان او، بر زمین فرو نیفتند؟ خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است! (۶۵)

و او کسی است که شما را زنده کرده، سپس می‌میراند، بار دیگر زنده می‌کند، اما این انسان بسیار ناسپاس است. (۶۶)

برای هر امتی عبادتی قرار دادیم، تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند؛ پس نباید در این امر با تو به نزاع برخیزند! بسوی پروردگارت دعوت کن، که بر هدایت مستقیم قرار داری (و راه راست همین است که تو می‌پویی). (۶۷)

و اگر آنان با تو به جدال برخیزند، بگو: «خدا از کارهایی که شما انجام می‌دهید آگاهتر است!» (۶۸)

و خداوند در روز قیامت، میان شما در آنچه اختلاف می‌کردید، داوری می‌کند!» (۶۹)

آیا نمی‌دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی‌پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است! (۷۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند! و برای ستمگران، یاور و راهنمایی نیست! (۷۱)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره کافران آثار انکار مشاهده می‌کنی، آنچنان که نزدیک است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آنها میخوانند حمله کنند! بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ همان آتش سوزنده (دوزخ) که خدا به کافران وعده داده؛ و بد سرانجامی است!» (۷۲)

ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به نست هم دهند! و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی‌توانند آن را باز پس گیرند! هم این طلب‌کنندگان ناتوانند، و هم آن مطلوبان (هم این عابدان، و هم آن معبودان)! (۷۳)

خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است! (۷۴)

خداوند از فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند، و همچنین از مردم؛ خداوند شنوا و بیناست! (۷۵)

آنچه را در پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می‌داند، و همه امور بسوی خدا باز می‌گردد. (۷۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید! (۷۷)

و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهانش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسک جوئید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب، و چه یاور شایسته‌ای! (۷۸)

سوره المومنون

به نام خداوند بخشنده بخشایگر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مؤمنان رستگار شدند؛ (۱)

آنها که در نمازشان خشوع دارند؛ (۲)

و آنها که از لغو و بیهودگی رویگردانند؛ (۳)

و آنها که زکات را انجام می‌دهند؛ (۴)

و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ (۵)

تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهر مگیری از آنان ملامت نمی‌شوند؛ (۶)

و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند! (۷)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می‌کنند؛ (۸)

و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند؛ (۹)

(آری، آنها وارثانند! (۱۰)

(وارثانی) که بهشت برین را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند! (۱۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و ما انسان را از عصاره‌های از گل آفریدیم: (۱۲)

سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم: (۱۳)

سپس نطفه را بصورت علقه (خون بسته)، و علقه را بصورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم؛ و بر استخوانها گوشت پوشانیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (۱۴)

سپس شما بعد از آن می‌میرید: (۱۵)

سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید! (۱۶)

ما بر بالای سر شما هفت راه (طبقات هفتگانه آسمان) قرار دادیم؛ و ما (هرگز) از خلق (خود) غافل نبوده‌ایم! (۱۷)

و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم؛ و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم؛ و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم! (۱۸)

سپس بوسینه آن باغهایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغهایی که در آن میوه‌های بسیار است؛ و از آن می‌خورید! (۱۹)

و (نیز) درختی را که از طور سینا می‌روید (درخت زیتون)، و از آن روغن و «نان خورش» برای خوردنگان فراهم می‌گردد (آفریدیم)! (۲۰)

و برای شما در چهارپایان عبرتی است؛ از آنچه در درون آنهاست (از شیر) شما را سیراب می‌کنیم؛ و برای شما در آنها منافع بسیاری است؛ و از گوشت آنها می‌خورید؛ (۲۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید! (۲۲)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ او به آنها گفت: «ای قوم من! خداوند بکتارا بپرسنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بترسید) پر هیز نمی‌کنید؟! (۲۳)

جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر بودند گفتند: «این مرد جز بشری همچون شما نیست، که می‌خواهد بر شما برتری جوید! اگر خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می‌کرد؛ ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده‌ایم! (۲۴)

او فقط مردی است که به نوعی جنون مبتلاست! پس محتئ در باره او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری رهایی یابد!)» (۲۵)

(نوح) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (۲۶)

ما به نوح وحی کردیم که: «کشتی را در حضور ما، و مطابق وحی ما بساز. و هنگامی که فرمان ما (برای غرق آنان) فرا رسد، و آب از تنور بجوشد (که نشانه فرا رسیدن طوفان است)، از هر يك از انواع حیوانات يك جفت در کشتی سوار کن؛ و همچنین خانواده‌ات را، مگر آنانی که قبلا و عده هلاکشان داده شده (همسر و فرزند کافر): و دیگر درباره ستمگران با من سخن مگو، که آنان همگی هلاک خواهند شد. (۲۷)

و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شنیدید، بگو: «ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید!» (۲۸)

و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرودرنگانی!» (۲۹)

(آری،) در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانه‌هایی است؛ و ما مسلما همگان را آزمایش می‌کنیم! (۳۰)

سپس جمعیت دیگری را بعد از آنها به وجود آوردیم. (۳۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید؛ جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی‌کنید؟!» (۳۲)

ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می‌خورید می‌خورد؛ و از آنچه می‌نوشتید می‌نوشت! (پس چگونه می‌تواند پیامبر باشد؟! (۳۳)

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیانکارید. (۳۴)

آیا او به شما وعده می‌دهد هنگامی که مرید و خالک و استخوانهایی (پوسیده) شدید، باز دیگر (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید؟! (۳۵)

هیئات، هیئات از این وعده‌هایی که به شما داده می‌شود! (۳۶)

مسلماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می‌میریم، و نسل دیگری جای ما را می‌گیرد؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (۳۷)

او فقط مردی دروغگوست که بر خدا افترا بسته؛ و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد! (۳۸)

(پیامبرشان) گفت: «پروردگار! مرا در برابر تکنیبهای آنان باری کن!» (۳۹)

خداوند) فرمود: «بزودی از کار خود پشیمان خواهند شد! (امازمانی که دیگر سودی به حالشان ندارد.)» (۴۰)

سرانجام صیحه آسمانی آنها را بحق فرو گرفت؛ و ما آنها را همچون خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم؛ دور باد قوم ستمگر (از رحمت خدا)! (۴۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سپس اقوام دیگری را پس از آنها پدید آوردیم. (۴۲)

هیچ ابمتی بر اجل و سر رسید حتمی خود پیشی نمی‌گیرد، و از آن تاخیر نیز نمی‌کند. (۴۳)

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند؛ ولی ما این امتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم، و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان سحر شدند که تنها نام و گفتگویی از آنان باقی ماند). دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی‌آورند! (۴۴)

سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم... (۴۵)

بسوی فرعون و اطرافیان اشرافی او؛ اما آنها تکبر کردند، و آنها مردمی برتری‌جوی بودند. (۴۶)

آنها گفتند: «آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها بردگان ما هستند؟!» (۴۷)

(آری،) آنها این دو را تکذیب کردند؛ و سرانجام همگی هلاک شدند. (۴۸)

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ شاید آنان (بنی اسرائیل) هدایت شوند. (۴۹)

و ما فرزندان مریم (عیسی) و مادرش را آیت و نشانه‌ای قرار دادیم؛ و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیت و آب جاری بود جای دادیم. (۵۰)

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم. (۵۱)

و این امت شما امت واحدی است؛ و من پرورنگار شما هستم؛ پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید! (۵۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشتادند، و هر گروهی به راهی رفتند؛ (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند! (۵۳)

آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی (که سرگشان فرا رسد یا گرفتار عذاب الهی شوند). (۵۴)

آنها گمان می‌کنند اموال و فرزندان که بعنوان کمک به آنان می‌دهیم... (۵۵)

برای این است که درهای خیرات را با شتاب به روی آنها بگشاییم!! (چنین نیست) بلکه آنها نمی‌فهمند (که این وسیله امتحانشان است). (۵۶)

مسلمان کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند، (۵۷)

و آنان که به آیت پروردگارشان ایمان می‌آورند، (۵۸)

و آنها که به پروردگارشان شریک نمی‌ورزند، (۵۹)

و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می‌دهند و با این حال، دلپایشان هراسناک است از اینکه سرانجام بسوی پروردگارشان باز می‌گردند، (۶۰)

(آری) چنین کسانی در خیرات سرعت می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند (و مشمول عنایات ما هستند). (۶۱)

و ما هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی‌کنیم؛ و نزد ما کتابی است که (تمام اعمال بندگان را ثبت کرده و) بحق سخن می‌گوید؛ و به آنان هیچ سستی نمی‌شود. (۶۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ولی نلهای آنها از این نامه اعمال (و روز حساب و آیات قرآن) در بی‌خبری فرورفته؛ و اعمال (زشت) دیگری جز این دارند که پیوسته آن را انجام می‌دهند... (۶۳)

تا زمانی که متعلمان مغرور آنها را در چنگال عذاب گرفتار سازیم؛ در این هنگام، ناله‌های دردناک و استغاثه‌آمیز سر می‌دهند! (۶۴)

(اما به آنها گفته می‌شود): امروز فریاد نکنید، زیرا از سوی ما یاری نخواهید شد! (۶۵)

(آیا فراموش کرده‌اید که) در گذشته آیات من پیوسته بر شما خوانده می‌شد؛ اما شما اعراض کرده به عقب باز می‌گشتید؟! (۶۶)

در حالی که در برابر او (پیامبر) استکبار می‌کردید، و شبها در جلسات خود به بدگویی می‌پرداختید؟! (۶۷)

آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟! (۶۸)

یا اینکه پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند)، از این رو او را انکار می‌کنند؟! (۶۹)

یا می‌گویند او دیوانه است؟! ولی او حق را برای آنان آورده؛ اما بیشترشان از حق کراهت دارند (و گریزانند). (۷۰)

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباہ می‌شوند! ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه یادآوری (و عزت و شرف) برای آنهاست، اما آنان از (آنچه مایه یادآوری‌شان است) رویگردانند! (۷۱)

یا اینکه تو از آنها مزد و هزینه‌ای (در برابر دعوتت) می‌خواهی؟ با اینکه مزد پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است! (۷۲)

بطور قطع و یقین، تو آنان را به راه راست دعوت می‌کنی. (۷۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این راه منحرفند! (۷۴)

و اگر به آنان رحم کنید و گرفتاریها و مشکلاتشان را برطرف سازیم، (نه تنها بیدار نمی‌شوند، بلکه) در طغیانشان لجاجت می‌ورزند و (در این وادی) سرگردان می‌مانند! (۷۵)

ما آنها را به عذاب و بلا گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند)، اما آنان نه در برابر پروردگارشان تواضع کردند، و نه به درگاهش تضرع می‌کنند! (۷۶)

(این وضع همچنان ادامه می‌یابد) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می‌شوند که) ناگهان بکلی می‌بوس گردند. (۷۷)

و او کسی است که برای شما گوش و چشم و قلب (عقل) ایجاد کرد؛ اما کمتر شکر او را بجا می‌آورد. (۷۸)

و او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و به سوی او محشور می‌شوید! (۷۹)

و او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند؛ و رفت و آمد شب و روز از آن اوست؛ آیا اندیشه نمی‌کنید؟! (۸۰)

(نه)، بلکه آنان نیز مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند. (۸۱)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که مریدم و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدیم، آیا بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (۸۲)

این و عده به ما و پدرانمان از قبل داده شده؛ این فقط افسانه‌های پیشینیان است!» (۸۳)

بگو: «زمین و کسانی که در آن هستند از آن کیست، اگر شما می‌دانید؟! (۸۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بزودی (در پاسخ تو) می‌گویند: «همه از آن خداست!» بگو: «آیا متذکر نمی‌شوید؟!» (۸۵)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار عرش عظیم است؟» (۸۶)

بزودی خواهند گفت: «همه اینها از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید و دست از شرک برنمی‌دارید)؟!» (۸۷)

بگو: «اگر می‌دانید، چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد، و به بی پناهان پناه می‌دهد، و نیاز به پناه‌دادن ندارد؟!» (۸۸)

خواهند گفت: «(همه اینها) از آن خداست» بگو: «با این حال چگونه می‌گویید سحر شده‌اید (و این سخنان سحر و افسون است)؟!» (۸۹)

نه، (واقع این است که) ما حق را برای آنها آوردیم؛ و آنان دروغ می‌گویند! (۹۰)

خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده؛ و معبود دیگری با او نیست؛ که اگر چنین می‌شد، هر يك از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می‌کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می‌جستند (و جهان هستی به تباهی کشیده می‌شد)؛ منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می‌کنند! (۹۱)

او دانای نهان و آشکار است؛ پس برتر است از آنچه برای او همتا قرار می‌دهند! (۹۲)

بگو: «پروردگار من! اگر عذابهایی را که به آنان وعده داده می‌شود به من نشان دهی (و در زندگیم آن را ببینم)...» (۹۳)

پروردگار من! مرا (در این عذابها) با گروه ستمگران قرار مده!» (۹۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و ما تواناییم که آنچه را به آنها وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم! (۹۵)

بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده)! ما به آنچه توصیف می‌کنند آگاه‌تریم! (۹۶)

و بگو: «پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم!» (۹۷)

و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند (نیز) -ای پروردگار من- به تو پناه می‌برم!» (۹۸)

(آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گوید: «پروردگارا! مرا بازگردانید!» (۹۹)

شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می‌گویند:) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند! (۱۰۰)

هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ يك از پیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود؛ و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)! (۱۰۱)

و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگاراند! (۱۰۲)

و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند! (۱۰۳)

شعله‌های سوزان آتش همچون شمشیر به صورت‌هایشان نواخته می‌شود؛ و در دوزخ چهره‌های عبوس دارند. (۱۰۴)

(به آنها گفته می‌شود:) آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد، پس آن را تکذیب می‌کردید؟! (۱۰۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌گویند: «پروردگارا! بدبختی ما بر ما چیره شد، و ما قوم گمراهی بودیم!» (۱۰۶)

پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعاً ستمگریم (و مستحق عذاب)!» (۱۰۷)

(خداوند) می‌گوید: «دور شوید در دوزخ، و با من سخن مگویید!» (۱۰۸)

(فراموش کرده‌اید) گروهی از بندگانتان می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم؛ ما را ببخش و بر ما رحم کن؛ و تو بهترین رحم‌کنندگانی! (۱۰۹)

اما شما آنها را به بلا مسخره گرفتید تا شما را از یاد من غافل کردند؛ و شما به آنان می‌خندیدید! (۱۱۰)

ولی من امروز آنها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم؛ آنها پیروز و رستگارانند!» (۱۱۱)

(خداوند) می‌گوید: «چند سال در روی زمین توقف کردید؟» (۱۱۲)

(در پاسخ) می‌گویند: «تنها به اندازه یک روز، یا قسمتی از یک روز! از آنها که می‌توانند بشمارند بپرس!» (۱۱۳)

می‌گویند: «(آری،) شما مقدار کمی توقف نمودید اگر می‌دانستید!» (۱۱۴)

آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم، و بسوی ما باز نمی‌گردید؟ (۱۱۵)

پس برتر است خداوندی که فرمانروای حق است (از اینکه شما را بی‌هدف آفریده باشد)! معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است! (۱۱۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند - و مسلماً هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت- حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛
یقیناً کافران رستگار نخواهند شد! (۱۱۷)

و بگو: «پروردگارا! مرا ببخش و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم کننده‌ای! (۱۱۸)

سوره النور

به نام خداوند بخشنده و بخشایگر

(این سوره‌ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکر شوید! (۱)

هر يك از زن و مرد زناكار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رفت (و صحبت کاتب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند! (۲)

مرد زناكار جز با زن زناكار یا مشرك ازدواج نمی‌کند؛ و زن زناكار را، جز مرد زناكار یا مشرك، به ازدواج خود در نمی‌آورد؛ و این کار بر مؤمنان حرام شده است! (۳)

و کسانی که آنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعی خود) نمی‌آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید؛ و آنها همان فاسقانند! (۴)

مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند (که خداوند آنها را می‌بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۵)

و کسانی که همسران خود را (به عمل منافی عفت) متهم می‌کنند، و گواهیاتی جز خودشان ندارند، هر يك از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است؛ (۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و در پنجمین بار بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. (۷)

آن زن نیز می‌تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او می‌دهد) از دروغگویان است. (۸)

و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد. (۹)

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و اینکه او توبه‌پذیر و حکیم است (بسیاری از شما گرفتار مجازات سخت الهی می‌شدید!) (۱۰)

مسلمان کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (مشکل و توطئه‌گر) از شما بودند؛ اما گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است، بلکه خیر شما در آن است؛ آنها هر کدام سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند؛ و از آنان کسی که بخش مهم آن را بر عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست! (۱۱)

چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبرند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است؟! (۱۲)

چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟! اکنون که این گواهان را نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغ‌گویانند! (۱۳)

و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل شما نمی‌شد، بخاطر این گناهی که کردید عذاب سختی به شما می‌رسید! (۱۴)

به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می‌گرفتید، و با دهان خود سخنی می‌گفتید که به آن یقین نداشتید؛ و آن را کوچک می‌پنداشتید در حالی که نزد خدا بزرگ است! (۱۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: «ما حق نداریم که به این سخن تکلم کنیم؛ خداوندنا منزهی تو، این بهتان بزرگی است»؟! (۱۶)

خداوند شما را اندرز می‌دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید اگر ایمان دارید! (۱۷)

و خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است. (۱۸)

کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید! (۱۹)

و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود و اینکه خدا مهربان و رحیم است (مجازات سختی دامانتان را می‌گرفت)! (۲۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد! و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی‌شد؛ ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می‌کند، و خدا شنوا و داناست! (۲۱)

آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آنها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است! (۲۲)

کسانی که زنان پاکدامن و بی‌خیر (از هرگونه آلودگی) و مؤمن را متهم می‌سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند و عذاب بزرگی برای آنهاست. (۲۳)

در آن روز زبانه‌ها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب می‌شدند گواهی می‌دهد! (۲۴)

آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی‌کم و کاست می‌دهد؛ و می‌دانند که خداوند حق آشکار است! (۲۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند! اینان از نسبتهای ناروایی که (ناپاکان) به آنان می‌دهند مجرا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است! (۲۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید! (۲۷)

و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «بازگردید! س‌ذَّله بازگردید؛ این برای شما پاکیزه‌تر است؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (۲۸)

(ولی) گاهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد؛ و خدا آنچه را آشکار می‌کند و آنچه را پنهان می‌دارد، می‌داند! (۲۹)

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (۳۰)

و به آنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسرانشان، یا برادرانشان، یا برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان همکیشان، یا برندگانشان (کنیزانشان)، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید! (۳۱)

مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است! (۳۲)

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند! و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه (قرار داد مخصوص برای آزاد شدن) هستند، با آنان قرار داد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می‌کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند)؛ و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بدهید! و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید اگر خوششان می‌خواهند پاک بمانند! و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد،) خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است! (توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را ببخشد!) (۳۳)

ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می‌کند، و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران! (۳۴)

خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد، آن چراغ در حبیبی قرار گیرد، حبیبی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی: (روغنش آنچنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛ و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خداوند به هر چیزی داناست. (۳۵)

(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند... (۳۶)

مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند؛ آنها از روزی می‌ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می‌شود. (۳۷)

(آنها به سراغ این کارها می‌روند) تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید؛ و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد (و از مواهب بی‌انتهای خویش بهره‌مند می‌سازد). (۳۸)

کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه از دور آن را آب می‌پندارد؛ اما هنگامی که به سراغ آن می‌آید چیزی نمی‌یابد، و خدا را نزد آن می‌یابد که حساب او را بطور کامل می‌دهد؛ و خداوند سریع الحساب است! (۳۹)

یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را پوشانده، و بر فراز آن موج دیگری، و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمتهایی است یکی بر فراز دیگری، آن گونه که هر گاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند؛ و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست! (۴۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها و زمینند برای خدا تسبیح می‌کنند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند؟! هر يك از آنها نماز و تسبیح خود را می‌داند؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست! (۴۱)

و از برای خداست حکومت و مالکیت آسمانها و زمین؛ و بازگشت (تمامی موجودات) بسوی اوست! (۴۲)

آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند، سپس میان آنها پیوند می‌دهد، و بعد آن را متراکم می‌سازد؟! در این حال، دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود؛ و از آسمان -از کوه‌هایی که در آن است (ابرهایی که همچون کوه‌ها انباشته شده‌اند)- دانه‌های تنگ‌نازل می‌کند، و هر کس را بخواهد بوسیله آن زیان می‌رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می‌کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشمها را ببرد! (۴۳)

خداوند شب و روز را دگرگون می‌سازد؛ در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت! (۴۴)

و خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست! (۴۵)

ما آیات روشنگری نازل کردیم؛ و خدا هر که را بخواهد به صراط مستقیم هدایت می‌کند! (۴۶)

آنها می‌گویند: «به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می‌کنیم!» ولی بعد از این ادعا، گروهی از آنان رویگردان می‌شوند؛ آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند! (۴۷)

و هنگامی که از آنان دعوت شود که بسوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می‌شوند! (۴۸)

ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم بسوی او می‌آیند! (۴۹)

آیا در دل‌های آنان بیماری است، یا شك و تردید دارند، یا می‌ترسند خدا و رسولش بر آنان ستم کند؟! نه، بلکه آنها خودشان ستمگرند! (۵۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند. (۵۱)

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمایشش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیرومندان واقعی هستند! (۵۲)

آنها با نهایت تاکید سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، (از خانه و اموال خود) بیرون می‌روند (و جان را در طریق اخلاص گذارده تقدیم می‌کنند): بگو: «سوگند یاد نکنید؛ شما طاعت خالصانه نشان دهید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!» (۵۳)

بگو: «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!» (۵۴)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشدار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند. (۵۵)

و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید. (۵۶)

گمان سبر کافران می‌توانند از چنگال مجازات الهی در زمین فرار کنند! جایگاه آنان آتش است، و چه بد جایگاهی است! (۵۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیت را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است! (۵۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند؛ اینچنین خداوند آیتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است! (۵۹)

و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (روبین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. (۶۰)

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان (خانه‌های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی) غذا بخورید؛ و همچنین خانه‌های پدران، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های دایی‌هایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه‌های دوستانانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته‌جمعی یا جداگانه غذا بخورید؛ و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌کند، باشد که ببندیشید! (۶۱)

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند؛ کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، براستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند! در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای مهم خود از تو اجازه بخواهند، به هر یک از آنان که می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) اجازه ده، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است! (۶۲)

صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهی؛ خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می‌شوند، و یکی پس از دیگری فرار می‌کنند می‌داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنه‌شان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد! (۶۳)

آگاه باشید که برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است؛ او می‌داند آنچه را که شما بر آن هستید، و (می‌داند) روزی را که بسوی او باز می‌گردند؛ و (در آن روز) آنها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می‌سازد؛ و خداوند به هر چیزی داناست! (۶۴)

سوره الفرقان

به نام خداوند بخشاینده و بخشایشگر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا ببی‌دهنده جهانیان باشد. (۱)

خداوندی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی برای خود انتخاب نکرد، و هستایی در حکومت و مالکیت ندارد، و همه چیز را آفرید، و به دقت اندازمگیری نمود! (۲)

آنان غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند؛ معبودانی که چیزی را نمی‌آفرینند، بلکه خودشان مخلوقند، و مالک زبان و سود خویش نیستند، و نه مالک مرگ و حیات و رستخیز خویشند. (۳)

و کافران گفتند: «این فقط دروغی است که او ساخته، و گروهی دیگر او را بر این کار یاری داده‌اند.» آنها (با این سخن)، ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شدند. (۴)

و گفتند: «این همان افسانه‌های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده، و هر صبح و شام بر او املا می‌شود.» (۵)

بگو: «کسی آن را نازل کرده که اسرار آسمانها و زمین را می‌داند؛ او (همیشه) آمرزنده و مهربان بوده است!» (۶)

و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراهی مردم را انذار کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟! (۷)

یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و اسرار معاش کند)؟!» و ستمگران گفتند: «شما تنها از مردی مجنون پیروی می‌کنید!» (۸)

ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، آن گونه که قدرت پیدا کردن راه را ندارند! (۹)

زوال ناپذیر و بزرگ است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این قرار می‌دهد: باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخهایی مجلل قرار می‌دهد. (۱۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(اینها همه بهانه است) بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده‌اند؛ و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعلهور و سوزان فراهم کرده‌ایم! (۱۱)

هنگامی که این آتش آنان را از مکانی دور ببیند، صدای وحشتناک و خشم آلودش را که با نفس‌زدن شدید همراه است می‌شنوند. (۱۲)

و هنگامی که در جای تنگ و محدودی از آن افکنده شوند در حالی که در غل و زنجیرند، فریاد و اویلای آنان بلند می‌شود! (۱۳)

(به آنان گفته می‌شود): امروز يك بار اوایلا نگویند، بلکه بسیار اوایلا بگویند! (۱۴)

(ای پیامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و قرارگاهشان است.» (۱۵)

هر چه بخواهند در آنجا برایشان فراهم است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده‌ای است مسلم که پرورنگارت بر عهده گرفته است! (۱۶)

(به خاطر بی‌اوری روزی را که همه آنان و معبودهایی را که غیر از خدا می‌پرستند جمع می‌کند، آنگاه به آنها می‌گوید: «آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود آنان راه را گم کردند؟!») (۱۷)

(در پاسخ) می‌گویند: «سنز هی تو! برای ما شایسته نبود که غیر از تو اولیایی برگزینیم، ولی آنان و پدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودی تا اینکه (به جای شکر نعمت) یاد تو را فراموش کردند و تباه و هلاک شدند.» (۱۸)

(خداوند به آنان می‌گوید: ببینید) این معبودان، شما را در آنچه می‌گویید تکذیب کردند! اکنون نمی‌توانید عذاب الهی را بر طرف بسازید، یا از کسی یاری بطلبید! و هر کس از شما ستم کند، عذاب شدیدی به او می‌چشانیم! (۱۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما هیچ يك از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند؛ و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شکیبایی می‌کنید (و از عهده امتحان برمی‌آید)؟! و پرورنگار تو همواره بصیر و بینا بوده است. (۲۰)

و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می‌کنند) گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگار ما را با چشم خود نمی‌بینیم؟!» آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند! (۲۱)

(آنها به آرزوی خود می‌رسند) اما روزی که فرشتگان را می‌بینند، روز بشارت برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است)! و می‌گویند: «ما را امان دهید، ما را معاف دارید!» (اما سودی ندارد!) (۲۲)

و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند می‌رویم، و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا قرار می‌دهیم! (۲۳)

بهبشیمان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استرحتگاهشان نیکوتر است! (۲۴)

و (بخاطر آور) روزی را که آسمان با ابرها شکافته می‌شود، و فرشتگان نازل می‌گردند. (۲۵)

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است؛ و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود! (۲۶)

و (به خاطر آور) روزی را که ستسکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! (۲۷)

ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! (۲۸)

او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود!»، و شیطان همیشه خوارکنند × انسان بوده است! (۲۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند». (۳۰)

(آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم؛ اما (برای تو) همین بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد! (۳۱)

و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی‌شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم. (۳۲)

آنان هیچ مثلی برای تو نمی‌آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می‌آوریم، و تفسیری بهتر (و پاسخی دندان شکن که در برابر آن ناتوان شوند)! (۳۳)

(تو گمراه نیستی،) آنان که بر صورت‌هایشان بسوی جهنم محشور می‌شوند، بدترین محل را دارند و گمراه‌ترین افرادند! (۳۴)

و ما به موسی کتاب (اسماتی) دادیم؛ و برانرش هارون را یاور او قرار دادیم؛ (۳۵)

و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید!» (اما آن مردم به مخالفت برخاستند) و ما به شدت آنان را درهم کوبیدیم! (۳۶)

و قوم نوح را هنگلسی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساختیم! (۳۷)

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الریس (گروهی که درختان صنوبر را می‌پرستیدند) و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاک کردیم! (۳۸)

و برای هر يك از آنها مثلها زدیم؛ و (چون سودی نداده،) همگی را نابود کردیم! (۳۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها (مشرکان مکه) از کنار شهری که باران شر (بارانی از سنگهای آسمانی) بر آن باریده بود (دیار قوم لوط) گذشتند؛ آیا آن را نمی‌دیدند؟! (اری، می‌دیدند) ولی به رستاخیز ایمان نداشتند! (۴۰)

و هنگامی که تو را می‌بینند، تنها به باد استهزایت می‌گیرند (و می‌گویند): آیا این همان کسی است که خدا او را بعنوان پیامبر برانگیخته است؟! (۴۱)

اگر ما بر پرستش خدایمان استقامت نمی‌کردیم، بیم آن می‌رفت که ما را گمراه سازد! اما هنگامی که عذاب الهی را ببینند، بزودی می‌فهمند چه کسی گمراهتر بوده است! (۴۲)

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می‌توانی او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟! (۴۳)

آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراهترند! (۴۴)

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر می‌خواست آن را ساکن قرار می‌داد؛ سپس خورشید را بر وجود آن دلیل قرار دادیم! (۴۵)

سپس آن را آهسته جمع می‌کنیم (و نظام سایه و آفتاب را حاکم می‌سازیم)! (۴۶)

او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را وسیله حرکت و حیات! (۴۷)

او کسی است که باده‌ها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پالک‌کننده نازل کردیم... (۴۸)

تا بوسیله آن، سرزمین مرده‌ای را زنده کنیم؛ و آن را به مخلوقاتی که آفریده‌ایم - چهارپایان و انسانهای بسیار - می‌نشانیم. (۴۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما این آیات را بصورت‌های گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکر شوند، ولی بیشتر مردم از هر کاری جز انکار و کفر ابا دارند. (۵۰)

و اگر می‌خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم‌دهنده‌ای برمی‌انگیختیم (ولی این کار لزومی نداشت). (۵۱)

بنابر این از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن (قرآن) با آنان جهاد بزرگی بنما! (۵۲)

او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد؛ یکی گوارا و شیرین، و دیگر شور و تلخ؛ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر يك به دیگری می‌گوید: نور باش و نزدیک نیا! (۵۳)

او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است. (۵۴)

آنان جز خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان سودی می‌رساند و نه زیانی؛ و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان بکنند. (۵۵)

(ای پیامبر!) ما تو را جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم! (۵۶)

بگو: «من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است).» (۵۷)

و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد؛ و تسبیح و حمد او را بجا آور؛ و همین بس که او از گناهان بندگان آگاه است! (۵۸)

همان (خدایی) که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز (شش دوران) آفرید؛ سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (وبه تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است؛ از او بخواه که از همه چیز آگاه است! (۵۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می‌گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلا رحمان را نمی‌شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می‌دهی؟! س‌دشّه (این سخن را می‌گویند) و بر نفریشان افزوده می‌شود! (۶۰)

جاودان و پربرکت است آن (خدایی) که در آسمان منزلگاه‌هایی برای ستارگان قرار داد؛ و در میان آن، چراغ روشن و ماه تابانی آفرید! (۶۱)

و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس). (۶۲)

بنندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان تابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند). (۶۳)

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند؛ (۶۴)

و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است! (۶۵)

مسلمان آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است!» (۶۶)

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند. (۶۷)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خورش را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! (۶۸)

عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند! (۶۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است! (۷۰)

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد). (۷۱)

و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند. (۷۲)

و کسانی که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی‌افتند. (۷۳)

و کسانی که می‌گویند: «پروردگار! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» (۷۴)

(آری،) آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می‌شود؛ و در آن، با تحیت و سلام روبه‌رو می‌شوند. (۷۵)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محل اقامت خوبی! (۷۶)

بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛ شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامن شما را خواهد گرفت و از شما جدا خواهد شد!» خ (۷۷)

سوره الشعرا

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طنم (۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این آیات کتاب روشنگر است. (۲)

گویی می‌خواهی جان خود را از شدت انبوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند! (۳)

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد! (۴)

و هیچ ذکر تازه‌ای از سوی خداوند مهربان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی‌گردان می‌شوند! (۵)

آنان تکذیب کردند؛ اما بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می‌کردند به آنان می‌رسد! (۶)

آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویندیم؟! (۷)

در این، نشانه روشنی است (بر وجود خدا)؛ ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده‌اند! (۸)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۹)

(به خاطر بیابور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو... (۱۰)

قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی‌کنند؟! (۱۱)

(موسی) عرض کرد: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند، (۱۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و سینهم تنگ شود، و زبتم بقدر کافی گویا نیست؛ (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند)!(۱۳)

و آنان (به اعتقاد خودشان) بر گردن من گناهی دارند؛ می‌ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد)!(۱۴)

فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی‌توانند انجام دهند)! شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید؛ ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می‌شنویم! (۱۵)

به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛ (۱۶)

بنی اسرائیل را با ما بفرست!« (آنها به سراغ فرعون آمدند)؛ (۱۷)

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی از زندگی‌ت را در میان ما نبودیم؟! (۱۸)

و سرانجام، آن کارت را (که نمی‌بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسانی!« (۱۹)

(موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی‌خبران بودم! (۲۰)

پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم؛ و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد! (۲۱)

آیا این منتهی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته‌ای؟!« (۲۲)

فرعون گفت: «پروردگار عالمیان چیست؟!« (۲۳)

(موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین هستید!« (۲۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(فرعون) به اطرافیان‌ش گفت: «آیا نمی‌شنوید (این مرد چه می‌گوید)؟!» (۲۵)

(موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (۲۶)

(فرعون) گفت: «پیامبری که بسوی شما فرستاده شده مسلماً دیوانه است!» (۲۷)

(موسی) گفت: «او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می‌باشد، اگر شما عقل و اندیشه خود را به کار می‌گیرفتید!» (۲۸)

(فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان فرار خواهم داد!» (۲۹)

(موسی) گفت: «حتی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی‌آوری)؟!» (۳۰)

گفت: «اگر راست می‌گویی آن را بیاور!» (۳۱)

در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان مار عظیم و آشکاری شد؛ (۳۲)

و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد، و در برابر بینندگان سفید و روشن بود. (۳۳)

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است!» (۳۴)

او می‌خواهد با سحرش شما را از سزمنتان بیرون کند! شما چه نظر می‌دهید؟» (۳۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گفتند: «او و برادرش را مهلت ده؛ و ماموران را برای بسیج به تمام شهرها اعزام کن، (۳۶)

تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند!» (۳۷)

سرانجام ساحران برای و عدمگاه روز معینی جمع‌آوری شدند. (۳۸)

و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می‌کنید... (۳۹)

تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟!» (۴۰)

هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پادشاه مهمی خواهیم داشت؟» (۴۱)

گفت: «(آری،) و در آن صورت شما از مقربان خواهید بود!» (۴۲)

(روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند:) موسی به ساحران گفت: «آنچه را می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید!» (۴۳)

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «به عزت فرعون، ما قطعاً پیروزیم!» (۴۴)

سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید! (۴۵)

فورا همه ساحران به سجده افتادند. (۴۶)

گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم، (۴۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پروردگار موسی و هارون!» (۴۸)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! مسلما او بزرگ و استاد شماسست که به شما سحر آموخته (و این يك توطئه است)! اما بزودی خواهید دانست! دستها و پاهای شما را بعکس یکدیگر قطع می‌کنم، و همه شما را به دار می‌آویزم!» (۴۹)

گفتند: «مهم نیست، (هر کاری از دستت ساخته است بکن)! ما بسوی پروردگارمان بازمی‌گردیم! (۵۰)

ما امیدواریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم! س‌ن‌لله (۵۱)

و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را (از مصر) کوچ ده، زیرا شما مورد تعقیب هستید! س‌ن‌لله (۵۲)

فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) ماموران بسیج نیرو را به شهرها فرستاد، (۵۳)

(و گفت: اینها مسلما گروهی اندکنند; (۵۴)

و اینها ما را به خشم آورده‌اند; (۵۵)

و ما هسگی آماده پیکاریم!» (۵۶)

(سرانجام فرعونیان مغلوب شدند) و ما آنها را از باغها و چشمه‌ها بیرون رانندیم، (۵۷)

و از گنجها و قصرهای مجلل! (۵۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(آری،) اینچنین کردیم! و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم! (۵۹)

آنان به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند. (۶۰)

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!» (۶۱)

(موسی) گفت: «چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!» (۶۲)

و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد،) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود! (۶۳)

و در آنجا دیگران (لشکر فرعون) را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم! (۶۴)

و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم! (۶۵)

سپس دیگران را غرق کردیم! (۶۶)

در این جریان، نشانه روشنی است ولی بیشترشان ایمان نیاوردند! (چرا که طالب حق نبودند) (۶۷)

و پروردگارت شکستناپذیر و مهربان است! (۶۸)

و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان، (۶۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!» (۷۰)

گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهایم.» (۷۱)

گفت: «آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟!» (۷۲)

یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!» (۷۳)

گفتند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند.» (۷۴)

گفت: «آیا دیدید (این) چیز‌هایی را که پیوسته پرستش می‌کردید...» (۷۵)

شما و پدران پیشین شما، (۷۶)

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان! (۷۷)

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمایی می‌کند، (۷۸)

و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید، (۷۹)

و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد، (۸۰)

و کسی که مرا می‌میراند و سپس زنده می‌کند، (۸۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و کسی که امید دارم گناهام را در روز جزا ببخشد! (۸۲)

پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن! (۸۳)

و برای من در میان امتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده! (۸۴)

و مرا وارثان بهشت پر نعمت گردان! (۸۵)

و پدرم (عمویم) را بیمارز، که او از گمراهان بود! (۸۶)

و در آن روز که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن! (۸۷)

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، (۸۸)

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!»، (۸۹)

در آن روز، بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می‌شود، (۹۰)

و دوزخ برای گمراهان آشکار می‌گردد، (۹۱)

و به آنان گفته می‌شود: «کجا هستید معبودانی که آنها را پرستش می‌کردید...» (۹۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

معبودهایی غیر از خدا؟! آیا آنها شمارا یاری می‌کنند، یا کسی به یاری آنها می‌آید؟!» (۹۳)

در آن هنگام همه آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده می‌شوند؛ (۹۴)

و همچنین همگی لشکریان ابلیس! (۹۵)

آنها در آنجا در حالی که به محاصسه برخاسته‌اند می‌گیرند؛ (۹۶)

«به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (۹۷)

چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می‌شمردیم! (۹۸)

اما کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد! (۹۹)

(افسوس که امروز) شفاعت‌کنندگانی برای ما وجود ندارد، (۱۰۰)

و نه دوست گرم و پرمحبتی! (۱۰۱)

ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازگردیم و از مؤمنان باشیم!» (۱۰۲)

در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (۱۰۳)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۰۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، (۱۰۵)

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۰۶)

مسلمان من برای شما پیامبری امین هستم! (۱۰۷)

تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۰۸)

من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (۱۰۹)

پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۱۰)

گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی‌ارزش از تو پیروی کرده‌اند؟! (۱۱۱)

(نوح) گفت: «من چه می‌دانم آنها چه کاری داشته‌اند! (۱۱۲)

حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می‌فهمیدید! (۱۱۳)

و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد. (۱۱۴)

من تنها انذارکننده‌ای آشکارم.» (۱۱۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گفتند: «ای نوح! اگر (از حرفهایت) دست برداری، سنگباران خواهی شد!» (۱۱۶)

گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند!» (۱۱۷)

اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن؛ و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش!» (۱۱۸)

ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که پر (از انسان و انواع حیوانات) بود، رهایی بخشیدیم! (۱۱۹)

سپس بقیه را غرق کردیم! (۱۲۰)

در این ماجرا نشانه روشنی است؛ اما بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۲۱)

و پروردگارتو عزیز و رحیم است. (۱۲۲)

قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (۱۲۳)

هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۲۴)

مسلمان من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۲۵)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۲۶)

من در برابر این دعوت، هیچ اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است. (۱۲۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟! (۱۲۸)

و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جلودانه بمانید؟! (۱۲۹)

و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جباران کيفر می‌دهید! (۱۳۰)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۳۱)

و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمتهایی که می‌دانید امداد کرده: (۱۳۲)

شمارا به چهارپایان و نیز پسران (لایق و بزمند) امداد فرموده: (۱۳۳)

همچنین به باغها و چشمه‌ها! (۱۳۴)

(اگر کفران کنید) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم! (۱۳۵)

آنها (قوم عاد) گفتند: «برای ما تفاوت نمی‌کند، چه ما را انذار کنی یا نکنی: (بیهوده خود را خسته مکن)! (۱۳۶)

این همان روش (و افسانه‌های) پیشینیان است! (۱۳۷)

و ما هرگز مجازات نخواهیم شد! (۱۳۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم؛ و در این، آیت و نشانه‌ای است (برای آگاهان)؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (۱۳۹)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۴۰)

قوم نمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (۱۴۱)

هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۴۲)

من برای شما پیامبری امین هستم! (۱۴۳)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۴۴)

من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (۱۴۵)

آیا شما تصور می‌کنید همیشه در نهایت امنیت در نعمتهایی که اینجاست می‌مانید، (۱۴۶)

در این باغها و چشمه‌ها، (۱۴۷)

در این زراعتها و نخلهایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟! (۱۴۸)

و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید، و در آن به عیش و نوش می‌پردازید! (۱۴۹)

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید! (۱۵۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! (۱۵۱)

همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند!» (۱۵۲)

گفتند: «(ای صالح!) تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده‌ای!)» (۱۵۳)

تو فقط بشری همچون مائی: اگر راست می‌گویی آیت و نشانه‌ای بیاور!» (۱۵۴)

گفت: «این ناقه‌ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معینی است! (۱۵۵)

کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!» (۱۵۶)

سرانجام بر آن ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند; (و هلاک نمودند) سپس از کرده خود پشیمان شدند! (۱۵۷)

و عذاب الهی آنان را فرا گرفت; در این، آیت و نشانه‌ای است; ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (۱۵۸)

و پروردگارتو عزیز و رحیم است! (۱۵۹)

قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، (۱۶۰)

هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۶۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

من برای شما پیامبری امین هستم! (۱۶۲)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۶۳)

من در برابر این دعوت، اجری از شما نمی‌طلبم، اجر من فقط بر پروردگار عالمیان است! (۱۶۴)

آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس نکور می‌روید (و همجنس بازی می‌کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟! (۱۶۵)

و هوسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می‌کنید؟! (حقاً) شما قوم تجاوزگری هستید! (۱۶۶)

گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود!» (۱۶۷)

گفت: «من دشمن سرسخت اعمال شما هستم! (۱۶۸)

پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می‌دهند رهایی بخش!» (۱۶۹)

ما او و تمامی خاندانش را نجات دادیم، (۱۷۰)

جز پسر زنی که در میان بازماندگان بود! (۱۷۱)

سپس دیگران را هلاک کردیم! (۱۷۲)

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ چه باران بدی بود باران انداز شدگان! (۱۷۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در این (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است؛ اما بیشترشان مؤمن نبودند. (۱۷۴)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۷۵)

اصحاب ایکه (شهری نزدیک مدین) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (۱۷۶)

هنگامی که شعیب به آنها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۷۷)

مسلمان من برای شما پیامبری امین هستم! (۱۷۸)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۷۹)

من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (۱۸۰)

حق پیمانانه را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفتانید! (۱۸۱)

و با ترازوی صحیح وزن کنید! (۱۸۲)

و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید! (۱۸۳)

و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید! (۱۸۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها گفتند: «تو فقط از افسون‌شدگانی! (۱۸۵)

تو بشری همچون مائی، تنها گمانی که درباره تو داریم این است که از دروغ‌گویی! (۱۸۶)

اگر راست می‌گویی، سنگهایی از آسمان بر سر ما بیار!» (۱۸۷)

(شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما انجام می‌دهید داناتر است!» (۱۸۸)

سرانجام او را تکذیب کردند، و عذاب روز ساین (سایبانی از ابر صاعقه‌خیز) آنها را فراگرفت: یقیناً آن عذاب روز بزرگی بود! (۱۸۹)

در این ماجرا، آیت و نشانه‌ای است: ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند. (۱۹۰)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۹۱)

مسلمان این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! (۱۹۲)

روح الامین آن را نازل کرده است... (۱۹۳)

بر قلب (پاك) تو، تا از انذاركنندگان باشی! (۱۹۴)

آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)! (۱۹۵)

و توصیف آن در کتابهای پیشین نیز آمده است! (۱۹۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟! (۱۹۷)

هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم (غیر عرب)ها نازل می‌کردیم... (۱۹۸)

و او آن را بر ایشان می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آورند! (۱۹۹)

(آری،) این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دلهای مجرمان وارد می‌کنیم! (۲۰۰)

(اما) به آن ایمان نمی‌آورند تا عذاب دردناک را با چشم خود ببینند! (۲۰۱)

ناگهان به سراغشان می‌آید، در حالی که توجه ندارند! (۲۰۲)

و (در آن هنگام) می‌گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟!» (۲۰۳)

آیا برای عذاب ما عجله می‌کنند؟! (۲۰۴)

به ما خبر ده، اگر (باز هم) سالیاتی آنها را از این زندگی بهرمنتد سازیم... (۲۰۵)

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید... (۲۰۶)

این تمتع و بهره‌گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت! (۲۰۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انذارکنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند. (۲۰۸)

تا متذکر شوند؛ و ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجت مجازات کنیم) (۲۰۹)

شیاطین و جنیان (هرگز) این آیات را نازل نکردند! (۲۱۰)

و برای آنها سزاوار نیست؛ و قدرت ندارند! (۲۱۱)

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند! (۲۱۲)

(ای پیامبر!) هیچ معبودی را با خداوند مخوان، که از معنبین خواهی بود! (۲۱۳)

و خوبشاوندان نزدیکت را انذار کن! (۲۱۴)

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر! (۲۱۵)

اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم!» (۲۱۶)

و بر خداوند عزیز و رحیم توکل کن! (۲۱۷)

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی‌خیزی می‌بیند؛ (۲۱۸)

و (نیز) حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان! (۲۱۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اوست خدای شنوا و دانا. (۲۲۰)

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟! (۲۲۱)

آنها بر هر دروغگوی گنجهکار نازل می‌گردند؛ (۲۲۲)

آنچه را می‌شنوند (به دیگران) القا می‌کنند؛ و بیشترشان دروغگو هستند! (۲۲۳)

(پیامبر اسلام شاعر نیست؛ شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. (۲۲۴)

آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ (۲۲۵)

و سخنانی می‌گویند که (به آنها) عمل نمی‌کنند؟! (۲۲۶)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشان (و مؤمنان) برمی‌خیزند (و از شعر در این راه کمک می‌گیرند): آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست! (۲۲۷)

سوره النمل

به نام خداوند بخشنده بختايشگر

طنس - این آيات قرآن و کتاب مبین است، (۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وسيله هدايت و بشارت براي مؤمنان است؛ (۲)

همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را ادا می‌کنند، و آنان به آخرت یقین دارند. (۳)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد)شان را برای آنان زینت می‌دهیم بطوری که سرگردان می‌شوند. (۴)

آنان کسانی هستند که عذاب بد (و دردناک) برای آنهاست؛ و آنها در آخرت، زیانکارترین مردمند! (۵)

به یقین این قرآن از سوی حکیم و دانایی بر تو القا می‌شود. (۶)

(به خاطر بی‌اور) هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: «من آتشی از دور دیدم؛ (همین جا توقف کنید؛) بزودی خبری از آن برای شما می‌آورم، یا شعله آتشی تا گرم شوید.» (۷)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است (فرشتگان و موسی) و منزله است خداوندی که پروردگار جهانیان است!» (۸)

ای موسی! من خداوند عزیز و حکیم! (۹)

و عصابت را بپنکن! - هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون مازی به هر سو می‌دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد. ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی‌ترسند! (۱۰)

مگر کسی که ستم کند؛ سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که (توبه او را می‌پذیرم، و) من غفور و رحیم! (۱۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و دستت را در گریبانانت داخل کن؛ هنگامی که خارج می‌شود، سفید و درخشانده است بی آنکه عیبی در آن باشد؛ این در زمره معجزات نهنگانه‌ای است که تو با آنها بسوی فرعون و قوش فرستاده می‌شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند!» (۱۲)

و هنگامی که آیات روشنی‌بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: «این سحری است آشکار!» (۱۳)

و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود! (۱۴)

و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم؛ و آنان گفتند: «ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.» (۱۵)

و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ این فضیلت آشکاری است.» (۱۶)

لشکریان سلیمان، از جن و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند؛ آنقدر زیاد بودند که باید توقف می‌کردند تا به هم ملحق شوند! (۱۷)

(آنها حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان رسیدند؛ مورچه‌ای گفت: «به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند!» (۱۸)

سلیمان از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: «پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا بر رحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن!» (۱۹)

(سلیمان) در جستجوی آن پرنده (هدهد) برآمد و گفت: «چرا هدهد را نمی‌بینم، یا اینکه او از غایبان است؟! (۲۰)

قطعا او را کیفر شنیدی خواهم داد، یا او را ذبح می‌کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد! (۲۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» یک
خبر قطعی برای تو آورده‌ام! (۲۲)

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز در اختیار دارد، و (به خصوص) تخت عظیمی دارد! (۲۳)

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا - خورشید - سجده می‌کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از
راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی‌شوند!» (۲۴)

چرا برای خداوندی سجده نمی‌کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می‌سازد، و آنچه را پنهان
می‌دارید یا آشکار می‌کنید می‌داند؟! (۲۵)

خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش عظیم است! (۲۶)

(سلیمان) گفت: «ما تحقیق می‌کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟ (۲۷)

این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن؛ سپس برگرد (و در گوشه‌ای توقف کن) بین آنها چه عکس العملی نشان می‌دهند! (۲۸)

(ملکه سبا) گفت: «ای اشراف! نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده! (۲۹)

این نامه از سلیمان است، و چنین می‌باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان (۳۰)

توصیه من این است که نسبت به من برتری جویی نکنید، و بسوی من آید در حالی که تسلیم حق هستید!» (۳۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(سپس) گفت: «ای اشراف (و ای بزرگان)! نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید، که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده‌ام!» (۳۲)

گفتند: «ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست؛ ببین چه دستور می‌دهی!» (۳۳)

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند، و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند؛ (آری) کار آنان همین‌گونه است! (۳۴)

و من (اکنون جنگ را صلاح نمی‌بینم)، هدیه گرانبهایی برای آنان می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می‌آورند (و از این طریق آنها را بیازمایم)!» (۳۵)

هنگامی که (فرستاده ملکه سبا) نزد سلیمان آمد، گفت: «می‌خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما هستید که به هدیه‌هایتان خوشحال می‌شوید!» (۳۶)

یسوی آنان بازگرد (و اعلام کن) با لشکریانی به سراغ آنان می‌آیم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند؛ و آنان را از آن (سرزمین آباد) با ذلت و خواری بیرون می‌رانیم!» (۳۷)

(سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟» (۳۸)

عفریتی از جن گفت: «من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» (۳۹)

(اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پایدار دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند؛ و هر کس کفران نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!» (۴۰)

(سلیمان) گفت: «تخت او را برایش نشانسان سازید؛ ببینم آیا متوجه می‌شود یا از کسالتی است که هدایت نخواهند شد؟! (۴۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هنگامی که آمد، به او گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» گفت: گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!» (۴۲)

و او را از آنچه غیر از خدا میپرستید بازداشت، که او (ملکه سبا) از قوم کافران بود. (۴۳)

به او گفته شد: «داخل حیاط (قصر) شو!» هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد؛ اما سلیمان) گفت: «(این آب نیست)، بلکه قصری است از بلور صاف!» (ملکه سبا) گفت: «پروردگار! من به خود ستم کردم؛ و (اینک) با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم!» (۴۴)

ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را بپرستید! اما آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند. (۴۵)

(صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید (و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید تا شاید مشمول رحمت (او) شوید؟!» (۴۶)

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال (نیک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدرات به قدرت او تعیین می‌گردد): بلکه شما گروهی هستید فریب‌خورده!» (۴۷)

و در آن شهر، نه گرو هلك بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند. (۴۸)

آنها گفتند: «بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او (صالح) و خانواده اش شبیخون می‌زنیم (و آنها را به قتل می‌رسانیم): سپس به ولی دم او می‌گوییم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!» (۴۹)

آنها نقشه مهمی کشیدند، و ما هم نقشه مهمی: در حالی که آنها درك نمی‌کردند! (۵۰)

بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان هسگی را نابود کردیم: (۵۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این خانه‌های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند! (۵۲)

و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم! (۵۳)

و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «ایا شما به سراغ کار بسیار زشتی می‌روید در حالی که نتایج شوم آن را می‌بینید؟! (۵۴)

ایا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟! شما قومی نادانید!» (۵۵)

آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!» (۵۶)

ما او و خانواده‌اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدر کردیم جزء باقی ماندگان (در آن شهر) باشد! (۵۷)

سپس بارانی (از سنگ) بر سر آنها بارانیدیم (و همگی زیر آن منفون شدند)؛ و چه بد است باران اندازندگان! (۵۸)

بگو: «حمد مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگان برگزیده‌اش!» آیا خداوند بهتر است یا بتهایی که همتای او قرار می‌دهند؟! (۵۹)

(ایا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغهایی زیبا و سرور انگیز رویانیدیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه، بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) همسراز (پروردگارشان) قرار می‌دهند! (۶۰)

یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای آن کوه‌های ثابت و پابرجا ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند؛ با این حال) آیا معبودی با خداست؟! نه، بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند (و جاهلند)! (۶۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد: آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می‌شوید! (۶۲)

یا کسی که شما را در تاریکیهای صحرا و دریا هدایت می‌کند، و کسی که بادها را بعنوان بشارت پیش از نزول رحمتش می‌فرستد: آیا معبودی با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه برای او شریک قرار می‌دهند! (۶۳)

یا کسی که آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را تجدید می‌کند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد: آیا معبودی با خداست؟! بگو: «دلایلتان را بیاورید اگر راست می‌گویید! س‌خ‌ن‌ه (۶۴)

بگو: «کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی‌دانند جز خدا، و نمی‌دانند کی برانگیخته می‌شوند.» (۶۵)

آنها (مشرکان) اطلاع صحیحی درباره آخرت ندارند؛ بلکه در اصل آن شك دارند؛ بلکه نسبت به آن ناپیایند! (۶۶)

و کافران گفتند: «آیا هنگامی که ما و پدرانمان خلك شدیم، (زنده می‌شویم و) از دل خلك بیرون می‌آییم؟! (۶۷)

این وعده‌ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده: اینها همان افسانه‌های خرافی پیشینیان است!» (۶۸)

بگو: «در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید!» (۶۹)

از (تکذیب و انکار) آنان غمگین می‌باش، و سینه‌ات از توطئه آنان تنگ نشود! (۷۰)

آنها می‌گویند: «این وعده (عذاب که به ما می‌دهید) کی خواهد آمد اگر راست می‌گویید؟! (۷۱)

بگو: «شاید پاره‌ای از آنچه درباره آن شتاب می‌کنید، نزدیک و در کنار شما باشد!» (۷۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مسلمانا پروردگار تو نسبت به مردم، فضل (و رحمت) دارد؛ ولی بیشترشان شکرگزار نیستند! (۷۳)

و پروردگارت آنچه را در سینه‌هایشان پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند بخوبی می‌داند! (۷۴)

و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتاب مبین (در لوح محفوظ و علم بی‌پایان پروردگار) ثبت است! (۷۵)

این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بیان می‌کند؛ (۷۶)

و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است! (۷۷)

پروردگار تو میان آنها در قیامت به حکم خود داوری می‌کند؛ و اوست قادر دانا. (۷۸)

پس بر خدا توکل کن، که تو بر حق آشکار هستی! (۷۹)

مسلمانا تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی، و نمی‌توانی کران را هنگامی که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند فراخوانی! (۸۰)

و نیز نمی‌توانی کوران را از گمراهیشان برهانی؛ تو فقط می‌توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و در برابر حق تسلیمند! (۸۱)

و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان تکلم می‌کند (و می‌گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی‌آوردند. (۸۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم؛ و آنها را نکه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند! (۸۳)

تا زمانی که (به پای حساب) می‌آیند، (به آنان) می‌گوید: «آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدد تحقیق بر نیامدید؟! شما چه اعمالی انجام می‌داندید؟!» (۸۴)

در این هنگام، فرمان عذاب بخاطر ظلمشان بر آنها واقع می‌شود، و آنها سخنی ندارند که بگویند! (۸۵)

یا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی‌بخش؟! در این امور نشانه‌های روشنی است برای کسانی که ایمان می‌آورند (و آماده قبول حقتند). (۸۶)

و (به خاطر آورید) روزی را که در «صور» دمیده می‌شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می‌روند، جز کسانی که خدا خواسته؛ و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می‌شوند! (۸۷)

کوه‌ها را می‌بینی، و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند؛ این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده؛ او از کارهایی که شما انجام می‌دهید مسلماً آگاه است! (۸۸)

کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت؛ و آنان از وحشت آن روز درامانند! (۸۹)

و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می‌شوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت؟! (۹۰)

(یگو: من مامورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده؛ در حالی که همه چیز از آن اوست! و من مامورم که از مسلمین باشم؛ (۹۱)

و اینکه قرآن را تلاوت کنم! هر کس هدایت شود بسود خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد (زیاتش متوجه خود اوست؛) بگو: «من فقط از انذارکنندگانم!» (۹۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بگو: «حمد و ستایش مخصوص ذات خداست؛ بزودی آیاتش را به شما نشان می‌دهد تا آن را بشناسید؛ و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست! (۹۳)

سوره القصص

به نام خداوند بخشنده بخشایگر

طسم! (۱)

اینها از آیات کتاب مبین است! (۲)

ما از داستان موسی و فرعون بحق بر تو می‌خوانیم، برای گروهی که (طالب حقت و) ایمان می‌آورند! (۳)

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگاه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود! (۴)

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین سنت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (۵)

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکر یانشان، آنچه را از آنها (بنی اسرائیل) بیم داشتند نشان دهیم! (۶)

ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (نیل) بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم!» (۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(هنگامی که مادر بفرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را از آب گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندوهشان گردد! مسلماً فرعون و هامان و لشکریانشان خطاکار بودند. (۸)

همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: «نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را بعنوان پسر خود برگزینیم!» و آنها نمی‌فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می‌پروراند!) (۹)

(سرانجام) قلب مادر موسی از همه چیز (جز یاد فرزندش) تهی گشت؛ و اگر دل او را (بوسیله ایمان و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند! (۱۰)

و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی‌خبر بودند. (۱۱)

ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد)؛ و خواهرش (که بی‌تابی ماموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!» (۱۲)

ما او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (۱۳)

و هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم! (۱۴)

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش، آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛ موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مرد)؛ موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه‌کننده آشکاری است» (۱۵)

(سپس) عرض کرد: «پروردگارا! من به خویشتن ستم کردم؛ مرا ببخش!» خداوند او را بخشید، که او غفور و رحیم است! (۱۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عرض کرد: «پروردگار! بشکرانه نعمتی که به من دادی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود! س‌ذ‌لله (۱۷)

موسی در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای (و در جستجوی اخبار): ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می‌زند و از او کمک می‌خواهد، موسی به او گفت: «تو آشکارا انسان (ماجراجو و) گمراهی هستی!» (۱۸)

و هنگامی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود و با قدرت مانع او گردد، (فریادش بلند شد،) گفت: «ای موسی می‌خواهی! مرا بکشی همان گونه که دیروز انسانی را کشتی؟! تو فقط می‌خواهی جباری در روی زمین باشی، و نمی‌خواهی از مصلحان باشی!» (۱۹)

(در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر (مرکز فرعونیان) آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشست‌اند؛ فوراً از شهر خارج شو، که من از خیر خواهان توام!» (۲۰)

موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای: عرض کرد: س‌خ‌لله پروردگار! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!» (۲۱)

و هنگامی که متوجه جانب مدین شد گفت: «امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند! س‌ذ‌لله (۲۲)

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که سراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند: موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟! س‌ذ‌لله گفتند: «ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند. و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست.)!» (۲۳)

موسی برای (گوسفندان) آن دو آب کشید؛ سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگار! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیاز مندم!» (۲۴)

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت، گفت: س‌خ‌لله پندم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او (شعیب) آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: «بترس، از قوم ظالم نجات یافتی!» (۲۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است!)» (۲۶)

(شعیب) گفت: «من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست؛ من نمی‌خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم؛ و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت» (۲۷)

(موسی) گفت: «(مانعی ندارد) این قراردادی میان من و تو باشد؛ البته هر کدام از این دو مدت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم!) و خدا بر آنچه ما می‌گوییم گواه است!» (۲۸)

هنگامی که موسی مدت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید! به خانواده‌اش گفت: «درنگ کنید که من آتشی دیدم! (می‌روم) شاید خبری از آن برای شما بیآورم، یا شعله‌ای از آتش تا با آن گرم شوید!» (۲۹)

هنگامی که به سراغ آتش آمد، از کرانه راست دره، در آن سرزمین پر برکت، از میان يك درخت ندا داده شد که: «ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان! (۳۰)

عصایت را بیفکن! هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت می‌کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! ندا آمد: «برگرد و نترس، تو در امان هستی!» (۳۱)

دستت را در گریبان خود فروبر، هنگامی که خارج می‌شود سفید و درخشان است بدون عیب و نقص؛ و دستپایت را بر سینه‌ات بگذار، تا ترس و وحشت از تو دور شود! این دو (معجزه عصا و يد بیضا) برهان روشن از پروردگارت بسوی فرعون و اطرافیان اوست، که آنان قوم فاسقی هستند!» (۳۲)

عرض کرد: «پروردگار! من يك تن از آنان را کشته‌ام؛ می‌ترسم مرا به قتل برسانند!» (۳۳)

و براندم هارون زبانش از من فصیحتر است؛ او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ می‌ترسم مرا تکذیب کنند!» (۳۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فرمود: «بزودی بازوان تو را بوسیله برادرت محکم (و نیرومند) می‌کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم؛ و به برکت آیات ما، بر شما دست نمی‌یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید!» (۳۵)

هنگامی که موسی معجزات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: «این چیزی جز سحر نیست که بدروغ به خدا بسته شده؛ ما هرگز چنین چیزی را در نیاکان خود نشنیده‌ایم!» (۳۶)

موسی گفت: «پیرونگارم از حال کسانی که هدایت را از نزد او آورده‌اند، و کسانی که عاقبت نیک سرا (ی دنیا و آخرت) از آن آنهاست آگاهتر است! مسلماً ظالمان رستگار نخواهند شد! س‌ذ‌ش (۳۷)

فرعون گفت: «ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم. (اما برای تحقیق بیشتر،) ای هاسان، برایم آتشی بر گل بیفروز (و اجرهای محکم بساز)، و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از خدای موسی خبر بگیرم؛ هر چند من گمان می‌کنم او از دروغگویان است!» (۳۸)

(سرانجام) فرعون و لشکریانش بدون حق در زمین استکبار کردند، و پنداشتند بسوی ما بازگردانده نمی‌شوند! (۳۹)

ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم؛ اکنون بنگر پایان کار ظالمان چگونه بود! (۴۰)

و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند؛ و روز رستاخیز یاری نخواهند شد! (۴۱)

و در این دنیا نیز لعنتی بندگان آنان قرار دادیم؛ و روز قیامت از زشت‌رویانند! (۴۲)

و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آنکه اقوام قرون نخستین را هلاک نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت‌آفرین بود، و مایه هدایت و رحمت؛ شاید متذکر شوند! (۴۳)

تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان نبوت را به موسی دادیم؛ و تو از شاهدان نبودی (در آن هنگام که معجزات را در اختیار موسی گذاریم)! (۴۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ولی ما اقوامی را در اعصار مختلف خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلپایشان محو شد؛ پس تو را با کتاب آسمانیت فرستادیم)! تو هرگز در میان مردم مدین اقامت نداشتی تا (از وضع آنان آگاه باشی و) آیات ما را برای آنها (مشرکان مکه) بخوانی، ولی ما بودیم که تو را فرستادیم (و این آیات را در اختیارت قرار دادیم)! (۴۵)

تو در کنار طور نبودی زمانی که ما ندا دادیم؛ ولی این رحمتی از سوی پروردگارت بود (که این اخبار را در اختیار تو نهاد) تا بوسیله آن قومی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده‌ای برای آنان نیامده است؛ شاید متذکر شوند! (۴۶)

هرگاه (پیش از فرستادن پیامبری) مجازات و مصیبتی بر اثر اعمالشان به آنان می‌رسید، می‌گفتند: «پروردگارا! چرا رسولی برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟!» (۴۷)

ولی هنگامی که حق از نزد ما برای آنها آمد گفتند: «چرا مثل همان چیزی که به موسی داده شد به این پیامبر داده نشده است؟!» مگر بهانه‌جویانی همانند آنان، معجزاتی را که در گذشته به موسی داده شد، انکار نکردند و گفتند: «این دو نفر (موسی و هارون) دو ساحرند که دست به دست هم داده‌اند (تا ما را گمراه کنند) و ما به هر دو کافریم؟!» (۴۸)

بگو: «اگر راست می‌گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست)، کتابی هدایت‌بخش‌تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا من از آن پیروی کنم!» (۴۹)

اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می‌کنند! و آیا گمراه‌تر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می‌شود؟! مسلماً خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند! (۵۰)

ما آیات قرآن را یکی پس از دیگری برای آنان آوردیم شاید متذکر شوند! (۵۱)

کسانی که قبلاً کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم به آن (قرآن) ایمان می‌آورند! (۵۲)

و هنگامی که بر آنان خوانده شود می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم؛ اینها همه حق است و از سوی پروردگار ماست؛ ما پیش از این هم مسلمان بودیم!» (۵۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها کسانی هستند که بخاطر شکیباییشان، اجر و پادششان را تو بار دریافت می‌دارند؛ و بوسیله نیکبها بدبها را دفع می‌کنند؛ و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌نمایند؛ (۵۴)

و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می‌گردانند و می‌گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خونتان؛ سلام بر شما (سلام وداع)؛ ما خواهان جاهلان نیستیم!» (۵۵)

تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی؛ ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند؛ و او به هدایت یافتگان آگاهتر است! (۵۶)

آنها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می‌ریزند!» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می‌شود؟! رزقی است از جانب ما؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (۵۷)

و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه‌های آنهاست (کویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم! (۵۸)

و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! (۵۹)

آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است؛ و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی‌کنید؟! (۶۰)

آیا کسی که به او وعده نیکو داده‌ایم و به آن خواهد رسید، همانند کسی است که متاع زندگی دنیا به او داده‌ایم سپس روز قیامت (برای حساب و جزا) از احضارشدگان خواهد بود؟! (۶۱)

روزی را (به خاطر بیاورید) که خداوند آنان را ندا میدهد و میگوید: «کجا هستید همتایانی که برای من می‌پنداشتید؟!» (۶۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گروهی (از معبودان) که فرمان عذاب در باره آنها مسلم شده است میگویند: «پروردگار! ما اینها (عابدان) را همراه کردیم؛ (اری) ما آنها را همراه کردیم همانگونه که خودمان همراه شدیم: ما از آنان به سوی تو بیزاری میجوئیم: آنان در حقیقت ما را نمیپرستیدند (بلکه هوای نفس خود را پرستش میکردند)!» (۶۳)

و به آنها (عابدان) گفته می‌شود: «معبودهایتان را که هستای خدا می‌پنداشتید بخوانید (تا شما را یاری کنند)!» معبودهایشان را می‌خوانند، ولی جوابی به آنان نمی‌دهند! و (در این هنگام) عذاب الهی را (با چشم خود) می‌بینند، و آرزو می‌کنند ای کاش هدایت یافته بودند! (۶۴)

(به خاطر آورید) روزی را که خداوند آنان را ندا می‌دهد و می‌گوید: «چه پاسخی به پیامبران (من) گفتید؟!» (۶۵)

در آن روز، همه اخبار به آنان پوشیده می‌ماند، (حتی نمی‌توانند) از یکدیگر سؤالی کنند! (۶۶)

اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است از رستگاران باشد! (۶۷)

پروردگار تو هر چه بخواهد می‌آفریند، و هر چه بخواهد برمی‌گزیند؛ آنان (در برابر او) اختیاری ندارند؛ منزّه است خداوند، و برتر است از همتایانی که برای او قائل می‌شوند! (۶۸)

و پروردگار تو می‌داند آنچه را که سینه‌هایشان پنهان می‌دارد و آنچه را آشکار می‌سازند! (۶۹)

و او خدایی است که معبودی جز او نیست؛ ستایش برای اوست در این جهان و در جهان دیگر: حاکمیت (نیز) از آن اوست؛ و همه شما به سوی او بازگردانده می‌شوید! (۷۰)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند شب را تا قیامت بر شما جاودان سازد، آیا معبودی جز خدا می‌تواند روشنایی برای شما بیاورد؟! آیا نمی‌شنوید؟!» (۷۱)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، کدام معبود غیر از خداست که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی‌بینید؟!» (۷۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهرنگیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را بجا آورید! (۷۳)

(به خاطر آورید) روزی را که آنها را ندا می‌دهد و می‌گوید: «کجا بید هستیانی که برای من می‌پنداشتید؟!» (۷۴)

(در آن روز) از هر امتی گواهی برمی‌گیریم و (به مشرکان) می‌گوییم: «دلیل خود را بیاورید! س‌ذله اما آنها می‌دانند که حق از آن خداست، و تمام آنچه را افترا می‌بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد! (۷۵)

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آنقدر از گنجهها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای يك گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد! (۷۶)

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (۷۷)

(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد،) مجرمان از گناهانشان سؤال نمی‌شوند. (۷۸)

(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!» (۷۹)

اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند. س‌ذله (۸۰)

سپس ما، او و خاندانش را در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند، و خود نیز نمی‌توانست خویششان را یاری دهد. (۸۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و آنها که دیروز آرزو می‌کردند بجای او باشند (هنگامی که این صحنه را دیدند) گفتند: «وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هر کس از بندگانش بخواهد گسترش می‌دهد یا تنگ می‌گیرد! اگر خدا بر ما منت نهاده بود، ما را نیز به قعر زمین فرو می‌برد! ای وای گویی کافران هرگز رستگار نمی‌شوند! (۸۲)

(آری،) این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است! (۸۳)

کسی که کار نیکی انجام دهد، برای او پاداشی بهتر از آن است؛ و به کسانی که کارهای بد انجام دهند، مجازات بدکاران جز (به مقدار) اعمالشان نخواهد بود. (۸۴)

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت (زادگاهت) بازمی‌گرداند! بگو: «پروردگار من از همه بهتر می‌داند چه کسی (برنامه) هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است! سَنَنْتَهُ (۸۵)

و تو هرگز امید نداشتی که این کتاب آسمانی به تو القا گردد؛ ولی رحمت پروردگارت چنین ایجاب کرد! اکنون که چنین است، هرگز از کافران پشتیبانی مکن! (۸۶)

و هرگز (آنها) تو را از آیات خداوند، بعد از آنکه بر تو نازل گشت، باز ندارند! و بسوی پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش! (۸۷)

معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست؛ همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود؛ حاکمیت تنها از آن اوست؛ و همه بسوی او بازگردانده می‌شوند! (۸۸)

سوره العنکبوت

به نام خداوند بخشنده بخشایمگر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

الم (۱)

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! (۲)

ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم): باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد! (۳)

آیا کسانی که اعمال بد انجام می‌دهند گمان کردند بر قدرت ما چیره خواهند شد؟! چه بد داوری می‌کنند! (۴)

کسی که امید به لقاء الله (و رستخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان او بکوشد!) زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرامی‌رسد؛ و او شنوا و داناست! (۵)

کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود جهاد می‌کند؛ چرا که خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است. (۶)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می‌پوشانیم (و می‌بخشیم) و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می‌دانند پاداش می‌دهیم. (۷)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرك باشند و) تلاش کنند که برای من هستایی قاتل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خیر خواهم ساخت! (۸)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد! (۹)

و از مردم کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می‌شمارند (و از آن سخت وحشت می‌کنند): ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) بیاید، می‌گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)!! آیا خداوند به آنچه در سینه‌های جهانیان است آگاه‌تر نیست؟! (۱۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مسلمانان خداوند مؤمنان را می‌شناسد، و به یقین منافقان را (نیز) می‌شناسد. (۱۱)

و کافران به مؤمنان گفتند: «شما از راه ما پیروی کنید، (و اگر گناهی دارد) ما گناهانتان را بر عهده خواهیم گرفت!» آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر دوش نخواهند گرفت؛ آنان به یقین دروغگو هستند! (۱۲)

آنها بار سنگین (گناهان) خویش را بر دوش می‌کشند، و (همچنین) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود؛ و روز قیامت به یقین از تهمت‌هایی که می‌بستند سوال خواهند شد! (۱۳)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ و او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد؛ اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که ظالم بودند. (۱۴)

ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم! (۱۵)

ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید! (۱۶)

شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به هم می‌یافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که بسوی او بازگشت داده می‌شوید! (۱۷)

اگر شما (مرا) تکذیب کنید (جای تعجب نیست)، امت‌هایی پیش از شما نیز (پیامبران را) تکذیب کردند؛ وظیفه فرستاده (خدا) جز ابلاغ آشکار نیست». (۱۸)

آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس باز می‌گرداند؟! این کار برای خدا آسان است! (۱۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است! (۲۰)

هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می‌کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرار می‌دهد؛ و شما را به سوی او باز می‌گردانند. (۲۱)

شما هرگز نمی‌توانید بر اراده خدا چیره شوید و از حوزه قدرت او در زمین و آسمان بگریزید؛ و برای شما جز خدا، ولی و یابوری نیست! (۲۲)

کسانی که به آیات خدا و دیدار او کفر شدند، از رحمت من مایوسند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است! (۲۳)

اما جواب قوم او (ابراهیم) جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید!» ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید؛ در این ماجرا نشانه‌هایی است برای کسانی که ایمان می‌آورند. (۲۴)

(ابراهیم) گفت: «شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزار می‌شوید و یکدیگر را لعن می‌کنید؛ و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یابوری برای شما نخواهد بود!» (۲۵)

و لوط به او (ابراهیم) ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: «من بسوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او صاحب قدرت و حکیم است!» (۲۶)

و (در اواخر عمر) اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پادشاه او را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است! (۲۷)

و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! (۲۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در مجلس‌تان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟! «اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:» اگر راست می‌گویی عذاب الهی را برای ما بیاور! (۲۹)

(لوط) عرض کرد: «پرو و ننگار! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما!» (۳۰)

و هنگامی که فرستادگان ما (از فرشتگان) بشارت (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: س‌خ‌ل‌هما اهل این شهر و آبادی را (و به شهرهای قوم لوط اشاره کردند) هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمگرند!» (۳۱)

(ابراهیم) گفت: «در این آبادی لوط است!» گفتند: «ما به کسانی که در آن هستند آگاه‌تریم! او و خانواده‌اش را نجات می‌دهیم؛ جز همسرش که در میان قوم (گنهکار) باقی خواهد ماند.» (۳۲)

هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها بدحال و دل‌تنگ شد؛ گفتند: «نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده‌ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که در میان قوم باقی می‌ماند.» (۳۳)

ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت!» (۳۴)

و از این آبادی نشانه روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می‌اندیشند باقی گذار دیم! (۳۵)

و ما بسوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز بازپسین اسینوار باشید، و در زمین فساد نکنید!» (۳۶)

(ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فراگرفت، و بامدادان در خانه‌های خود به رو در افتاده و مرده بودند! (۳۷)

ما طایفه «عاد» و «ثمود» را نیز (هلاک کردیم)، و مساکن (ویران شده) آنان برای شما آشکار است؛ شیطان اعصافشان را برای آنان آراسته بود، از این رو آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که بینا بودند. (۳۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را نیز هلاک کردیم؛ موسی با دلایل روشن به سراغشان آمد، اما آنان در زمین برتری جویی کردند، ولی نتوانستند بر خدا پیشی گیرند! (۳۹)

ما هر يك از آنان را به گناهاتشان گرفتیم، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فروگرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خود ستم می‌کردند! (۴۰)

مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزینند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ در حالی که سست‌ترین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند! (۴۱)

خداوند آنچه را غیر از او می‌خوانند می‌داند، و او شکست‌ناپذیر و حکیم است. (۴۲)

اینها مثالهایی است که ما برای مردم می‌زنیم، و جز دانیان آن را درک نمی‌کنند. (۴۳)

خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و در این آیتی است برای مؤمنان. (۴۴)

آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه باز می‌دارد، و یاد خدا بزرگتر است؛ و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید! (۴۵)

با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند؛ و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم!» (۴۶)

و این گونه، کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم، کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده‌ایم به این کتاب ایمان می‌آورند؛ و بعضی از این گروه (مشرکان) نیز به آن مؤمن می‌شوند؛ و آیات ما را جز کفران انکار نمی‌کنند. (۴۷)

تو هرگز پیش از این کتابی نمی‌خواندی، و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی، مبادا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شك و تردید کنند! (۴۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ولی این آیهت روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد؛ و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی‌کنند! (۴۹)

گفتند: «چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟!» بگو: «معجزات همه نزد خداست (و به فرمان او نازل می‌شود، نه به میل من و شما)؛ من تنها بیم دهنده‌ای آشکارم! (۵۰)

آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می‌شود؟! در این، رحمت و تذکری است برای کسانی که ایمان می‌آورند (و این معجزه بسیار واضحی است). (۵۱)

بگو: «همین بس که خدا میان من و شما گواه است؛ آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند زیانکاران واقعی هستند! (۵۲)

آنان با شتاب از تو عذاب را می‌طلبند؛ و اگر موعد مقرر تعیین نشده بود، عذاب (الهی) به سراغ آنان می‌آمد؛ و سرانجام این عذاب بطور ناگهانی بر آنها نازل می‌شود در حالی که نمی‌دانند (و غافلند). (۵۳)

آنان با عجله از تو عذاب می‌طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد! (۵۴)

آن روز که عذاب (الهی) آنها را از بالای سر و پایین پایشان فرامی‌گیرد و به آنها ید: «چشید آنچه را عمل می‌کردید» (روز سخت و دردناکی برای آنهاست!) (۵۵)

ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید (و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید)! (۵۶)

هر انسانی مرگ را می‌چشد، سپس شما را بسوی ما باز می‌گردانند. (۵۷)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که نهرها در زیر آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان! (۵۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همانها که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کردند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (۵۹)

چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شمارا روزی می‌دهد؛ و او شنوا و داناست. (۶۰)

و هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟» می‌گویند: «الله!» پس با این حال چگونه آنان را (از عیانت خدا) منحرف می‌سازند؟! (۶۱)

خداوند روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد گسترده می‌کند، و برای هر کس بخواهد محدود می‌سازد؛ خداوند به همه چیز داناست! (۶۲)

و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟» می‌گویند: «الله!» بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست!» اما بیشتر آنها نمی‌دانند. (۶۳)

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند! (۶۴)

هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می‌شوند! (۶۵)

(بگذار) آنچه را (از آیات) به آنها داده‌ایم انکار کنند و از لذات زودگذر زندگی بهره گیرند؛ اما بزودی خواهند فهمید! (۶۶)

آیا ندینند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می‌ربایند؟! آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را کفران می‌کنند؟! (۶۷)

چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آنکه به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کفران در دوزخ نیست؟! (۶۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.
(۶۹)

سوره الروم

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (۱)

رومیان مغلوب شدند! (۲)

(و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ اما آنان پس از (این) مغلوبیت بزودی غلبه خواهند کرد... (۳)

در چند سال همه کارها از آن خداست؛ چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی)؛ و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد... (۴)

به سبب یاری خداوند؛ و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است! (۵)

این وعده‌ای است که خدا کرده؛ و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (۶)

آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند! (۷)

آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز بحق و برای زمان معینی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستخیز و) لقای پروردگارشان را سز کردند! (۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانیه که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن بسمراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کبفر خود را دیدند); خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند! (۹)

سپس سرانجام کسانیه که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند!
(۱۰)

خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند، سپس شما را بسوی او بازمی‌گرداند! (۱۱)

آن روز که قیامت برپا می‌شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می‌روند! (۱۲)

و برای آنان شفیعتانی از معبودانشان نخواهد بود، و نسبت به معبودهایی که آنها را هستای خدا قرار داده بودند کافر می‌شوند!
(۱۳)

آن روز که قیامت برپا می‌گردد، (مردم) از هم جدا می‌شوند; (۱۴)

اما آنان که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود. (۱۵)

و اما آنان که به آیات ما و لقای آخرت کافر شدند، در عذاب الهی احضار می‌شوند. (۱۶)

منزه است خداوند به هنگامی که شام می‌کنید و صبح می‌کنید; (۱۷)

و حمد و ستایش مخصوص اوست در آسمان و زمین، و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می‌کنید. (۱۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

او زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده، و زمین را پس از مردنش حیات می‌بخشد، و به همین گونه روز قیامت (از گورها) بیرون آورده می‌شوید! (۱۹)

از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه انسانهایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید! (۲۰)

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! (۲۱)

و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و رنگهای شمس است؛ در این نشانه‌هایی است برای عالمان! (۲۲)

و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره‌گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش): در این امور نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند! (۲۳)

و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می‌دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می‌کند؛ در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که می‌اندیشند! (۲۴)

و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست؛ سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند، ناگهان همه خارج می‌شوید (و در صحنه محشر حضور می‌یابید)! (۲۵)

و از آن اوست تمام کسانی که در آسمانها و زمین‌اند و همگی در برابر او خاضع و مطیع‌اند! (۲۶)

او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند، و این کار برای او آسانتر می‌باشد؛ و برای اوست توصیف برتر در آسمانها و زمین؛ و اوست توانمند و حکیم! (۲۷)

خداوند مثالی از خودتان، برای شما زده است: آیا (اگر مملوک و برده‌ای داشته باشید)، این برده‌های شما هرگز در روزی‌هایی که به شما داده‌ایم شریک شما می‌باشند؛ آنچنان که هر دو مساوی بوده و از تصرف مستقل و بدون اجازه آنان بیم داشته باشید، آن گونه که در مورد شرکای آزاد خود بیم دارید؟! اینچنین آیات خود را برای کسانی که تعقل می‌کنند شرح می‌دهیم. (۲۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ولی ظالمان بدون علم و آگاهی، از هوی و هوسهای خود پیروی کردند! پس چه کسی می‌تواند آنان را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟! و برای آنها هیچ یآوری نخواهد بود! (۲۹)

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند! (۳۰)

این باید در حالی باشد که شما بسوی او بازگشت می‌کنید و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید... (۳۱)

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبسته و) خوشحالند! (۳۲)

هنگامی که رنج و زبانی به مردم برسد، پروردگار خود را می‌خوانند و توبه‌کنان بسوی او باز می‌گردند؛ اما همین که رحمتی از خودش به آنان بچشاند، بناگاه گروهی از آنان نسبت به پروردگارشان مشرک می‌شوند. (۳۳)

(بگذار) نعمتهایی را که ما به آنها داده‌ایم کفران کنند! و (از نعمتهای زودگذر دنیا هر چه می‌توانید) بهره‌گیرید؛ اما بزودی خواهید دانست (که نتیجه کفران و کامجوییهای بی حساب شما چه بوده است!) (۳۴)

آیا ما دلیل محکمی بر آنان فرستادیم که از شرکشان سخن می‌گوید (و آن را موجه می‌شمارد)؟! (۳۵)

و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن خوشحال می‌شوند؛ و هرگاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آنان رسد، ناگهان مایوس می‌شوند! (۳۶)

آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می‌سازد؟! در این نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. (۳۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پس حق نزدیکان و مسکینان و در راهماتنگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگار اند. (۳۸)

آنچه بعنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را بعنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعفند. (۳۹)

خداوند همان کسی است که شما را آفرید، سپس روزی داد، بعد می‌میراند، سپس زنده می‌کند؛ آیا هیچ يك از همتایانی که برای خدا فرار داده‌اید چیزی از این کارها را می‌توانند انجام دهند؟! او منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند. (۴۰)

فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند! (۴۱)

بگو: «در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند! (۴۲)

روی خود را بسوی آیین مستقیم و پایدار بدار، پیش از آنکه روزی فرا رسد که هیچ کس نمی‌تواند آن را از خدا بازگرداند؛ در آن روز مردم به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند: (۴۳)

هر کس کافر شود، کفرش بر زبان خود اوست؛ و آنها که کار شایسته انجام دهند، به سود خودشان آماده می‌سازند. (۴۴)

این برای آن است که خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، از فضلش پاداش دهد؛ او کفران را دوست نمی‌دارد! (۴۵)

و از آیات (عظمت) خدا این است که بادهای را بعنوان بشارتگرانی می‌فرستد تا شما را از رحمتش بچشاند (و سیراب کند) و کشتیها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید؛ شاید شکرگزاری کنید. (۴۶)

و پیش از تو پیامبرانی را بسوی قومشان فرستادیم؛ آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما! (۴۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خداوند همان کسی است که بادها را می‌فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند و متراکم می‌سازد؛ در این هنگام دانه‌های باران را می‌بینی که از لای لای آن خارج می‌شود، هنگامی که این (باران حیاتبخش) را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند، ناگهان خوشحال می‌شوند... (۴۸)

و قطعاً پیش از آنکه بر آنان نازل شود مایوس بودند! (۴۹)

به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند؛ چنین کسی (که زمین مرده را زنده کرد) زنده‌کننده مردگان (در قیامت) است؛ و او بر همه چیز تواناست! (۵۰)

و اگر ما بادی بفرستیم (داغ و سوزان)، و بر اثر آن زراعت و باغ خود را زرد و پژمرده ببینند، (مایوس شده و) پس از آن راه کفران پیش می‌گیرند! (۵۱)

تو نمی‌توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند! (۵۲)

و (نیز) نمی‌توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی؛ تو تنها سخنت را به گوش کسانی می‌رسانی که ایمان به آیات ما می‌آورند و در برابر حق تسلیمند! (۵۳)

خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می‌آفریند، و دانا و تواناست. (۵۴)

و روزی که قیامت برپا شود، سجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! اینچنین از درک حقیقت بازگردانده می‌شوند. (۵۵)

ولی کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می‌گویند: «شما بفرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) درنگ کردید، و اکنون روز رستاخیز است، اما شما نمی‌دانستید!» (۵۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آن روز عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان ندارد، و توبه آنان پذیرفته نمی‌شود. (۵۷)

ما برای مردم تر این قرآن از هر گونه مثال و مطلبی بیان کردیم؛ و اگر آیه‌ای برای آنان بیآوری، کافران می‌گویند: «شما اهل باطلید (و اینها سحر و جادو است)!» (۵۸)

این گونه خداوند بر دلهای آنان که آگاهی ندارند مهر می‌نهد! (۵۹)

اکنون که چنین است صبر پیشه کن که وعده خدا حق است؛ و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و از راه خود منحرف نکنند)! (۶۰)

سوره لقمان

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (۱)

این آیات کتاب حکیم است (کتابی پرمحتوا و استوار)! (۲)

سایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است. (۳)

همانان که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند و آنها به آخرت یقین دارند. (۴)

آنان بر طریق هدایت از پروردگارشانند، و آنانند رستگاران! (۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است! (۶)

و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبران روی برمی‌گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوشه‌پایش سنگین است! او را به عذابی دردناک بشارت ده! (۷)

(ولی) کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، باغهای پر نعمت بهشت از آن آنهاست؛ (۸)

جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزیز و حکیم (شکست‌ناپذیر و دانا). (۹)

(او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هر گونه جنبنده‌ای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پر ارزش رویتانیم. (۱۰)

این آفرینش خداست؛ اما به من نشان دهید معبودانی غیر او چه چیز را آفریده‌اند؟! ولی ظالمان در گمراهی آشکارند. (۱۱)

ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم): شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند)؛ چرا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است. (۱۲)

(به خاطر بی‌باوری) هنگامی را که لقمان به فرزندش در حالی که او را موعظه می‌کرد، گفت: س‌غ‌لله‌پسر‌م! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است. « (۱۳)

و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردیم) که برای من و برای پدر و مادرش شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است! (۱۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن؛ و از راه کسانی پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من آمده‌اند؛ سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می‌کردید آگاه می‌کنم. (۱۵)

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشی، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است! (۱۶)

پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است! (۱۷)

(پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. (۱۸)

(پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است. (۱۹)

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند! (۲۰)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید!»، می‌گویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم!»، آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیت می‌کنند)؟! (۲۱)

کسی که روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه‌گاه مطمئنی تکیه کرده است)؛ و عقبت همه کارها به سوی خداست. (۲۲)

و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد؛ بازگشت همه آنان به سوی ماست و ما آنها را از اعمالی که انجام داده‌اند (و نتایج شوم آن) آگاه خواهیم ساخت؛ خداوند به آنچه درون سینه‌هاست آگاه است. (۲۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما اندکی آنها را از متاع دنیا بهره‌مند می‌کنیم، سپس آنها را به تحمل عذاب شدیدی وادار می‌سازیم! (۲۴)

و هرگاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلماً می‌گویند: «الله سُبْحٰنَهُ، بگو: «الحمد لله (که خود شما معترفید)!» ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (۲۵)

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، چرا که خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است! (۲۶)

و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است. (۲۷)

آفرینش و برانگیختن (و زندگی دوباره) همه شما (در قیامت) همانند يك فرد بیش نیست؛ خداوند شنوا و بیناست! (۲۸)

آیا ندیدی که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند، و خورشید و ماه را مسخر ساخته و هر کدام تا سرآمد یعنی به حرکت خود ادامه می‌دهند؟! خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۲۹)

اینها همه دلیل بر آن است که خداوند حق است، و آنچه غیر از او می‌خوانند باطل است، و خداوند بلند مقام و بزرگ مرتبه است! (۳۰)

آیا ندیدی کشتیها بر (صفحه) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می‌کنند تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه‌هایی است برای کسانی که شکیبا و شکرگزارند! (۳۱)

و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بپوشاند (و بالا رود و بالای سرشان قرار گیرد)، خدا را با اخلاص می‌خوانند؛ اما وقتی آنها را به خشکی رساند و نجات داد، بعضی راه اعتدال را پیش می‌گیرند (و به ایمان خود وفادار می‌مانند، در حالی که بعضی دیگر فراموش کرده راه کفر پیش می‌گیرند)؛ ولی آیات ما را هیچ کس جز پیمان‌شکنان ناسپاس انکار نمی‌کنند! (۳۲)

ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمل می‌کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را؛ به یقین وعده الهی حق است؛ پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(به کرم) خدا مغرور سازد! (۳۳)

آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را که در رحم‌های مادران است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ خداوند عالم و آگاه است! (۳۴)

سوره السجده

به نام خداوند بخشنده بخشایبگر

الم (۱)

این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده، و شك و تردیدی در آن نیست! (۲)

ولی آنان می‌گویند: «(محمد) آن را بدروغ به خدا بسته است»، اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انداز کنی که پیش از تو هیچ اندازکننده‌ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند! (۳)

خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز (شش دوران) آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت: هیچ سرپرست و شفاعت کننده‌ای برای شما جز او نیست: آیا متذکر نمی‌شوید؟! (۴)

امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید بسوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان می‌یابد). (۵)

او خداوندی است که از پنهان و آشکار باخبر است، و شکست‌ناپذیر و مهربان است! (۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ (۷)

سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید. (۸)

سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمتهای او را بجا می‌آورد! (۹)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که ما (مردیم و) در زمین گم شدیم، آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟! س‌ذللہ ولی آنان لقای پروردگارشان را انکار می‌کنند (و می‌خواهند با انکار سعاد، از ادانه به هوسرانی خویش ادامه دهند). (۱۰)

بگو: «فرشته مرگ که بر شما مامور شده، (روح) شما را می‌گیرد؛ سپس شما را بسوی پروردگارتان باز می‌گرداند.» (۱۱)

و اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده، می‌گویند: س‌خللہ پروردگار! آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته‌ای انجام دهیم؛ ما (به قیامت) یقین داریم!»، (۱۲)

و اگر می‌خواستیم به هر انسانی هدایت لازمش را (از روی اجبار بدهیم) می‌دادیم؛ ولی (من آنها را آزاد گذارده‌ام و) سخن و وعده‌ام حق است که نوزخ را (از افراد بی‌ایمان و گنہکار) از جن و انس همگی پر کنم! (۱۳)

(و به آنها می‌گویم): بچشید (عذاب جهنم را)! بخاطر اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم؛ و بچشید عذاب جاودان را به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید! (۱۴)

تنها کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می‌افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می‌آورند، و تکبر نمی‌کنند. (۱۵)

پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود (و بپا می‌خیزند و رو به درگاه خدا می‌آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند! (۱۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هیچ کس نمی‌داند چه پادشاهای مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پادشاه کارهائی است که انجام می‌دادند! (۱۷)

آیا کسی که باایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند. (۱۸)

اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت جاویدان از آن آنها خواهد بود، این وسیله پندیرایی (خداوند) از آنهاست به پادشاه آنچه انجام می‌دادند. (۱۹)

و اما کسانی که فاسق شدند (و از اطاعت خدا سرباز زدند)، جایگاه همیشگی آنها آتش است: هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، آنها را به آن باز می‌گردانند و به آنان گفته د: «بچشید عذاب آتشی را که انکار می‌کردید!» (۲۰)

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشائیم، شاید بازگردند! (۲۱)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده و او از آن اعراض کرده است؟! مسلماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت! (۲۲)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و شك نداشته باش که او آیت الهی را دریافت داشت؛ و ما آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم! (۲۳)

و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند. (۲۴)

البته پروردگار تو میان آنان روز قیامت در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند (و هر کس را به سزای اعمالش می‌رساند)! (۲۵)

آیا برای هدایت آنها همین کافی نیست که افراد زیادی را که در قرن پیش از آنان زندگی داشتند هلاک کردیم؟! اینها در مساکن (ویران شده) آنان راه می‌روند؛ در این آیاتی است (از قدرت خداوند و مجازات دردناک مجرمان): آیا نمی‌شنوند؟! (۲۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا ندیدند که ما آب را بسوی زمینهای خشک می‌رانیم و بوسیله آن زراعتهایی می‌رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می‌خورند و هم خودشان تغذیه می‌کنند؛ آیا نمی‌بینند؟! (۲۷)

آنان می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این پیروزی شما کی خواهد بود؟!» (۲۸)

بگو: «روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کفران نخواهد داشت؛ و به آنها هیچ مهلت داده نمی‌شود!» (۲۹)

حال که چنین است، از آنها روی بگردان و منتظر باش؛ آنها نیز منتظرند! (تو منتظر رحمت خدا و آنها هم منتظر عذاب او!) (۳۰)

سوره الاحزاب

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کفران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است. (۱)

و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۲)

و بر خدا توکل کن، و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد! (۳)

خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده؛ و هرگز همسرانثان را که مورد «ظهار» قرار می‌دهید مادران شما قرار نداده؛ و (نیز) فرزندانده‌های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است؛ این سخن شماست که به دهان خود می‌گویید (سخنی باطل و بی‌پایه)؛ اما خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند. (۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند؛ اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سر می‌زند (و بی‌توجه آنها را به نام دیگران صدا می‌زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید (مورد حساب قرار خواهد داد)، و خداوند آمرزنده و رحیم است. (۵)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها (مؤمنان) محسوب می‌شوند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر داشته اولی هستند، مگر اینکه بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید)؛ این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است. (۶)

(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤلیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)؛ (۷)

به این منظور که خدا راستگویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده ساخته است. (۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم)؛ و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است. (۹)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می‌پردید. (۱۰)

آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند! (۱۱)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیمار دلان می‌گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند!» (۱۲)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفاظ است!»، در حالی که بی‌حفاظ نبود؛ آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند. (۱۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها چنان بودند که اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می‌شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شریک به آنان می‌کردند می‌پذیرفتند، و جز مدت کمی (برای انتخاب این راه) درنگ نمی‌کردند! (۱۴)

(در حالی که) آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند؛ و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسؤولند)! (۱۵)

بگو: «اگر از مرگ یا کشتن فرار کنید، سودی به حال شما نخواهد داشت؛ و در آن هنگام جز بهره کمی از زندگانی نخواهید گرفت!» (۱۶)

بگو: «چه کسی می‌تواند شما را در برابر اراده خدا حفظ کند اگر او بدی یا رحمتی را برای شما اراده کند؟!» و آنها جز خدا هیچ سرپرست و یآوری برای خود نخواهند یافت. (۱۷)

خداوند کسانی که مردم را از جنگ بازمی‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: س‌خ‌ل‌ه‌س‌وی ما بیایید (و خود را از معرکه بیرون کشید)» بخوبی می‌شناسد؛ و آنها (مردمی ضعیفند و) جز اندکی پیکار نمی‌کنند! (۱۸)

آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند؛ و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آنچنان به تو نگاه می‌کنند، و چشم‌پاشان در حدقه می‌چرخد، که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانه‌های تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می‌گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می‌کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند؛ آنها (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد؛ و این کار بر خدا آسان است. (۱۹)

آنها گمان می‌کنند هنوز لشکر احزاب نرفته‌اند؛ و اگر برگردند (از ترس آنان) دوست می‌دارند در میان اعراب بادیه‌نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار شما جو یا گردند؛ و اگر در میان شما باشند جز اندکی پیکار نمی‌کنند! (۲۰)

مسلم! برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. (۲۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(اما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دینند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (۲۲)

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. (۲۳)

هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد؛ چرا که خداوند آمرزنده و رحیم است. (۲۴)

خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند بی‌آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند؛ و خداوند (در این میدان)، مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد)؛ و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است! (۲۵)

و خداوند گروهی از اهل کتاب (یهود) را که از آنان (مشرکان عرب) حمایت کردند از قلعه‌های محکشان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند؛ (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رسانید و گروهی را اسیر می‌کردید! (۲۶)

و زمینها و خانه‌ها و اموالشان را در اختیار شما گذاشت، و (همچنین) زمینی را که هرگز در آن گام ننهاده بودید؛ و خداوند بر هر چیز تواناست! (۲۷)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بفرستیم و شما را بطرز نیکویی رها سازم!» (۲۸)

و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.» (۲۹)

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او بوجندان خواهد بود؛ و این برای خدا آسان است. (۳۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پیرارزشی برای او آماده کرده‌ایم. (۳۱)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید! (۳۲)

و در خانه‌های خود بمائید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پایدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (۳۳)

آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است! (۳۴)

به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (۳۵)

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است! (۳۶)

(به خاطر بی‌اور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی (به فرزند خوانده‌ات «زید») می‌گفتی: «همسرت را نگاهدار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسته این امر را تکرار می‌کردی)؛ و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند؛ و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سر آورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده‌هایشان - هنگامی که طلاق گیرند - نباشد؛ و فرمان خدا انجام شنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). (۳۷)

هیچ گونه معنی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست؛ این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز جاری بوده؛ و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است! (۳۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند، و از هیچ‌کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش‌دهنده اعمال آنها) است! (۳۹)

آنه آنه محمد (ص) پدر هیچ يك از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است! (۴۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید، (۴۱)

و صبح و شام او را تسبیح گوید! (۴۲)

او کسی است که بر شما درود و رحمت می‌فرستد، و فرشتگان او (نیز) برای شما تقاضای رحمت می‌کنند تا شما را از ظلمات (جهل و شرک گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) رهنمون گردد؛ او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است! (۴۳)

تحیت آنان در روزی که او را نیدار می‌کنند سلام است؛ و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است. (۴۴)

ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذارکننده! (۴۵)

و تو را دعوت‌کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی‌بخش! (۴۶)

و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است. (۴۷)

و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا منما، و بر خدا توکل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است! (۴۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ای کساتی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن طلاق دادید، عده‌ای برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید؛ آنها را با هدیه مناسبی بفرستید و بطرز شایسته‌ای رهاشان کنید. (۴۹)

ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته‌ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو بخشیده است مالک شده‌ای و دختران عموی تو، و دختران عمه‌ها، و دختران دایی تو، و دختران خاله‌ها که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو حلال است) و هرگاه زن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه پیامبر بخواهد می‌تواند او را به همسری برگزیند؛ اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان؛ ما می‌دانیم برای آنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته‌ایم (و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می‌کند)؛ این بخاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد (و از این راه حامیان فزونتری فراهم سازی)؛ و خداوند آموزنده و مهربان است! (۵۰)

(موعده) هر يك از همسرانت را بخواهی می‌توانی به تاخیر اندازی، و هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی؛ و هرگاه بعضی از آنان را که برکنار ساخته‌ای بخواهی نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست؛ این حکم الهی برای روشنی چشم آنان، و اینکه غمگین نباشند و به آنچه به آنان می‌دهی همگی راضی شوند نزدیکتر است؛ و خدا آنچه را در قلوب شماست می‌داند، و خداوند دانا و بردبار است (از مصالح بندگان خود با خبر است، و در کيفر آنها عجله نمی‌کند)؛ (۵۱)

بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست، و نمی‌توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدل کنی (بعضی را طلاق دهی و همسر دیگری به جای او برگزینی) هر چند جمال آنها مورد توجه تو واقع شود، مگر آنچه که بصورت کنیز در ملک تو درآید! و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است (و با این حکم فشار قبایل عرب را در اختیار همسر از آنان، از تو برداشتیم). (۵۲)

ای کساتی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیایید و) در انتظار وقت غذا ننشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می‌نماید، ولی از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گیرد)؛ اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد! و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاک‌دلهای شما و آنها بهتر است! و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآوردید که این کار نزد خدا بزرگ است! (۵۳)

اگر چیزی را آشکار کنید با آن را پنهان دارید، خداوند از همه چیز آگاه است! (۵۴)

بر آنان (همسران پیامبر) گناهی نیست در مورد پدران و فرزندان و برادران و فرزندان برادران و فرزندان خواهران خود و زنان مسلمان و بردگان خویش (که بدون حجاب و پرده با آنها تماس بگیرند)؛ و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند نسبت به هر چیزی شاهد و آگاه است. (۵۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید. (۵۶)

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. (۵۷)

و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند؛ بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده‌اند. (۵۸)

گ گ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلیبابها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است. (۵۹)

اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بردارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز منت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند! (۶۰)

و از همه جا طرد می‌شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید! (۶۱)

این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت! (۶۲)

مردم از تو درباره (زمان قیام) قیامت سؤال می‌کنند، بگو: «علم آن تنها نزد خداست!» و چه می‌دانی شاید قیامت نزدیک باشد! (۶۳)

خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده‌ای آماده نموده است، (۶۴)

در حالی که همواره در آن تا ابد می‌مانند، و ولی و یابوری نخواهند یافت! (۶۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم!» (۶۶)

و می‌گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند!» (۶۷)

پروردگارا! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنها را لعن بزرگی فرما!» (۶۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند؛ و خداوند او را از آنچه در حق او می‌گفتند میرا ساخت؛ و او نزد خداوند، آبرومند (و گرانقدر) بود! (۶۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... (۷۰)

تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را ببامزد؛ و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است! (۷۱)

ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)!(۷۲)

هدف این بود که خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و خدا رحمت خود را بر مردان و زنان باایمان بفرستد؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است! (۷۳)

سوره سباء



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حمد (و ستایش) مخصوص خداوندی است که تمام آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست؛ و (نیز) حمد (و سپاس) برای اوست در سرای آخرت؛ و او حکیم و آگاه است. (۱)

آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه را از آن برمی‌آید می‌داند، و (همچنین) آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه بر آن بالا می‌رود؛ و او مهربان و آمرزنده است. (۲)

کافران گفتند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد!» بگو: «آری به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، خداوندی که از غیب آگاه است و به اندازه سنگینی ذره‌ای در آسمانها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه در کتابی آشکار ثبت است!» (۳)

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد؛ برای آنان مغفرت و روزی پرارزشی است! (۴)

و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند و گمان کردند می‌توانند از حوزه قدرت ما بگریزند، عذابی بد و دردناک خواهند داشت! (۵)

کسانی که به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می‌دانند و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می‌کند. (۶)

«و کافران گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما خبر می‌دهد هنگامی که (مردید و) سخت از هم متلاشی شدید، (بار دیگر) آفرینش تازه‌ای خواهید یافت؟! (۷)

آیا او بز خدا دروغ بسته یا به نوعی جنون گرفتار است؟!» (چنین نیست)، بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، در عذاب و گمراهی نوری هستند (و نشانه گمراهی آنها همین انکار شدید است). (۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا به آنچه پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار دارد نگاه نکردند (تا به قدرت خدا بر همه چیز واقف شوند)؟! اگر ما بخواهیم آنها را (با يك زمین لرزه) در زمین فرومی‌بریم، یا قطعه‌هایی از سنگهای آسمانی را بر آنها فرومی‌ریزیم؛ در این نشانه‌ای است (بر قدرت خدا) برای هر بنده توبه‌کار! (۹)

و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم: (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم): ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گویند! و آهن را برای او نرم کردیم. (۱۰)

(و به او گفتیم): زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه انجام می‌دهید بینا هستم! (۱۱)

و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که مسیر يك ماه را؛ و چشمه من (مذاب) را برای او روان ساختیم؛ و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند؛ و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیم! (۱۲)

آنها هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند: معبدها، تماشاها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها، و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود؛ و به آنان گفتیم): ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید؛ ولی عده کمی از بندگان من شکرگزارند! (۱۳)

(با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین (موریانه) که عصای او را می‌خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد): هنگامی که بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی‌ماندند! (۱۴)

برای قوم «سبأ» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آنها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)! (۱۵)

اما آنها (از خدا) رویگردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (پربركت) شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم! (۱۶)

این کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا جز کفران کننده را کیفر می‌دهیم؟! (۱۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم:) شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید! (۱۸)

ولی (این ناسپاس مردم) گفتند: «پروردگار! میان سفرهای ما دوری بینکن.» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند! و به این طریق) آنها به خویشتن ستم کردند! و ما آنان را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیتشان را مثلثی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه‌های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است. (۱۹)

(آری) بیقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان! (۲۰)

او سلطه بر آنان نداشت جز برای اینکه مؤمنان به آخرت را از آنها که در شك هستند باز شناسیم؛ و پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است! (۲۱)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی‌کشایند، چرا که) آنها به اندازه ذره‌ای در آسمانها و زمین مالک نیستند، و نه در (خلقت و مالکیت) آنها شریکند، و نه یاور او (در آفرینش) بودند. (۲۲)

هیچ شفاعتی نزد او، جز برای کسانی که انان داده، سودی ندارد! (در آن روز همه در اضطرابند) تا زمانی که اضطراب از دل‌های آنان زایل گردد (و فرمان از ناحیه او صادر شود؛ در این هنگام مجرمان به شفیعان) می‌گویند: «پروردگان چه دستوری داده؟» می‌گویند: «حق را (بیان کرد و اجازه شفاعت در باره مستحقان داد)؛ و اوست بلندمقام و بزرگمرتبه!» (۲۳)

بگو: «چه کسی شما را از آسمانها و زمین روزی می‌دهد؟» بگو: «الله! و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم!» (۲۴)

بگو: «شما از گناهی که ما کرده‌ایم سؤال نخواهید شد، (همان گونه که) ما در برابر اعمال شما مسؤول نیستیم!» (۲۵)

بگو: «پروردگار ما همه ما را جمع می‌کند، سپس در میان ما بحق داوری می‌نماید (و صفوف مجرمان را از نیکوکاران جدا می‌سازد)، و اوست داور (و جداکننده) آگاه!» (۲۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بگو: «کسانی را که بعنوان شريك به او ملحق ساخته‌اید به من نشان دهید! هرگز چنین نیست! (او شريك و شیبی ندارد)، بلکه او خداوند عزیز و حکیم است!» (۲۷)

و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پادشاهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (۲۸)

می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده (رستاخیز) کی خواهد بود؟!» (۲۹)

بگو: «و وعده شما روزی خواهد بود که نه ساعتی از آن تاخیر می‌کنید و نه (بر آن) پیشی خواهید گرفت!» (۳۰)

کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد! س‌ذنه اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) ننگه داشته شده‌اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد (از وضع آنها تعجب می‌کنی)! مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم!» (۳۱)

(اما) مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد (و آن را بخوبی دریافتید)؟! بلکه شما خود مجرم بودید!» (۳۲)

و مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «وسوسه‌های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم!» و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند پشیمانی خود را پنهان می‌کنند (تا بیشتر رسوا نشوند)! و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می‌نهیم؛ آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آنها جزا داده می‌شود؟! (۳۳)

و ما در هیچ شهر و نیاری پیامبری بیدهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم!» (۳۴)

و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست!)؛ و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (۳۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بگو: «پروردگار من روزی را برای هر کس بخواند وسیع یا تنگ می‌کند، (این ربطی به قرب در درگاه او ندارد): ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!» (۳۶)

اموال و فرزندانمان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی‌سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده‌اند؛ و آنها در غرفه‌های (بهشتی) بر (نهایت) امنیت خواهند بود! (۳۷)

و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می‌کنند و می‌پندارند از چنگ قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الهی) احضار می‌شوند! (۳۸)

بگو: «پروردگارم روزی را برای هر کس بخواند وسعت می‌بخشد، و برای هر کس بخواند تنگ (و محدود) می‌سازد؛ و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد (و جای آن را بر می‌کند): و او بهترین روزی‌دهندگان است!» (۳۹)

(به خاطر بیاور) روزی را که خداوند همه آنان را بر می‌انگیزد، سپس به فرشتگان می‌گوید: س‌خ‌ل‌ل‌ه‌ای‌ا اینها شما را پرستش می‌کردند؟!» (۴۰)

آنها می‌گویند: «منزهی (از اینکه همتایی داشته باشی)! تنها تو ولی مائی، نه آنها؛ (آنها ما را پرستش نمی‌کردند) بلکه جن را پرستش می‌نمودند؛ و اکثرشان به آنها ایمان داشتند!» (۴۱)

(آری) امروز هیچ يك از شما نسبت به دیگری مالك سود و زیانی نیست! و به ظالمان می‌گوییم: «بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می‌کردید!» (۴۲)

و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: «او فقط مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند بازدارد!» و می‌گویند: «(این جز دروغ بزرگی که (به خدا) بسته شده چیز دیگری نیست!» و کافران هنگامی که حق به سراغشان آمد گفتند: س‌خ‌ل‌ل‌ه‌این، جز افسونی آشکار نیست!» (۴۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما (قبلا) چیزی از کتابهای آسمانی را به آنان نداده‌ایم که آن را بخوانند (و به اتکای آن سخنان تو را تکذیب کنند)، و پیش از تو هیچ بیدهنده (پیامبری) برای آنان نفرستادیم! (۴۴)

کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) تکذیب کردند، در حالی که اینها به يك دهم آنچه به آنان دادیم نمی‌رسند! (آری) آنها رسولان مرا تکذیب کردند؛ پس بین مجازات من (نسبت به آنها) چگونه بود! (۴۵)

بگو: «شما را تنها به يك چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا يك نفر يك نفر برای خدا قیام کنید، سپس ببینید این دوست و همنشین شما (محمد) هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیدهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است!» (۴۶)

بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماس: اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چیز گواه است!» (۴۷)

بگو: «پروردگار من حق را (بر دل پیامبران خود) می‌افکند، که او دانای غیبها (و اسرار نهان) است.» (۴۸)

بگو: «حق آمد! و باطل (کاری از آن ساخته نیست) نمی‌تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن!» (۴۹)

بگو: «اگر من گمراه شوم، از ناحیه خود گمراه می‌شوم؛ و اگر هدایت یابم، به وسیله آنچه پروردگارم به من وحی می‌کند هدایت می‌یابم؛ او شنوای نزدیک است!» (۵۰)

اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود اما نمی‌توانند (از عذاب الهی) بگریزند، و آنها را از جای نزدیکی (که حتی انتظارش را ندارند) می‌گیرند (از در ساندگی آنها تعجب خواهی کرد!) (۵۱)

و (در آن حال) می‌گویند: «به حق ایمان آوردیم!»، ولی چگونه می‌توانند از فاصله دور به آن دسترسی پیدا کنند! (۵۲)

آنها پیش از این (که در نهایت آزادی بودند) به آن کافر شدند و تورا دور، و غائبانه (و بدون آگاهی). نسبت‌های ناروا می‌دادند. (۵۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(سرانجام) میان آنها و خواسته‌هایشان جدایی افکنده شد، همان گونه که با پیروان (و همسلکان) آنها از قبل عمل شد، چرا که آنها در شك و تردید بودند! (۵۴)

سوره فاطر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر!

ستایش مخصوص خداوندی است آفریننده آسمانها و زمین، که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سمگانه و چهارگانه، او هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید، و او بر هر چیزی تواناست! (۱)

هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد؛ و هر چه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست؛ و او عزیز و حکیم است! (۲)

ای مردم! به یاد آورید نعمت خدا را بر شما؛ آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید؟! (۳)

اگر تو را تکذیب کنند (غم مخور، موضوع تازه‌ای نیست) پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند؛ و همه کارها بسوی خدا باز می‌گردند. (۴)

ای مردم! وعده خداوند حق است؛ مبادا زندگی دنیا شما را بفریبید، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد! (۵)

البته شیطان دشمن شماسست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزیش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند! (۶)

کسانی که راه کفر پیش گرفتند، برای آنان عذابی سخت است؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، سرزش و پاداش بزرگ از آن آنهاست! (۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را خوب و زیبا می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آنچنان که هست می‌یابد)؟! خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند؛ پس جاننت به خاطر شدت تاسف بر آنان از دست نرود؛ خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست! (۸)

خداوند کسی است که باها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند؛ سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده‌ای رانندیم و به وسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می‌کنیم؛ رستاخیز نیز همین گونه است! (۹)

کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد؛ و آنها که نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مگر (و تلاش افسانگرا نه) آنان ناپود می‌شود (و به جایی نمی‌رسد)! (۱۰)

خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای؛ سپس شما را بصورت زوجهایی قرار داد؛ هیچ جنس ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی‌کند، یا از عمرش کاسته نمی‌شود مگر اینکه در کتاب (علم خداوند) ثبت است؛ اینها همه برای خداوند آسان است. (۱۱)

دو دریا یکسان نیستند: این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلگیر؛ (اما) از هر دو گوشتی تازه می‌خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می‌پوشید؛ و کشتیها را در آن می‌بینی که آنها را می‌شکافتند (و به سوی مقصد پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره‌مگیرید، و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید! (۱۲)

او شب را در روز داخل می‌کند و روز را در شب؛ و خورشید و ماه را مسخر (شما) کرده، هر يك تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهد؛ این است خداوند، پروردگار شما؛ حاکمیت (در سراسر عالم) از آن اوست؛ و کسانى را که جز او می‌خوانید (و می‌پرستید) حتی به اندازه پوست نازک هسته خرما مالک نیستند! (۱۳)

اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمی‌گویند؛ و روز قیامت، شرك (و پرستش) شما را منکر می‌شوند، و هیچ کس مانند (خداوند آگاه و) خبیر تو را (از حقایق) با خبر نمی‌سازد! (۱۴)

ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است! (۱۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق جنیدی می‌آورد؛ (۱۶)

و این برای خداوند مشکل نیست! (۱۷)

هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ و اگر شخص سنگین‌باری دیگری را برای حمل گناه خود بخواند، چیزی از آن بر دوش نخواهد گرفت، هر چند از نزدیکان او باشد! تو فقط کسانی را ببمی‌دهی که از پرورنگار خود در پنهانی می‌ترسند و نماز را برپا می‌دارند؛ و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش باز می‌گردد؛ و بازگشت (همگان) به سوی خداست! (۱۸)

و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، (۱۹)

و نه ظلمتها و روشنایی، (۲۰)

و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! (۲۱)

و هرگز مزدگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می‌رساند، و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی! (۲۲)

تو فقط انذارکننده‌ای، (اگر ایمان نیاورند نگران نباش، وظیفه‌ات را انجام ده). (۲۳)

ما تو را بحق برای بشارت و انذار فرستادیم؛ و هر امتی در گذشته انذارکننده‌ای داشته است! (۲۴)

اگر تو را تکذیب کنند (عجیب نیست)؛ کسانی که پیش از آنان بودند (نیز پیامبران خود را) تکذیب کردند؛ آنها با دلایل روشن و کتابهای پند و موعظه و کتب آسمانی روشنگر (مشمول بر معارف و احکام) به سراغ آنان آمدند (اما کوردلان ایمان نیاوردند). (۲۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سپس من کافران را (بعد از اتمام حجت) گرفتم (و سخت مجازات کردم): مجازات من نسبت به آنان چگونه بود؟! (۲۶)

آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه‌هایی رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها نیز (به لطف پروردگار) جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگهای مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه! (۲۷)

و از انسانها و جنبندها و چهارپایان انواعی با رنگهای مختلف، (آری) حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند؛ خداوند عزیز و غفور است! (۲۸)

کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی (پرسود و بی‌زیان و خالی از کساد را امید دارند. (۲۹)

(آنها این اعمال صالح را انجام می‌دهند) تا خداوند اجر و پاداش کامل به آنها دهد و از فضلش بر آنها بیفزاید که او آمرزنده و شکرگزار است! (۳۰)

و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و تصدیق‌کننده و هماهنگ با کتب پیش از آن؛ خداوند نسبت به بندگان خبیر و بیناست! (۳۱)

سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم؛ (اما) از میان آنها عده‌ای بر خود ستم کردند، و عده‌ای میانه رو بودند، و گروهی به این خدا در نیکبها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است! (۳۲)

(پاداش آنان) باغهای جاویدان بهشت است که در آن وارد می‌شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته‌اند، و لباسشان در آنجا حریر است! (۳۳)

آنها می‌گویند: «حمد (و ستایش) برای خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت؛ پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است! (۳۴)

همان کسی که با فضل خود ما را در این سرای اقامت (جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می‌رسد و نه سستی و واماندگی! (۳۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست؛ هرگز فرمان مرگشان صادر نمی‌شود تا بمیرند، و نه چیزی از عذابش از آنان تخفیف داده می‌شود؛ این گونه هر کفران‌کننده‌ای را کیفر می‌دهیم! (۳۶)

آنها در دوزخ فریاد می‌زنند: «پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آنچه انجام می‌دادیم!» (در پاسخ به آنان گفته می‌شود): آیا شما را به اندازه‌ای که هر کس اهل تذکر است در آن متذکر می‌شود عسر ندادیم، و انذارکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟ اکنون بچشید که برای ظالمان هیچ یآوری نیست! (۳۷)

خداوند از غیب آسمانها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون دلهاست می‌داند! (۳۸)

اوست که شما را جانشینانی در زمین قرار داد؛ هر کس کافر شود، کفر او به زبان خودش خواهد بود، و کافران را کفرشان جز خشم و غضب در نزد پروردگار چیزی نمی‌افزاید، و (نیز) کفرشان جز زیان و خسران چیزی بر آنها اضافه نمی‌کند! (۳۹)

بگو: «این معبودانی را که جز خدا می‌خوانید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا اینکه شرکتی در (آفرینش و مالکیت) آسمانها دارند؟! یا به آنان کتابی (آسمانی) داده‌ایم و دلیلی از آن برای (شرك) خود دارند؟!» نه هیچ يك از آنها نیست، ظالمان فقط وعده‌های دروغین به یکدیگر می‌دهند! (۴۰)

خداوند آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی‌تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است! (۴۱)

آنان با نهایت تاکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری انذارکننده به سراغشان آید، هدایت یافته‌ترین امتها خواهند بود؛ اما چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله‌گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود! (۴۲)

اینها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگهای بدشان بود؛ اما این نیرنگها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛ آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذابهای دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی! (۴۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ایا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسائی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان قویتر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست! (۴۴)

اگر خداوند مردم را به سیب کارهایی که انجام داده‌اند مجازات کند، جنینده‌ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معینی تاخیر می‌اندازد (و مهلت اصلاح می‌دهد) اما هنگلمی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می‌دهد) او نسبت به بندگانیش بیناست (و از اعمال و نیت همه آگاه است)! (۴۵)

سوره یس

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

یس. (۱)

سوگند به قرآن حکیم. (۲)

که تو قطعا از رسولان (خداوند) هستی، (۳)

بر راهی راست (قرار داری)؛ (۴)

این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده است (۵)

تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند! (۶)

فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی‌آورند! (۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما در گردنهای آنان غلهایی قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است! (۸)

و در پیش روی آنان سدی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدی؛ و چشمانشان را پوشانده‌ایم، لذا نمی‌بینند! (۹)

برای آنان یکسان است: چه اندازشان کنی یا نکنی، ایمان نمی‌آورند! (۱۰)

تو فقط کسی را انذار می‌کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهان بترسد؛ چنین کسی را به آموزش و پاداشی پرازش بشارت ده! (۱۱)

به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم! (۱۲)

و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگلی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛ (۱۳)

هنگامی که دو نفر از رسولان را بسوی آنها فرستادیم، اما آنان رسولان (ما) را تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سومی فرستادیم، آنها هسگی گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم!» (۱۴)

اما آنان (در جواب) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می‌گویید!» (۱۵)

(رسولان ما) گفتند: «پرووردگار ما آگاه است که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم، (۱۶)

و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست!» (۱۷)

انان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته‌ایم (و وجود شما را شوم می‌دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید! (۱۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(رسولان) گفتند: «شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید، بلکه شما گروهی اسرافکارید!» (۱۹)

و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید!» (۲۰)

از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند! (۲۱)

من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می‌شوند؟! (۲۲)

آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زبانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین فایده‌ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد! (۲۳)

اگر چنین کنم، من در گمراهی آشکاری خواهم بود! (۲۴)

(به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم؛ پس به سخنان من گوش فرا دهید! (۲۵)

(سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من می‌دانستند... (۲۶)

که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی‌داشتگان قرار داده است!» (۲۷)

و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر این نبود: (۲۸)

(بلکه) فقط يك صیحه آسمانی بود، نگاهان همگی خاموش شدند! (۲۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می‌کردند! (۳۰)

آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم، آنها هرگز به سوی ایشان باز نمی‌گردند (و زنده نمی‌شوند)! (۳۱)

و همه آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می‌شوند! (۳۲)

زمین مرده برای آنها آیتی است، ما آن را زنده کردیم و دانه‌های (غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می‌خورند؛ (۳۳)

و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی از آن جاری ساختیم، (۳۴)

تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است! آیا شکر خدا را بجا نمی‌آورند؟! (۳۵)

منزه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند! (۳۶)

شب (نیز) برای آنها نشانه‌ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی‌گیریم، ناگهان تاریکی آنان را فرا می‌گیرد! (۳۷)

و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند قادر و داناست. (۳۸)

و برای ماه منزه‌هایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منزل را طی کرد) سرانجام بصورت سبزه‌شاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» در می‌آید. (۳۹)

نه خورشید را سزا است که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند. (۴۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نشانه‌های (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانمان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. (۴۱)

و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم. (۴۲)

و اگر بخواهیم آنها را غرق می‌کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند و نه نجات داده شوند! (۴۳)

مگر اینکه رحمت ما شامل حال آنان شود، و تا زمان معینی از این زندگی بهره گیرند! (۴۴)

و هرگاه به آنها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست (از عذابهای الهی) بترسید تا مشمول رحمت الهی شوید!» (اعتنا نمی‌کنند). (۴۵)

و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی‌گردان می‌شوند. (۴۶)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید!»، کافران به مؤمنان می‌گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست او را اطعام می‌کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید!» (۴۷)

آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟! (۴۸)

(اما جز این انتظار نمی‌کشند که يك صبحه عظیم (آسمانی) آنها را فراگیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند. (۴۹)

(چنان غافلگیر می‌شوند که حتی) نمی‌توانند وصیتی کنند یا به سوی خانواده خود بازگردند! (۵۰)

(بار دیگر) در «صور» نمیده می‌شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان می‌روند! (۵۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست گفتند!» (۵۲)

صبحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم برمی‌خیزد) ناگهان همگی نزد ما احضار می‌شوند! (۵۳)

(و به آنها گفته می‌شود): امروز به هیچ کس ذره‌ای ستم نمی‌شود، و جز آنچه را عمل می‌کردید جزا داده نمی‌شوید! (۵۴)

بهشتیان، امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند. (۵۵)

آنها و همسرانشان در سایه‌های (قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده‌اند. (۵۶)

برای آنها در بهشت میوه بسیار لذت‌بخشی است، و هر چه بخواهند در اختیار آنان خواهد بود! (۵۷)

بر آنها سلام (و درود الهی) است؛ این سخنی است از سوی پروردگاری مهربان! (۵۸)

(و به آنها می‌گویند): جدا شوید امروز ای گنهکاران! (۵۹)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! (۶۰)

و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است؟! (۶۱)

او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟! (۶۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این همان دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد! (۶۳)

امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید به آتش آن بسوزید! (۶۴)

امروز بر دهانتان مهر می‌نهم، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می‌دادند شهادت می‌دهند!
(۶۵)

و اگر بخواهیم چشمانشان را محو کنیم؛ سپس برای عبور از راه، می‌خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، اما چگونه می‌توانند
ببینند؟! (۶۶)

و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می‌کنیم (و به مجسمه‌هایی بی‌روح مبدل می‌سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند
یا به عقب برگردند! (۶۷)

هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش و ازگونه‌اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می‌گردانیم)؛ آیا اندیشه نمی‌کنند؟!
(۶۸)

ما هرگز شعر به او (پیامبر) نیاموختیم، و شایسته او نیست (شاعر باشد)؛ این (کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است!
(۶۹)

تا افرادی را که زنده‌اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلم گردد! (۷۰)

آیا ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم چهارپایانی برای آنان آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟! (۷۱)

و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند؛ (۷۲)

و برای آنان بهره‌های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنی‌هایی گوارا؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟! (۷۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که باری شوند! (۷۴)

ولی آنها قادر به باری ایشان نیستند، و این (عبادتکنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که در آتش دوزخ احضار می‌شوند! (۷۵)

پس سخنانشان تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانیم! (۷۶)

آیا انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه‌ای بی‌ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست! (۷۷)

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟!» (۷۸)

بگو: «همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید؛ و او به هر مخلوقی داناست! (۷۹)

همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می‌افروزید!» (۸۰)

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، نمی‌تواند همانند آنان (انسانهای خالک شده) را بیافریند؟! آری (می‌تواند)، و او آفرینگار داناست! (۸۱)

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود! (۸۲)

پس منزّه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست؛ و شمارا به سوی او باز می‌گردانند! (۸۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سوره الصافات

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به (فرشتگان) صف کشیده (و منظم) (۱)

و به نهبی‌کنندگان و (بازدارندگان) (۲)

و تلاوت‌کنندگان پیاپی آیات الهی... (۳)

که معبود شما یگانه است؛ (۴)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرقها! (۵)

ما آسمان نزدیک (پایین) را با ستارگان آراستیم، (۶)

تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم! (۷)

آنها نمی‌توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، (و هرگاه چنین کنند) از هر سو هدف قرار می‌گیرند! (۸)

آنها به شدت به عقب رانده می‌شوند؛ و برای آنان مجازاتی دائم است! (۹)

مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که «شهاب ثاقب س‌ذللہ آنها را تعقیب می‌کند!» (۱۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از آنان بپرس: «آیا آفرینش (و معاد) آنان سختتر است یا آفرینش فرشتگان (و آسمانها و زمین)؟! ما آنان را از گل چسبیده‌ای آفریدیم! (۱۱)

تو از انکارشان تعجب می‌کنی، ولی آنها مسخره می‌کنند! (۱۲)

و هنگامی که به آنان تذکر داده شود، هرگز متذکر نمی‌شوند! (۱۳)

و هنگامی که معجزه‌های را ببینند، دیگران را نیز به استیزاز دعوت می‌کنند! (۱۴)

و می‌گویند: «این فقط سحری آشکار است! (۱۵)

آیا هنگامی که ما مردیم و به خاک و استخوان تبدیل شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (۱۶)

یا پدران نخستین ما (باز می‌گردند)؟! (۱۷)

بگو: «آری، همه شما زنده می‌شوید در حالی که خوار و کوچک خواهید بود! (۱۸)

تنها يك صبحه عظیم واقع می‌شود، ناگهان همه (از قبرها برمی‌خیزند و) نگاه می‌کنند! (۱۹)

و می‌گویند: «ای وای بر ما، این روز جزاست!» (۲۰)

(آری) این همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما آن را تکذیب می‌کردید! (۲۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در این هنگام به فرشتگان دستور داده می‌شود: ظالمان و همدنیفان‌شان و آنچه را می‌پرستیدند... (۲۲)

آری آنچه را! جز خدا می‌پرستیدند جمع کنید و بسوی راه دوزخ هدایتشان کنید! (۲۳)

آنها را نگهدارید که باید باز پرسی شوند! (۲۴)

شمارا چه شده که از هم یاری نمی‌طلبید؟! (۲۵)

ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند! (۲۶)

و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم می‌پرسند... (۲۷)

گروهی (می‌گویند: «شمار هیران گمراهی بودید که به ظاهر) از طریق خیر خواهی و نیکی وارد شدید اما جز فریب چیزی در کارتان نبود!» (۲۸)

آنها در جواب) می‌گویند: «شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟! (۲۹)

ما هیچ گونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید! (۳۰)

اکنون فرمان پروردگارمان بر همه ما مسلم شده، و همگی از عذاب او می‌چشمیم! (۳۱)

ما شما را گمراه کردیم، همان گونه که خود گمراه بودیم! (۳۲)

آری) همه آنها (پیشوایان و پیروان گمراه) در آن روز در عذاب الهی مشترکند! (۳۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم! (۳۴)

چرا که وقتی به آنها گفته می‌شد: «معبودی جز خدا وجود ندارد»، تکبر و سرکشی می‌کردند... (۳۵)

و پیوسته می‌گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!» (۳۶)

چنین نیست، او حق را آورده و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است! (۳۷)

اما شما (مستکبران کوردل) بطور مسلم عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید! (۳۸)

و جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده نمی‌شوید، (۳۹)

جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند)! (۴۰)

برای آنان (بندگان مخلص) روزی معین و ویژه‌ای است، (۴۱)

میوه‌های گوناگون پر ارزش)، و آنها گرامی داشته می‌شوند... (۴۲)

در باغهای پر نعمت بهشت؛ (۴۳)

در حالی که بر تختها رو به روی یکدیگر تکیه زده‌اند، (۴۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و گر دلگردان قنچه‌های لبریز از شراب طهور را می‌گردانند؛ (۴۵)

شرابی سفید و درخشنده، و لذتبخش برای نوشندگان؛ (۴۶)

شرابی که نه در آن مایه تباهی عقل است و نه از آن مست می‌شوند! (۴۷)

و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی‌ورزند. (۴۸)

گویی از (لطافت و سفیدی) همچون تخم‌مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است)؛ (۴۹)

(در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعضی دیگر کرده می‌پرسند... (۵۰)

کسی از آنها می‌گوید: «من همنشینی داشتم...» (۵۱)

که پیوسته می‌گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده‌ای... (۵۲)

که وقتی ما مردیم و به خاک و استخوان مبدل شدیم، (بار دیگر) زنده می‌شویم و جزا داده خواهیم شد؟! (۵۳)

(سپس) می‌گوید: «آیا شما می‌توانید از او خبری بگیرید؟» (۵۴)

اینجاست که نگاهی می‌کند، ناگهان او را در میان دوزخ می‌بیند. (۵۵)

می‌گوید: «به خدا سوگند نزدیک بود مرا (نیز) به هلاکت بکشائی! (۵۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و اگر نعمت پروردگارم نبود، من نیز از احضارشدگان (در دوزخ) بودم! (۵۷)

(سپس به یاران خود می‌گوید: ای دوستان!) آیا ما هرگز نمی‌میریم (و در بهشت جاودانه خواهیم بود)، (۵۸)

و جز همان مرگ اول، مرگی به سراغ ما نخواهد آمد، و ما هرگز عذاب نخواهیم شد. (۵۹)

راستی این همان پیروزی بزرگ است! (۶۰)

آری، برای مثل این، باید عمل‌کنندگان عمل کنند! (۶۱)

آیا این (نعمتهای جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت‌انگیز) زقوم؟! (۶۲)

ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم! (۶۳)

آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید! (۶۴)

شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است! (۶۵)

آنها (مجرمان) از آن می‌خورند و شکمها را از آن پر می‌کنند! (۶۶)

سپس روی آن آب داغ متعفنی می‌نوشند! (۶۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سپس بازگشت آنها به سوی جهنم است! (۶۸)

چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند، (۶۹)

با این حال به سرعت بدنبل آنان کشتاده می‌شوند! (۷۰)

و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند! (۷۱)

ما در میان آنها انذارکنندگان فرستادیم، (۷۲)

ولی بنگر عاقبت انذارشوندگان چگونه بود! (۷۳)

مگر بندگان مخلص خدا! (۷۴)

و نوح، ما را خواند (و مادعی او را اجابت کردیم): و چه خوب اجابت کننده‌ای هستیم! (۷۵)

و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم، (۷۶)

و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم، (۷۷)

و نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی نهادیم. (۷۸)

سلام بر نوح در میان جهانیان باد! (۷۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (۸۰)

چرا که او از بندگان باایمان ما بود! (۸۱)

سپس دیگران (دشمنان او) را غرق کردیم! (۸۲)

و از پیروان او ابراهیم بود: (۸۳)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد: (۸۴)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «اینها چیست که می‌پرسید؟! (۸۵)

آیا غیر از خدا به سراغ این معبودان دروغین می‌روید؟! (۸۶)

شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می‌برید؟! (۸۷)

(سپس) نگاهی به ستارگان افکند... (۸۸)

و گفت: «من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی‌آیم)»! (۸۹)

آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و بسرعت دور شدند). (۹۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودانشان کرد و از روی تمسخر گفت: «چرا (از این غذاها) نمی‌خورید؟!» (۹۱)

(اصلاً) چرا سخن نمی‌گویید؟!» (۹۲)

سپس بسوی آنها رفت و ضربه‌ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را در هم شکست). (۹۳)

آنها با سرعت به او روی آوردند. (۹۴)

گفت: «آیا چیزی را می‌پرسید که با دست خود می‌ترسید؟!» (۹۵)

با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می‌سازید!»، (۹۶)

(بت‌پرستان) گفتند: «بنای مرتفعی برای او بسازید و او را در جهنمی از آتش بیفکنید!» (۹۷)

آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند، ولی ما آنان را پست و مغلوب ساختیم! (۹۸)

(او از این مهلکه سلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می‌روم، او مرا هدایت خواهد کرد!» (۹۹)

پروردگار! به من از صالحان (فرزندان صالح) ببخش!» (۱۰۰)

ما او (ابراهیم) را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم! (۱۰۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «بسررم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟» گفت: «بدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!» (۱۰۲)

هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد... (۱۰۳)

او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! (۱۰۴)

آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی)!» ما این گونه، نیکوکاران را جزا می‌دهیم! (۱۰۵)

این مسلما همان امتحان آشکار است! (۱۰۶)

ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم، (۱۰۷)

و نام نیک او را در امتحای بعد باقی نهادیم! (۱۰۸)

سلام بر ابراهیم! (۱۰۹)

این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (۱۱۰)

او از بندگان بالیمان ما است! (۱۱۱)

ما او را به اسحاق - پیامبری از شایستگان - بشارت دادیم! (۱۱۲)

ما به او و اسحاق برکت دادیم: و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی آشکارا به خود ستم کردند! (۱۱۳)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم! (۱۱۴)

و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم! (۱۱۵)

و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند! (۱۱۶)

ما به آن دو، کتاب روشنگر دادیم، (۱۱۷)

و هر دو را به راه راست هدایت (خداپرستی) کردیم (۱۱۸)

و نام نیکشان را در اقوام بعد باقی گذاردیم! (۱۱۹)

سلام بر موسی و هارون! (۱۲۰)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (۱۲۱)

آن دو از بندگان مؤمن ما بودند! (۱۲۲)

و الیاس از رسولان (ما) بود! (۱۲۳)

به خاطر بیاور هنگامی را که به قورش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۲۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا بت «بعل» را می‌خوانید و بهترین آفریدگارها را می‌سازید؟! (۱۲۵)

خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست! (۱۲۶)

اما آنها او را تکذیب کردند؛ ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می‌شوند! (۱۲۷)

مگر بندگان مخلص خدا! (۱۲۸)

ما نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی گذاریم! (۱۲۹)

سلام بر الیاسین! (۱۳۰)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (۱۳۱)

او از بندگان مؤمن ما است! (۱۳۲)

و لوط از رسولان (ما) است! (۱۳۳)

و به خاطر بی‌اور زمانی را که او و خاندانش را همگی نجات دادیم، (۱۳۴)

مگر پیرزنی که از بازماندگان بود (و به سرنوشت آنان گرفتار شد)! (۱۳۵)

سپس بقیه را نابود کردیم! (۱۳۶)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه‌های شهرهای) آنها می‌گذرید... (۱۳۷)

و (همچنین) شبانگاه: آیا نمی‌اندیشید؟! (۱۳۸)

و یونس از رسولان (ما) است! (۱۳۹)

به خاطر بیلور زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیت و بار) فرار کرد. (۱۴۰)

و با آنها قرعه افکند، (و قرعه به نام او افتاد و) مغلوب شد! (۱۴۱)

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعد، در حالی که مستحق سرزنش بود! (۱۴۲)

و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود... (۱۴۳)

تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند! (۱۴۴)

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود! (۱۴۵)

و بوته کدوئی بر او رویانیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد)! (۱۴۶)

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری بیا بیشتر - فرستادیم! (۱۴۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره‌مند ساختیم! (۱۴۸)

از آنان بپرس: آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟! (۱۴۹)

آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم و آنها ناظر بودند؟! (۱۵۰)

دانید آنها با این تهمت بزرگشان می‌گویند: (۱۵۱)

«خداوند فرزند آورده!» ولی آنها به یقین دروغ می‌گویند! (۱۵۲)

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟! (۱۵۳)

شما را چه شده است؟! چگونه حکم می‌کنید؟! (هیچ می‌فهمید چه می‌گویند؟! (۱۵۴)

آیا متذکر نمی‌شوید؟! (۱۵۵)

یا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟! (۱۵۶)

کتابتان را بیاورید اگر راست می‌گویید! (۱۵۷)

آنها (مشرکان) میان او (خداوند) و جن، (خویشاوندی و) نسبتی قائل شدند؛ در حالی که جنیان بخوبی می‌دانند که این بت‌پرستان در دانشگاه الهی احضار می‌شوند! (۱۵۸)

منزه است خداوند از آنچه توصیف می‌کنند، (۱۵۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مگر بندگان مخلص خدا! (۱۶۰)

شما و آنچه را پرستش می‌کنید، (۱۶۱)

هرگز نمی‌توانید کسی را (با آن) فریب دهید، (۱۶۲)

مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می‌شوند! (۱۶۳)

و هیچ يك از ما نیست جز آنکه مقام معلومی دارد؛ (۱۶۴)

و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده‌ایم؛ (۱۶۵)

و ما همه تسبیح‌گوی او هستیم! (۱۶۶)

آنها پیوسته می‌گفتند: (۱۶۷)

«اگر یکی از کتابهای پیشینیان نزد ما بود، (۱۶۸)

به یقین، ما بندگان مخلص خدا بودیم!» (۱۶۹)

(اما هنگامی که این کتاب بزرگ آسمانی بر آنها نازل شد،) به آن کافر شدند؛ ولی بزودی (نتیجه کار خود را) خواهند دانست! (۱۷۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و عده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده... (۱۷۱)

که آنان یاری شدگانند، (۱۷۲)

و لشکر ما پیروزند! (۱۷۳)

از آنها (کافران) روی بگردان تا زمان معینی (که فرمان جهاد فرارسد)! (۱۷۴)

و وضع آنها را بنگر (چه بی‌محتواست) اما بزودی (نتیجه اعمال خود را) می‌بینند! (۱۷۵)

آیا آنها برای عذاب ما شتاب می‌کنند؟! (۱۷۶)

اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه‌هایشان فرود آید، انذار شدگان صبحگاه بدی خواهند داشت! (۱۷۷)

از آنان روی بگردان تا زمان معینی! (۱۷۸)

و وضع کارشان را ببین: آنها نیز به زودی (نتیجه اعمال خود را) می‌بینند! (۱۷۹)

منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می‌کنند. (۱۸۰)

و سلام بر رسولان! (۱۸۱)

ج ۸۳۲ حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (۱۸۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سوره ص

به نام خداوند بخشنده بخشنده

ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است (که این کتاب، معجزه الهی است). (۱)

ولی کافران گرفتار غرور اختلافند! (۲)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم؛ و به هنگام نزول عذاب فریاد می‌زدند (و کمک می‌خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود! (۳)

آنها تعجب کردند که پیامبر بيم‌دهنده‌ای از میان آنان به سویشان آمده؛ و کافران گفتند: این ساحر بسیار دروغ‌گویی است! (۴)

آیا او بجای اینهمه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این براستی چیز عجیبی است! (۵)

سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و خدایان‌تان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته‌اند (شما را همراه کنند)! (۶)

ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده‌ایم؛ این تنها يك آئین ساختگی است! (۷)

آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او (محمد) نازل شده؟! آنها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده‌اند (که این چنین گستاخانه سخن می‌گویند)! (۸)

مگر خزاین رحمت پروردگار تو انا و بخشنده‌ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)! (۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یا اینکه مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و جلو نزول وحی را بر قلب پاك محمد بگیرند)! (۱۰)

(آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده‌ای از احزابند! (۱۱)

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند! (۱۲)

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الایکه (قوم شعیب)، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)! (۱۳)

هر يك (از این گروه‌ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت! (۱۴)

اینها (با این اعمالشان) جز يك صیحه آسمانی را انتظار نمی‌کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و شکی را ناپود می‌سازد)! (۱۵)

آنها (از روی خیره‌سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده!» (۱۶)

در برابر آنچه می‌گویند شکبیا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه‌کننده بود! (۱۷)

ما کوه‌ها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می‌گفتند! (۱۸)

پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند): و همه اینها بازگشت‌کننده به سوی او بودند! (۱۹)

و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه! (۲۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا داستان شاکیان هنگامی که از محراب (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟! (۲۱)

در آن هنگام که (بی‌مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد: گفتند: «نترس، دو نفر شلکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داورى کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن!» (۲۲)

این برادر من است؛ و او نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم اما او اصرار می‌کند که: این یکی را هم به من واگذار؛ و در سخن بر من غلبه کرده است!» (۲۳)

(داوود) گفت: «مسلماً او با درخواست يك میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده؛ و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند؛ اما عده آنان کم است!» داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده‌ایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد. (۲۴)

ما این عمل را بر او بخشیدیم؛ و او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست! (۲۵)

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داورى کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند! (۲۶)

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای بر کافران از آتش (دوزخ)! (۲۷)

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟! (۲۸)

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند! (۲۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود)! (۳۰)

به خاطر بی‌لور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند، (۳۱)

گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می‌خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم)، او همچنان به آنها نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (۳۲)

(آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید! و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد). (۳۳)

ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم؛ سپس او به درگاه خداوند توبه کرد. (۳۴)

گفت: پروردگار! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای! (۳۵)

پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش بنر می حرکت کند و به هر جا او می‌خواهد برود! (۳۶)

و شیاطین را مسخر او کردیم، هر بنا و غواصی از آنها را! (۳۷)

و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم، (۳۸)

(و به او گفتیم:) این عطای ما است، به هر کس می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) ببخش، و از هر کس می‌خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)! (۳۹)

و برای او (سلیمان) نزد ما مقامی ارجمند و سرانجامی نیکوست! (۴۰)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و به خاطر بی‌اور بنده ما ایوب را، هنگلی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است. (۴۱)

(به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای توست و نوشیدن است! (۴۲)

و خانواده‌اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای اندیشمندان. (۴۳)

(و به او گفتیم:) بسته‌ای از سقه‌های گندم (یا مانند آن) را بگیر و با آن (همسرت را) بزنی و سوگند خود را مشکن! ما او را شکیب یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود! (۴۴)

و به خاطر بی‌اور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستها (ی نیرومند) و چشمها (ی بینا)! (۴۵)

ما آنها را با خلوص و پرهیزهای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود! (۴۶)

و آنها نزد ما از برگزینگان و نیکانند! (۴۷)

و به خاطر بی‌اور «اسماعیل» و «الیسع» و «ذا الکفل» را که همه از نیکان بودند! (۴۸)

این یک یادآوری است، و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است: (۴۹)

باغهای جاویدان بهشتی که در هایش به روی آنان گشوده است، (۵۰)

در حالی که در آن بر تختها تکیه کرده‌اند و میوه‌های بسیار و نوشیدنیها در اختیار آنان است! (۵۱)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته‌اند، و همسن و سالند! (۵۲)

این همان است که برای روز حساب به شما وعده داده می‌شود (وعده‌ای تخلف ناپذیر)! (۵۳)

این روزی ما است که هرگز آن را پایانی نیست! (۵۴)

این (پاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین محل بازگشت است: (۵۵)

دوزخ، که در آن وارد می‌شوند؛ و چه بستر بدی است! (۵۶)

این نوشابه «حمیم» و «غساق» است (دو مایع سوزان و تیره رنگ) که باید از آن بچشند! (۵۷)

و جز اینها کیفرهای دیگری همانند آن دارند! (۵۸)

(به آنان گفته می‌شود): این گروهی است که همراه شما وارد دوزخ می‌شوند (اینها همان سران گمراهیند): خوشامد بر آنها مباد، هسگی در آتش خواهند سوخت! (۵۹)

آنها (به رؤسای خود) می‌گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این عذاب را شما برای ما فراهم ساختید! چه بد قرارگاهی است اینجا!» (۶۰)

(سپس) می‌گویند: «پروردگارا! هر کس این عذاب را برای ما فراهم ساخته، عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزاید!» (۶۱)

آنها می‌گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می‌شمردیم (در اینجا، در آتش دوزخ) نمی‌بینیم؟! (۶۲)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آیا ما آنان را به مسخره گرفتیم یا (به اندازهای حقیرند که) چشمها آنها را نمی‌بیند؟! (۶۳)

این يك واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان! (۶۴)

بگو: «من تنها يك بید هندهام؛ و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهار نیست! (۶۵)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار عزیز و غفار! (۶۶)

بگو: «این خبری بزرگ است، (۶۷)

که شما از آن روی‌گردانید! (۶۸)

من از ملا اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم) مخاصمه می‌کردند خیر ندارم! (۶۹)

تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که من انذارکننده آشکاری هستم! (۷۰)

و به خاطر بیابور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می‌آفرینم! (۷۱)

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید! (۷۲)

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، (۷۳)

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود! (۷۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟!» (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)» (۷۵)

گفت: «من از او بهترم: مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!» (۷۶)

فرمود: «از آسمانها (و صفراف ملانکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی!» (۷۷)

و مسلمانعت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود! (۷۸)

گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می‌شوند مهلت ده!» (۷۹)

فرمود: «تو از مهلت داده‌شدگانی، (۸۰)

ولی تا روز و زمان معین!» (۸۱)

گفت: «به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، (۸۲)

مگر بندگان خالص تو، از میان آنها!» (۸۳)

فرمود: «به حق سوگند، و حق می‌گویم، (۸۴)

که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!» (۸۵)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly